



رسالة محمد



واحد بین الملل کیش  
دانشکده حقوق

## عنوان

بررسی حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

نگارش:

لیلا آراین پارسا

دانشجوی حقوق کیفری و جرم‌شناسی (وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه)

آذر ماه ۱۴۰۲

## فهرست مطالب:

۱	چکیده.....
۲	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۳	۱-۱- مقدمه.....
۴	۱-۲- بیان مسئله.....
۵	۱-۳- سوابق مربوطه.....
۶	۱-۴- سوالات تحقیق.....
۶	۱-۵- فرضیه های تحقیق.....
۶	۱-۶- اهداف تحقیق.....
۷	۱-۷- جنبه نوآوری تحقیق.....
۷	۱-۸- سازماندهی مطالب.....
۸	فصل دوم: ادبیات نظری و پیشنهاد تحقیق.....
۹	۲-۱- مجازات.....
۹	۲-۱-۱- مفهوم.....
۱۲	۲-۱-۲- خصوصیات و ویژگیهای مجازات.....
۱۲	۲-۲- اندیشه مجازات در اسلام.....
۱۳	۲-۲-۱- فلسفه یا مبنای مجازات.....
۱۶	۲-۲-۲- اصول حاکم بر مجازات اسلامی.....
۱۷	۲-۲-۳- توجه به شخصیت مجرم در مجازاتهای اسلامی.....
۱۸	۲-۳- اندیشه مجازات در ایران.....

۱۹	۲-۴- مجازات حبس
۱۹	۲-۴-۱- مفهوم
۲۱	۲-۴-۲- تاریخچه حبس
۲۲	۲-۵- حبس از دیدگاه اسلام
۲۳	۲-۵-۱- حبس در قرآن
۲۴	۲-۵-۲- حبس در سیره نبوی- شیعی
۲۵	۲-۶- تاریخ حبس در ایران
۲۷	۲-۷- پیدایش زندان در اروپا
۲۹	۲-۸- مفهوم سیاست کیفری
۳۰	۲-۹- مفهوم جمعیت کیفری
۳۰	۲-۱۰- حبس زدایی
۳۱	۲-۱۱- مجازات های جایگزین
۳۴	۲-۱۲- چرایی جایگزین های حبس
۳۵	۲-۱۳- اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۸	۲-۱۴- حبس و حبس گرایی
۳۹	۲-۱۵- بی تاثیری زندان در کاهش جرم
۴۰	۲-۱۶- آسیب شناسی و علل افزایش جمعیت کیفری
۴۱	۲-۱۶-۱- مفهوم جمعیت کیفری
۴۱	۲-۱۶-۲- گونه شناسی جمعیت کیفری زندان
۴۳	۲-۱۶-۳- آسیب شناسی افزایش جمعیت کیفری
۵۹	۲-۱۷- معایب مجازات زندان
۵۹	۲-۱۷-۱- هزینه های مادی فراوان زندان
۶۰	۲-۱۷-۲- زندان و سیاست فرمانبرداری اختیاری

- ۳-۱۷-۲- زندان ؛ مدرسه جرم ..... ۶۱
- ۴-۱۷-۲- آثار منفی زندان بر پذیرش اجتماعی زندانیان و خانواده آنها ..... ۶۲
- ۵-۱۷-۲- زوال حس مسئولیت ..... ۶۲
- 2-۱۷-۶- نابودی هویت ..... ۶۳
- ۷-۱۷-۲- اختلالات روانی ..... ۶۳
- ۸-۱۷-۲- تحمل بار بدنامی ..... ۶۳
- ۹-۱۷-۲- نتیجه حبس گرایي ؛ عدم تکافوی فضا و امکانات زندانها ..... ۶۴
- ۱۸-۲- رویکرد اصلاحی به منظور حبس زدایی ..... ۶۵
- ۱-۱۸-۲- جایگزین زندان در جهان ..... ۶۵
- ۲-۱۸-۲- جایگزینی، همزاد با آغاز حبس گرایي ..... ۶۶
- ۳-۱۸-۲- اثباتیون و تأثیر بر حبس گرایي ..... ۶۶
- ۴-۱۸-۲- مارک آنسل و زندان زدایی ..... ۶۷
- ۵-۱۸-۲- پست مدرنیسم و زندان زدایی ..... ۶۷
- ۶-۱۸-۲- حبس زدائی به مثابه یک سیاست کیفری ..... ۶۷
- ۲-18-۷- الزامات لازم برای جایگزین های مجازات ..... ۶۸
- فصل سوم: روش اجرای تحقیق..... ۷۳
- ۱-۳-مقدمه ..... ۷۴
- ۲-۳- روش تحقیق..... ۷۴
- ۳-۳- روش جمع آوری اطلاعات..... ۷۴
- ۴-۳- محدودیت های تحقیق..... ۷۵
- ۵-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۷۶
- فصل چهارم: حبس زدایی ضرورتی اجتناب ناپذیر..... ۷۷
- ۱-۴- سیاست عقب نشینی حقوق کیفری..... ۷۸

- ۱-۱-۴- جرم زدایی ..... ۷۸
- ۱-۲-۴- قضا زدایی ..... ۸۱
- ۱-۳-۴- کیفر زدایی ..... ۸۲
- ۲-۴- آغاز حبس زدایی ..... ۸۴
- ۳-۴- لزوم حبس زدایی با توجه به آثار زیانبار آن ..... ۸۶
- ۴-۴- جایگزین های مجازات حبس ..... ۸۸
- ۵-۴- ویژگی های جایگزین های حبس ..... ۹۰
- ۱-۵-۴- مشارکتی بودن ..... ۹۰
- ۲-۵-۴- دو سویه و توافقی بودن ..... ۹۱
- ۳-۵-۴- قابل بازگشت بودن ..... ۹۲
- ۴-۵-۴- قابل تعلیق، تبدیل، تخفیف ..... ۹۳
- ۵-۵-۴- عدم طرد مجرم از اجتماع ..... ۹۳
- ۶-۴- شرایط اعمال مجازات های جایگزین حبس ..... ۹۴
- ۱-۶-۴- شرایط مربوط به بزه ..... ۹۴
- ۲-۶-۴- شرایط مربوط به بزهکار ..... ۹۵
- ۳-۶-۴- شرایط مربوط به بزه‌دهنده ..... ۹۶
- ۴-۶-۴- وجود جهات تخفیف مجازات ..... ۹۶
- ۷-۴- محدوده اعمال جایگزین های حبس ..... ۹۷
- ۱-۷-۴- موارد اجباری اعمال جایگزین های حبس ..... ۹۷
- ۲-۷-۴- موارد اختیاری اعمال جایگزین های حبس ..... ۹۸
- ۳-۷-۴- موارد غیر قابل اعمال جایگزین های حبس ..... ۹۹
- ۸-۴- جایگزین های زندان در مرحله پیش از محاکمه ..... ۱۰۱
- ۹-۴- جایگزین های پیش از محاکمه در حقوق ایران ..... ۱۰۲

۱۰۳	۴-۱۰- جایگزین های کیفی حبس در مرحله رسیدگی و اجرای حکم
۱۰۳	۴-۱۰-۱- روش های سنتی
۱۰۷	۴-۱۰-۲- روش های جدید
۱۱۰	۴-۱۱- مجازات های جایگزین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی
۱۱۰	۴-۱۱-۱- تخفیف مجازات
۱۱۱	۴-۱۱-۲- تعویق صدور حکم
۱۱۴	۴-۱۱-۳- تعلیق اجرای مجازات
۱۱۷	۴-۱۱-۴- نظام نیمه آزادی
۱۱۸	۴-۱۱-۵- نظام آزادی مشروط
۱۲۰	۴-۱۲- چالش های به کار گیری مجازات های جایگزین حبس
۱۲۴	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۲۵	۵-۱- نتیجه گیری
۱۲۶	۵-۲- پیشنهادات
۱۳۴	منابع
۱۴۱	پیوست



## چکیده

امروزه مجازات زندان به عنوان یکی از مهم‌ترین کیفرها در اکثر جوامع بشری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان نهادی که مجرم را در خود جای داده است باید مورد نگاه تیزبینانه کیفرشناسان و جرم‌شناسان قرار گیرد. به رغم عمر کوتاه زندان در جوامع غربی به علت عدم تامین اهداف مورد نظر این جوامع، زندان‌ها با تحولات بسیاری روبه‌رو شده‌اند و شیوه‌های مختلف حبس ابداع و تجربه شده است. همه این شیوه‌ها داعی اصلاح و درمان جرم را داشته‌اند. اما امروزه زندان مکانی برای اصلاح و درمان نیست که مدرسه تکرار جرم است به طوری که بیست و نه درصد افراد به طور مرتب مرتکب جرم شده، به زندان بازگشت نموده‌اند. بدین ترتیب درمی‌یابیم که زندان نه تنها برای افراد سابقه‌دار (یعنی ۲۹ درصد) کاری صورت نمی‌دهد، بلکه سایر زندانیان یعنی زندانیان بی سابقه هم در معرض آموزش‌های غلط آنان قرار می‌گیرند. به همین خاطر کیفرهای جایگزین حبس نسل جدیدی از مجازات‌ها هستند که در قانون جدید در ادامه جنبش کیفرزدایی و زندان‌زدایی دست کم در جرایم کم اهمیت و سبک نخست در قالب مجازات‌های جایگزین زندان و سپس مستقل از دیگر کیفرها وارد زندان کیفری شده‌اند. این گونه مجازات‌ها امروزه به شکل‌های متعدد و متنوع با کارکردهای مختلف، از جمله کارکرد توان‌گیرانه درصدد پاسخ‌دهی به مجرم‌ان است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی از رهگذر آنها به دنبال سلب توان بزه‌کاران هستند. هدف تحقیق حاضر بررسی حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. متغیر مستقل پژوهش حاضر قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و متغیر وابسته آن وضعیت حبس‌زدایی و تغییرات آن و شرایط و آثار که برای نهاد حبس‌زدایی پیش‌بینی شده است می‌باشد. روش تحقیق در این موضوع به شیوه توصیفی تحلیلی می‌باشد که بعد از مقررات موجود راجع به حبس‌زدایی در قانون مجازات ۹۲، به تحلیل و تجزیه این مقررات و ارائه تحلیل‌های مقتضی اقدام خواهد شد. نتایج نشان داد پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست جنایی تقنینی از یک طرف ناشی از شکست یا حداقل ناموفق بودن برنامه‌های اصلاحی - درمانی زندان و از طرف دیگر برگرفته از یافته‌های جدید علوم جنایی در این زمینه است. با اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس توسط محاکم و پیش‌بینی سازوکارهای لازم در این زمینه از جمله فرهنگ قضایی، نیروی انسانی آموزش دیده و هماهنگی بین دستگاه قضایی و سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد، گامی بزرگ در حوزه قضایی کشور برداشته می‌شود و بایستی شاهد کاهش تراکم پرونده‌ها در دادسراها و دادگاه‌ها و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها باشیم.

واژگان کلیدی:

مجازات، حبس، حبس‌زدایی، کیفرهای جایگزین حبس، سیاست جنایی تقنینی.

**فصل اول:**

**کلیات تحقیق**

در دو سده اخیر با الغای مجازات‌های بدنی، کیفر سالب آزادی مورد توجه جوامع مختلف قرار گرفت. اما در طول دو قرن مشکلات و معضلات زیاد این مجازات نمود پیدا کرد، به گونه‌ای که جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان با تبعیت از دیدگاه الغاگرایان نظام زندان به این نتیجه رسیدند که با حذف زندان از زرادخانه کیفری، باید از روش‌های اصلاحی برای تغییر در اجزا نظام اجرایی زندان به ویژه با استفاده از جایگزین‌های زندان و و نظارت گسترده اجتماعی بر بزهکاران بهره جست.

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. هرچند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم، ولی پس از جنگ جهانی دوم، تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود جایگاه خود را پیدا کرد. اهمیت حقوق اساسی شهروندان، به ویژه حق آزادی سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. واکنش اجتماعی در قالب مجازات که از قدمتی معادل عصر بشر برخوردار می‌باشد حسب زمان و مکان و متاثر از حوائج و مصالح امروزه ناگزیر از تحول و دگرگونی می‌باشد و این امر رابطه مستقیم با وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارد.

امروز کیفر سالب آزادی که خود زمانی جایگزینی مناسب برای تعذیب جسم بشمار می‌آمد به لحاظ پیچیده شدن روابط اجتماعی که تعارضات منافع را در زمینه‌های مختلف سبب می‌گردد در عمل پاسخ‌گویی تمام نیازهای جامعه نمی‌باشد ضمن آنکه حبس محوری و صدور آرای کثیر سالب آزادی پی‌آمدهای بسیار را متوجه اجتماع نموده که بتدریج دور باطلی را پدید آورده است. بنابراین بحران جمعیت کیفری، ضرورت سیاست حبس‌زدایی را سبب گردیده تا با توجه به مولفه‌های آن از قبیل جرم‌زدایی، قضازدایی و کیفرزدایی در راستای تعدیل وضعیت موجود اقدامات مناسب به عمل آید. تحولات دهه‌های اخیر باعث شده است که در بسیاری از نظام‌های کیفری، جانشین‌های گوناگون برای محکومیت حبس در نظر گرفته شود. در همین راستا، در کنار شیوه‌های دیگر تعدیل کیفر حبس مانند آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی امروزه از جایگزین‌هایی چون تعویق تعقیب، میانجیگری، بازداشت خانگی، جریمه روزانه و نظارت الکترونیکی نیز استفاده می‌شود.

امروزه مجازات زندان به عنوان یکی از مهم‌ترین کیفرها در اکثر جوامع بشری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان نهادی که مجرم را در خود جای داده است باید مورد نگاه تیزبینانه کیفرشناسان و جرم‌شناسان قرار گیرد. به رغم عمر کوتاه زندان در جوامع غربی به علت عدم تامین اهداف مورد نظر این جوامع، زندان‌ها با تحولات بسیاری روبه‌رو شده‌اند و شیوه‌های مختلف حبس ابداع و تجربه شده است. همه این شیوه‌ها داعی اصلاح و درمان جرم را داشته‌اند. اما امروزه زندان مکانی برای اصلاح و درمان نیست که مدرسه تکرار جرم است به طوری که بیست و نه درصد افراد به طور مرتب مرتکب جرم شده، به زندان بازگشت نموده‌اند. بدین ترتیب درمی‌یابیم که زندان نه تنها برای افراد سابقه‌دار (یعنی ۲۹ درصد) کاری صورت نمی‌دهد، بلکه سایر زندانیان یعنی زندانیان بی‌سابقه هم در معرض آموزش‌های غلط آنان قرار می‌گیرند. با این وضع زندان نمی‌تواند مکان اصلاحی و تربیتی باشد. به همین دلیل برخی سخن از الغای آن به میان آورده‌اند. از طرفی دیگر، حبس برچسبی به فرد می‌زند که باعث می‌گردد فرد پس از ورود به جامعه از آن طرد شود و پس از قبول شخصیت مجرمانه خود به نقش‌آفرینی به عنوان مجرم ادامه دهد یکی از اهداف اصلی کیفرها اصلاح بزهکار است. ریشه‌های این تفکر اگرچه به نظرات فلسفی - حقوقی افلاطون، ارسطو و آشیل باز می‌گردد. اما این موضوع به عنوان یک نظریه در کیفرشناسی در اواخر قرن نوزدهم ارایه شد. در سال ۱۹۰۱ هنری بوائیه بیان داشت افراد نابهنجار و کجرو خواستار آنند که درمان ویژه‌ای غیر از مجازات برای آنان فراهم آید. پاسخ این درخواست «اصلاح و درمان» بیماری و رفع شرایط نابهنجار است که مانع از اطاعت قانون شده است. این هدف کیفر به ویژه پس از ظهور جنبش دفاع اجتماعی نوین مهم‌ترین هدف مجازات تلقی شد. با بهره‌گیری از جایگزین‌های حبس می‌توا با دور نگه داشتن مجرم از محیط جرم‌زای زندان او را از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه دیده آگاه کرد و با احیای احساسات نیک انسانی، مسوولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و در اجرای مجازات‌هایی چون خدمات اجتماع محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم بهره‌مند می‌گردد و زمینه بازگشت فرد به جامعه فراهم خواهد شد.

کیفرهای جایگزین حبس نسل جدیدی از مجازات‌ها هستند که در قانون جدید در ادامه جنبش کیفرزدایی و زندان‌زدایی دست کم در جرایم کم اهمیت و سبک نخست در قالب مجازات‌های جایگزین زندان و سپس مستقل از دیگر کیفرها وارد زرادخانه کیفری شده‌اند. این گونه مجازات‌ها امروزه به شکل‌های متعدد و متنوع با کارکردهای مختلف، از جمله کارکرد توان‌گیرانه درصدد پاسخ‌دهی به مجرمان است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی از رهگذر

آنها به دنبال سلب توان بزه‌کاران هستند؛ و متغیر مستقل پژوهش حاضر قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و متغیر وابسته آن وضعیت حبس‌زدایی و تغییرات آن و شرایط و آثار که برای نهاد حبس‌زدایی پیش‌بینی شده است می‌باشد.

### ۳-۱- سوابق مربوطه

در رابطه با حبس‌زدایی و اثرات سوء حبس تاکنون کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی چند نگاشته شده است کتابهایی چون:

۱- جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین که در این کتاب به این مسایل پرداخته شده است که جمعیت رو به افزایش زندانیان گنجایش نظام زندان را می‌کاهد و مسوولان نمی‌توانند برای برنامه‌های توان‌بخشی و بازسازی اجتماعی زندانیان کار چندانی انجام دهند. در این کتاب مشکلات و معضلات فراوان مجازات حبس بیان شده و همچنین به استفاده از جایگزین‌های حبس برای تغییر در این نظام نیز پرداخته شده است. که مجازات‌های جایگزین حبس باعث کاهش تراکم جمعیت زندان است و به عنوان یک ضمانت اجرا به حساب می‌آید. کاهش هزینه‌ها و در اجتماع نگه داشتن مجرمان و حفظ ارتباط اجتماعی آنان و حضور آنان در خانواده که از بسیاری مشکلات جلوگیری می‌کند از دیگر اهداف جایگزین حبس محسوب می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۵، ۵).

۲- نارسایی‌های زندان در این کتاب به مجازات حبس که امروزه به عنوان یکی از مهمترین کیفرها در اکثر جوامع بشری مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان نهادی که مجرم را در خود جای داده است مورد نگاه تیزبینانه قرار گرفته است و همچنین به ناکارآمدی مجازات حبس در قوانین و مقررات ایران در زمینه اصلاح و باز پروری اشاره شده است و همچنین اثرات بد زندان به این صورت که در زندان مجرمان اتفاقی در کنار مجرمان حرفه‌ای ممکن است به جای تربیت و اصلاح به یادگیری فنون ارتکاب جرم پردازند و اشاره به مجازات‌هایی که می‌توان جایگزین حبس کرد تا مجرم سریعتر به جامعه بازگردد پرداخته شده است. (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۰۹).

۳- کیفرهای جامعه‌مدار در این اثر ضمن بررسی انواع جایگزین‌های حبس که نسل جدیدی از مجازات‌ها هستند که در خلال اجرای آنها بزه‌کار از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه دیده آگاه می‌شود و با احیای احساسات نیک انسانی، مسئولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و نیز به ویژگی‌های

خاص و فواید این مجازاتها نسبت به مجازاتهای سنتی که امروزه اعمال این ضمانت اجراها را اجتناب ناپذیر کرده است سخن گفته شده و همچنین به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران در خصوص جایگزین‌های حبس و راه حل آنها پرداخته شده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ۴۴).

#### ۴-۱- سوالات تحقیق

۱- مهمترین مصادیق حبس‌زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی را کدام موارد تشکیل می‌دهد؟

۲- چرا مجازات حبس نتوانسته در انجام رسالت خود در اصلاح مجرمان موفق عمل کند؟

۳- چگونه راهکارهای حبس‌زدایی در قانون جدید می‌تواند در اصلاح بزهکاران به نظام عدالت کیفری کمک کند؟

#### ۵-۱- فرضیه های تحقیق

۱- امروزه از جایگزین‌های نوینی چون دوره مراقبت، نظارت الکترونیکی و دیگر راهبردهای نوین می‌توان در جهت حبس‌زدایی بهره برد.

۲- پایدار ماندن برچسب مجرمانه به مرتکب جرم و رفتار وی براساس هویت مجرمانه جدید مهمترین عاملی است که زندان نتوانسته در بازپروری مجرمان موفق عمل نماید..

۳- حبس‌زدایی در قانون جدید از طریق جدا نکردن مجرم از جامعه، بازپروری اجتماعی وی، جلوگیری از وارد آمدن برچسب مجرمانه و اجرا کیفرهایی متناسب با شخصیت و وضعیت مرتکب در اصلاح بزهکاران به نظام عدالت کیفری کمک نماید.

#### ۶-۱- اهداف تحقیق

۱- تبیین چالشهای بکارگیری مجازاتهای جایگزین حبس در نظام کیفری ایران

۲- تبیین مشکلات و محدودیتهای بکارگیری مجازات حبس به عنوان مهمترین و پرکاربردترین مجازات در زرادخانه حقوق کیفری ایران

۳- ارائه راهکارهایی به قانونگذار در راستای تدوین و تصویب مقررات در راستای رفع موانع و چالشهای فعلی در امر بهره‌گیری از مجازاتهای جایگزین حبس.

## ۷-۱- جنبه نوآوری تحقیق

در قانون جدید مجازات اسلامی مقنن تلاش داشته که با پیش بینی مقرراتی تا حد امکان از مجازات حبس بکاهد در این راستا دادن اختیاراتی به محاکم برای معاف نمودن مرتکب از کیفر یا تعویق و تعلیق مجازات و نهادهایی مانند نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط از جمله راهکارهایی هستند که در قانون جدید برای حبس زدایی مدنظر قرار گرفته است که تا کنون در نظام کیفری ایران مسبوق به سابقه نبوده است لذا مقتضی است که طی یک تحقیق مستقل موضوع حبس زدایی در قانون جدید مجازات مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد.

## ۸-۱- سازماندهی مطالب

رساله حاضر در قالب پنج فصل به رشته تحریر درآمده است. در فصل اول با عنوان کلیات تحقیق به بیان مسئله، پیشینه مطالعات، سوالات و فرضیات پیرامون موضوع پرداخته شده است. فصل دوم تحت عنوان ادبیات نظری و پیشینه تحقیق، ابتدا مفاهیم مرتبط با حبس و حبس زدایی مورد بررسی قرار گرفت، سپس نظرات مختلف پیرامون موضوع مذکور اعم از دیدگاه های موافق و مخالف بیان گردید. در فصل سوم رساله روش شناسی تحقیق بیان گردید. این فصل به مواردی از قبیل، نوع روش تحقیق، روش گردآوری اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و محدودیت های تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. فصل چهارم به عنوان اساسی ترین و مهم ترین فصل رساله تحت عنوان حبس زدایی ضرورتی اجتناب ناپذیر ارائه گردید. در این فصل انواع سیاست های عقب نشینی حقوق کیفری، لزوم حبس زدایی با توجه به آثار زیانبار مجازات حبس، ویژگی ها و شرایط مجازات های جایگزین حبس و .... به تفصیل بیان گردید. فصل پنجم نیز با عنوان نتیجه گیری و پیشنهادات ابتدا به جمع بندی مطالب گفته شده در چهار فصل قبل پرداخت و سپس در ارتباط با رد یا اثبات فرضیات مطالبی ارائه شد و در پایان نیز جهت روشن شدن کمبودها و کاستی ها هم از منظر قانون گذاری و هم از منظر مطالعات آتی پیشنهاداتی ارائه گردید.

## **فصل دوم:**

### **ادبیات نظری و پیشنه تحقیق**



## ۲-۱- مجازات

بشر همواره در دفاع از حقوق و آزادی، جان و مال خویش، متخلف و متجاوز را به عناوین مختلف به کیفر رسانده و جامعه نیز در طول ادوار تاریخ برای حفظ آرامش و امنیت، ارباب دیگران و تنبیه مجرم با مجازات واکنش نشان داده است. با وجود اینکه تاکنون بی رحمانه ترین و شدید ترین شکنجه ها و مجازاتها در مورد مجرمین اجرا گردیده ولی از ازدیاد بزهکاری پیشگیری نشده است. ادامه و بقای زندگی اجتماعی توأم با رفاه و آسایش میسر نیست مگر با تنظیم صحیح روابط افراد جامعه با همدیگر و برقراری و حفظ نظم عمومی و تامین امنیت در جامعه و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضائی و اخلاقی که این امر مستلزم پیش بینی قواعد و ضوابط هماهنگ در کلیه زمینه ها است تا از هر گونه تجاوز و تعددی افراد به حقوق دیگران جلوگیری و به طریق ممکن افراد را ملزم به رعایت موازین و قواعد حقوقی و اجتماعی بنماید. در این صورت رعایت مصالح و منافع فردی و اجتماعی و دفع مفسد می تواند اساس کلید احکام قضائی گردد.<sup>۱</sup>

### ۲-۱-۱- مفهوم

مجازات از ریشه «جزی» و به معنای پاداش نیک یا بد است.<sup>۲</sup> طبق آیات قرآن، تعریفی کلی که دربر دارنده همه گونه مجازات های بد و ناگوار شود، عبارت از تحمیل عمدی شری بر مجرم در مقابل مخالفت وی با اوامر و دستورات الهی از سوی « خداوند و یا جانشینان یا عوامل وی » است. در همین راستا، آیات ۴۰ و ۴۱ سوره «اعراف» ناظر بر کسانی است که به واسطه تکذیب آیات الهی و استکبار، مستوجب باز نشدن درهای آسمان و قرار گرفتن در بسترها و بالاپوش هایی از جهنم شده اند. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می باشد و همین ضابطه مجازات را از وسایل انضباطی که قبل از ارتکاب جرم برای جلوگیری از وقوع آن اعمال می شود و اقدامات مربوط به ترمیم زیان های ناشی از دعاوی حقوقی تفکیک می نماید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ویرایش ال، چاپ دوازدهم، ص ۵۹.

<sup>۲</sup> معلوف، لوئیس، ۱۳۸۷، المنجد عربی- فارسی، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ص ۱۹۲.

<sup>۳</sup> علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، چاپ چهارم، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۵، ص ۱

مضیق بودن این تعریف سبب گردیده تا صرفاً به ویژگی رنج و مشقت مجازات بپردازد و سایر جنبه ها از قبیل خصایص و اهداف آن را در بر نمی گیرد و این امر می تواند ناشی از رسالت های مختلف مجازات در هر برهه ی زمانی و مکانی باشد که از سوی جامعه مورد توقع می باشد و لذا یکی از اساتید به دلیل وابسته بودن این مفهوم به فاکتورهایی از قبیل ساختار روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و نیز تحول پذیری آنف همچنین تنوع جوامع، تعابیر و تفاسیر کیفر، آن را به تجزیه و تحلیل مجازات موکول می نماید.<sup>۱</sup>

اما با توجه به هدف اصلاح و بازپروری که مهمترین شاخص مجازات ها پس از ظهور مکاتب جرم شناسی می باشد، در تعریف دیگر آمده است که مجازات رنج و آزادی است که مجرم به دلیل مخالفت با امر یا نهی قانون متحمل می شود تا روش ناپسندی که داشته اصلاح گردد و دیگران نیز از روش او پیروی نکنند. بنابراین ضمن اشاره به خصیصه ذاتی مجازات یعنی رنج و تعب مستتر در آن، اصلاح مجرم و پیشگیری عام و خاص را مورد تاکید قرار می دهد.<sup>۲</sup>

کیفر یا مجازات در تاریخ سابقه ای طولانی دارد زیرا جواع اولیه و ابتدایی نیز بدون برخورداری از حداقل حقوق قادر به تداوم حیات خویش نبوده اند. واکنش جزایی و جبران خسارت در مقابل یک پدیده کیفری ضروری شناخته است، زیرا ضمانت اجراهای مدنی در حقوق خصوصی مثل جبران ضرر و زیان به تنهایی و عموماً و معمولاً بدون تاثیر بوده لذا ناگزیر باید به تدابیر قهری متوسل گردید تا ضمن جبران نسبی صدمه حسن اجرای قانون و صیانت جامعه تامین شود کیفر مرعوب کننده است و عامل ترس و ارعاب نقش بازدارندگی دارد. انسان نسبت به حیات، آزادی، حیثیت و جان و مال خویش علاقمند است، بنابراین سلب احتمالی هر یک از این مواهب الهی نگران کننده و بیم آور و خود وسیله ای است برای بازداشتن اشخاص از تعددی و تجاوز به حقوق دیگران و جامعه.<sup>۳</sup>

در زندگی اجتماعی در قبال مسئولیت هایی که جامعه با تدوین قوانین و وضع مقررات برای افراد جامعه به وجود آورده مکلف به دفاع از سایر حقوق و آزادیهای آنان است. اگر یکی از افراد جامعه مورد تجاوز قرار گیرد جامعه برای احقاق حق و حفظ امنیت و آرامش ملزم به مجازات مجرم است. واکنش جامعه در قبال

<sup>۱</sup> نوربها، رضا، زمینه حقوق جزا عمومی، چاپ دوم، کانون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۷۳

<sup>۲</sup> رهامی، محسن، اقدامات تامینی و تربیتی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱؛ طباطبایی مومتمنی، منوچهر، ۱۳۸۲، آزادی عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم.

<sup>۳</sup> ملک اسماعیلی، عزیزالله، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۶۴.

پدیده مجرمانه، مجازات نامیده می شود که مشتقی است از نظر جانی، مالی، حیثیت و آبرو که بر مجرم تحمیل می گردد. در قوانین کیفری کشورهایی که آزادی فردی را محترم می شمارند هدف قانون گذار از مجازات مجرم حفظ منافع اجتماعی و تربیت و یا درمان بزهکار است اکثر کشورهای متمدن با تلفیق دو نظریه مذکور قوانین کیفری را تدوین و هدف کلی از مجازات را به شرح زیر پذیرفته اند<sup>۱</sup>.

نوع جرایم با طرز تفکر، آداب و رسوم و سنتهای ملتها، تمدن، باورهای مذهبی، وضع جغرافیایی، تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بستگی خاص دارد. انواع مجازاتها نیز تحت تاثیر افکار، عقاید و عادات و خواسته های هر اجتماعی متفاوت است با اینکه برای مبارزه بر علیه بزهکاری در کشورهای متمدن روشهای مختلف به مورد اجرا گذاشته می شود اما هدف نهایی و غایی از اجرای مجازات دفاع از اجتماع، اصلاح و تربیت یا درمان مجرم و عادت دادن او به زندگی است.

قانون جزای سوئیس اولین قانونی است که هدف اصلی از مجازات را اصلاح و تربیت ذکر کرده اصل مذکور بعدها در قوانین جزائی سایر کشورها از جمله آلمان ۱۹۴۶ ایتالیا ۱۹۴۷ و کشورهای مختلف آمریکای لاتین پذیرفته شده است. در فرانسه هدف از مجازات چنین تعریف شده: «هدف باید تربیت مجدد محکوم باشد». تاثیر مجازات در پیشگیری عمومی تضمین اساسی برای حفظ نظم و آرامش و امنیت در اجتماع است، با مجازات مجرم، کسانی که آمادگی ارتکاب جرم را دارند از سرنوشت مجرم پند گرفته از ارتکاب جرم خودداری می کنند مجازات در ترمینولوژی حقوق: «مشتقی است که مقنن به مجرم تحمیل میکند». و به تعبیر دیگر، تنبیهی است که برای مرتکب جرمی تعیین می شود و نتیجه فوری آن رنجی است که مرتکب از آن می برد و بعبارت دیگر رنج و مرارت با مجازات توأم است و همین تحمل رنج است که مجازات از سایر وسایل مقرر و معمول تمیز داده می شود<sup>۲</sup>.

---

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ص ۵۹.

## ۲-۱-۲- خصوصیات و ویژگیهای مجازات

### الف - رنج آور بودن

مجرم از نظر اخلاقی مسئول و مقصر است و مجازات او بنظر اکثریت حقوقدانان ضروری است به همین ترتیب به نظر عده زیادی ضرورت دارد که مجرم با تحمل رنج و سختی، مکافات عمل خود را باز دهد و حس انتقام جوئی مردم هم تسکین یابد، از نظر اخلاقی و مذهبی نیز ضروری بنظر میرسد زیرا تحمل عذاب وجود مجرمین را پاک می کند و موجبات اصلاح اخلاقی آنانرا فراهم می آورد.

ماده ۱۸۲ آ.د.کیفری « جنایت عبارت است از جرمی که جزای آن ترهیبی و ترذیلی توام یا فقط ترذیلی است » ترهیب به معنی وارد آوردن رنج و مشقت به بدن و جسم مجرم است.

### ب - رسوا کنندگی

یکی دیگر از خصوصیات مجازات که با طرز فکر کلی مردم جوامع مختلف نسبت به جرم و مجازات، هماهنگی دارد، لذا اعلان می شود و باعث رسوائی مجرم در اذهان و افکار عمومی می گردد. اصلاح ترذیلی مذکور در م ۱۸۲ آئین دادرسی کیفر به همین نکته توجه داشته است، زیرا ترذیلی به معنی پست و رذل کردن مجرم و آسیب رساندن به حیثیت و آبروی اجتماعی او است.

### ج - قاطع بودن مجازات ها

با آنکه میزان محکومیت مجرم ممکن است در عمل تغییر یابد ولی علی الصول حکم محکومیت پس از آنکه به مرحله نهائی رسید و راهی برای تجدید نظر در آن وجود نداشت بصورت قطعی در می آید و قابل تبدیل و تعویض نیست<sup>۱</sup>.

## ۲-۲- اندیشه مجازات در اسلام

ماخذ و منبع اصلی فرآیند مجازات در اسلام قرآن کریم است. آیات آسمانی وحی به صراحت قصاص، حدود و دیات را مورد اشاره قرار می دهد. ارتداد، محاربه، افساد فی الارض، زنا، محصنه و قصاص نفس از جمله معدود مجازاتهای منتهی به مرگ در آموزه های اسلام هستند. همزمان با نزول این آیات در اروپا

<sup>۱</sup> علی آبادی، علی حسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، ص ۷۸.

صدها جرم، مجازات مرگ داشتند. علاوه بر این منبع اصلی، سنت و اجماع از سایر منابع مجازات در فقه اسلامی هستند. در این منابع نیز برخی کیفرها تعیین شده است که البته همواره در تناسب با مجازاتهای قرآن تعیین می شوند. چنانچه تعزیرمادون حد است.

و بالاخره عقل از منابع حقوق اسلامی است که در واقع وظیفه پر کردن خلاء های مربوط به سه منبع دیگر را بر عهده دارد. این خلاء ها با گسترش جامعه بشری و بویژه پس از استقرار حاکمیت دین بیشتر رخ نمود. به کارگیری صحیح این منبع می تواند مقنن را در تعیین مجازاتهایی نزدیک به قرآن، اجماع و سنت یاری رساند.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۲- فلسفه یا مبنای مجازات

مبنای مجازات یا اندیشه اساسی ای که مجازاتهای اسلامی مستند به آن است، عبارت از همان مبنایی است که مجموع شریعت اسلامی بر آن مبتنی می باشد؛ چه آن که فقه جزایی و پدیده کیفر جزئی از شریعت اسلامی بوده و شریعت دارای جوانب و ابعاد گسترده و در عین حال هماهنگی است که بین آنها تغایر و تضاد وجود ندارد و تمامی شریعت در حقیقت در راستای تحقق یک هدف گام بر می دارد، بنابراین ضروری است که از مبنای واحدی برخوردار باشد و باید آن مبنای واحد را دریافت. با فهم دقیق دین و تحقیق در هدف بعثت و ارسال رسولان الهی می توان مبنا را شناخت:

«و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین»<sup>۲</sup>.

بنابراین مبنای شریعت که مجازات نیز بخشی از آن می باشد، رحمت خداوند بر بندگان است؛ رحمتی که گستره آن هر جا و همه چیز را فرا گرفته است، رحمت از جانب خداوندی که رحمان و رحیم است. جای طرح این سؤال باقی است که رحمت چگونه می تواند مبنای کیفر قرار گیرد؟ پاسخ آن است که هرچند در کیفر سخن از رنج و عذاب است که به ظاهر با رحمت سازگاری ندارد، ولی این رحمت است که اقتضا دارد منافع و مصالح به آحاد جامعه برسد و مفسد و ضررها از آنان دفع گردد و حیات جامعه و افراد آن تداوم

<sup>۱</sup> الخضری، محمد، ۱۳۸۷، تاریخ التشریح الاسلامی، منشورات دارالفطر، صص ۱۰۲-۱۰۱.

<sup>۲</sup> انبیاء، ۱۰۷.

یابد. این رحمت و لازمه آن یعنی جلب مصلحت و منفعت و دفع مفسده از نصوص دینی به روشنی برداشت می شود و برخی از عالمان دین نیز بدان تصریح نموده اند. برخی کل دین را مصلحت دانسته اند؛ دفع مفسده و یا جلب مصلحت<sup>۱</sup>.

پاره ای نیز تصریح کرده اند که شریعت اسلامی برای تحصیل و تکمیل مصالح و تعطیل یا کاهش مفسد آمده است<sup>۲</sup>. و بعضی دیگر بر این باورند که مبنا و اساس شریعت بر حکمتها و مصلحتهای بندگان در امر معیشت و معاد است که تماما عدالت، رحمت، مصلحت و حکمت محسوب می شوند<sup>۳</sup>.

بنابراین، وقتی رحمت الهی مقتضی آن است که منفعت به انسانها رسیده، مفسده و ضرر از آنان دفع گردد، می توان گفت مبناي شریعت که کیفر نیز جزئی از آن است عبارت از جلب مصلحت برای آدمیان و دفع مفسده از آنان است ولی بدیهی است که معیار شناخت مصلحت و میزان آن خود شریعت است و تنها آنچه دین آن را صلاح و منفعت می داند مصلحت است و نفع، نه آنچه بشر نفع و مصلحت خود می پندارد و نیز آنچه دین مفسده و ناپسند می شمارد، قطعاً مفسده است هرچند انسانها آن را پسندیده به شمار آورند.

با این همه، هرچند انسان های بسیاری به واجبات الهی و مقررات قانونی، تنها به دلیل واجب و قانونی بودن آن پایبندی نشان می دهند و به مصالح فردی و اجتماعی می اندیشند، ولی همه آدمیان چنین نیستند و بسیاری از احکام و مقررات هم برای متوسط مردم وضع گردیده است که اغلب آنان را شامل می گردد و در میان این انسانهای متوسط کسانی هستند که شخصیتی ضعیف و منفی دارند و به هدایت دست نیافته، از ارزشهای انسانی بهره کافی ندارند؛ کسانی که به آسانی مرتکب جرم می شوند، حقوق دیگران را محترم نمی شمارند و به مصلحتهای ضروری آنان تجاوز می کنند. از این روست که برای جلوگیری از فساد و حفظ انسانها در برابر تجاوز و اضرار به دیگران و چاره اندیشی در جهت اصلاح آنان، دین مجازات را پیش بینی

---

<sup>۱</sup> سلیمی، عزیز بن عبدالسلام، ۱۴۱۹، قواعد الاحکام فی مصالح الانام. بیروت: موسسه الریات. ص ۵: «ان الشریعة کلها مصالح: اما درء مفسد او جلب مصالح».

<sup>۲</sup> ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۲، ص ۱۳۱، کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (ع): «ان الشریعة الاسلامیة جائت بتحصول المصالح کلها و تکمیلها و تعطیل المفسد و تفکیکها».

<sup>۳</sup> الجوزیه، ابن قیم، ۱۳۷۴، اعلام الموقعین، القاهره، تامکتبه التجاره الکبری، ج 3، ص ۲.

کرده است. بنابراین، مبنای مجازات همان مبنای مجموع شریعت است که عبارت است از رساندن رحمت به انسانها. اگر چه در کیفر، رنج و عذابی است که به مجرم می رسد ولی در نهایت به مصلحت او و جامعه ای است که او در آن زندگی می کند. گاه مجرم در اثر گمراهی و ره نیافتگی جرم را به ظاهر به صلاح خود می پندارد، ولی دین به دلیل آن که این عمل به مفساد اجتماعی منتهی می گردد و موجب انحطاط شخص مجرم می شود، آن را ممنوع ساخته است. زنا، اختلاس، سرقت، باده نوشی و تجاوز به حقوق دیگران ممکن است به نظر سطحی بزهکار به مصلحت وی باشد ولی این مصلحت ظاهری است که دین آن را معتبر نمی شناسد، بدین سبب که موجب فساد جامعه است.<sup>۱</sup>

اگر به طبیعت مصلحت جوی انسان توجه کنیم، جعل کیفر را کاملاً صواب خواهیم دانست؛ انسانها طبعاً مرتکب اعمالی می شوند که به مصلحت آنان است و از هر آنچه که برای آنان دارای مفسده ای است گریزانند، ولی اغلب این مصلحت جویی را برای شخص خود در نظر دارند نه برای جامعه، مگر آنان که هدایت یافته اند و در مسیر حق گام بر می دارند. بنابراین، ممکن است مرتکب کاری شوند که به ظاهر مصلحتشان در آن است، هر چند به ضرر جامعه باشد و آنچه را که به صلاح شخص آنان نیست ترک کنند، هر چند به مصلحت جامعه باشد. از این رو دین برای مداوای این طبیعت ناپسند انسان مجازات را ملحوظ داشته است تا انسانها را به انجام کارهایی که مصلحت جامعه در آن است وادارد، و چنان که گفتیم رحمت الهی مصلحت واقعی افراد و جامعه را اقتضا دارد نه مصلحت ظاهری اشخاص را. در روایاتی رسول خدا صلی الله علیه و آله اثر رحمت آمیز اجرای عدالت را برتر از نزول باران دانسته اند. بارانی که چهل شبانه روز بر زمین ببارد. «اقامه حد خیر من مطر اربعین صباحا» و «لاقامه الحد فی الارض انفع فی الارض من المطر اربعین صباحا» و «حد یقام لله فی الارض افضل من مطر اربعین صباحا» روایتی به همین مضمون نیز از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> الحصری، احمد، ۱۹۹۳، السیاسة الجزائیة فی فقه العقوبات الاسلامی المقارن، بیروت، دارالجلیل، صص ۱۳۶ - ۱۳۱.

<sup>۲</sup> حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۴، وسایل الشیعه، ج ۱۸، تهران، انتشارات ناس، ص ۳۰۸، ح ۲، ۳، ۴، ۵، ز طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، ۱۴۱۰ ق، تهذیب الاحکام، چاپ دوم، بیروت، دارالتعارف، ج ۱۰، ص ۱۴۶، ح ۹۶۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، فروع کافی، قم، انتشارات قدس، ج ۷، ص ۱۷۴، ح ۱، ۲ و ۳.

## ۲-۲-۲- اصول حاکم بر مجازات اسلامی

وقتی که مبنای مجازات در اسلام را رحمت به انسانها، تامین مصلحت ایشان و دفع مفسده از آنان دانستیم، اصولی اساسی بر آن مترتب می گردد که لزوماً باید در مجازاتهای اسلامی رعایت شود تا هدف اساسی آن تحقق یابد. ما در اینجا به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

اصل اول: رعایت تناسب بین جرم و مجازات: این اصل در حقیقت از نتایج عدالت پروردگار است. افزون بر این، مجازات بر اساس ضرورت تشریح گردیده و خلاف اصل تلقی می گردد. بنابراین، در اعمال آن باید به قدر لازم اکتفا گردد و تناسب مجازات و جرم باید مطمح نظر قرار گیرد.

اصل دوم: چنان که گفتیم در مجازات، به مصلحت جامعه توجه شده است. بنابراین، آنگاه که جرمی انجام شد، باید مجازات به گونه ای باشد که مجرم را تادیب کند و دیگران را از ارتکاب جرم بازدارد. به عنوان نمونه به جهت اهمیتی که اسلام برای انسان و شخصیت او قائل است کشتن نابحق یک انسان را به منزله کشتن تمامی انسانها تلقی نموده است.

«من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعا»<sup>۱</sup> (و برای بازداشتن انسانها از ارتکاب قتل، حق قصاص را جعل فرموده است).

اصل سوم: چون هدف از مجازات تامین مصلحت جامعه است، به اقتضای مصلحت می تواند شدت و ضعف یابد و هر گاه مصلحت جامعه مقتضی اعمال مجازات شدید است، شدت یابد و هر گاه مصلحت جامعه اعمال مجازات کمتر را اقتضا کند، تخفیف یابد. این امر با تعبیه تعزیر در فقه کیفری اسلامی تامین گردیده است.

اصل چهارم: تادیب مجرم نیز از اهداف مجازات در اسلام به شمار می رود، ولی تادیب - برخلاف آنچه در برخی از نظریه ها اظهار شده است - هرگز به معنی انتقام نیست، بلکه چنان که برخی از فقیهان عامه نیز گفته اند: «انها تادیب استصلاح و زجر تخلف بحسب اختلاف الذنب»<sup>۲</sup> و تادیب در اشخاص مختلف، اشکال

<sup>۱</sup> مائده، ۳۲.

<sup>۲</sup> الماوردی، علی بن محمد، ۱۳۸۳، الاحکام السلطانیة، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ص ۲۰۶.



گونگونی پیدا می کند، برخی نیازمند تادیب شدیدتر و برخی نیازمند تادیب ضعیف تر هستند. می توان گفت از این رو تعیین میزان تعزیر بر عهده قاضی نهاده شده است که هدف آن، بازداشتن است چنان که واژه تعزیر همچون حد به همین معناست<sup>۱</sup> و انسانها دارای اوصاف و روحیه های متفاوتی هستند، ممکن است کسی با یک صدای بلند از ارتکاب جرم منع گردد و دیگری محتاج تازیانه باشد و بزهکاری نیز تنها با زندان از ارتکاب جرم بازداشته شود.

### ۳-۲-۲- توجه به شخصیت مجرم در مجازاتهای اسلامی

با توجه به اصول اساسی حاکم بر مجازات و فلسفه آن، به آسانی می توان دریافت که اسلام در عین توجه به مصالح اجتماعی به شخصیت مجرم نیز توجه خاصی مبذول می دارد. به عنوان یک قاعده می توان گفت در جرایمی که نظام را مختل می سازد و کیان آن را برهم می زند، فقه کیفری به شخصیت مجرم توجهی نمی کند ولی جرایم از این دست محدودند، و در سایر جرایم، شخصیت مجرم و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم مورد توجه قرار می گیرد. در مجازاتهای تعزیری که قاضی مقید به کیفر مشخصی نیست، بلکه می تواند در صورت احراز جهات مخففه آن را تخفیف دهد و یا آن را به مجازاتی که به حال متهم مناسبتر است تبدیل کند، وضع خاص متهم، شخصیت یا سابقه پسندیده او و قراین دال بر ندامت وی می تواند موجب تخفیف در مجازات شود. از آثار توجه به شخصیت و کرامت انسان عبارت است از ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت و حیثیت متهمان. نگاهی به شیوه رفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سایر معصومان علیهم السلام با متهمان و مجرمان مطلب را روشتر می سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مردی را سنگسار کنند، برخی آن مرد را خبیث خواندند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را خبیث نخوانید به خدا سوگند که او نزد خداوند از بوی مشک پاکیزه تر و معطرتر است<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> صاحب جواهر الکلام در ابتدای کتاب الحدود و التعزیرات؛ صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ۱۳۶۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱، ص ۲۵۴.

<sup>۲</sup> هندی، علی المتقی ابن حسام الدین، ۱۳۶۴، کنز العمال، انتشارات دائرة المعارف العثمانیة، بعاصمہ حیدر آباد، ق.ح ۱۳۴۰۹.

### ۳-۲- اندیشه مجازات در ایران

در ایران باستان منشاء عدالت، انتقام بوده است. با یکجانشینی ایرانیان و تأسیس حکومت های مقتدر، اختیار مجازات مجرمین به شاهان تفویض شد و انتقامهای قبیله ای کمرنگ گردید. در این میان پادشاهان، قدرتی مطلق داشتند و اختیاراتشان بی حد و حصر بود. داریوش پادشاه هخامنشی از مجموعه نبشته های حمورابی و دستورات زرتشت مقرراتی را تدوین نمود. در کتیبه نقش رستم به نقل از وی چنین آمده است: «هرکس آزاری برساند، مطابق آزاری که رسانده است، تنبیه می کنم و هرگز اتفاق نیفتاده که کسی آزار رسانده و تنبیه نشده باشد». در آن دوران جرائم علیه پادشاه و خانواده اش به شدت مجازات می شد و در موقع شورش و فرار از جنگ، حکم اعدام صادر می گشت و در مورد خیانت به پادشاه و مملکت، مقصر را به پایتخت آورده، گوشها و بینی او را بریده و در معرض تماشای مردم قرار می دادند. آن گاه او را به ولایتی که محل وقوع جرم بود اعزام و در آنجا اعدام می کردند.<sup>۱</sup>

در عهد ساسانی قضات از بین روحانیون زرتشتی بودند و مرجع فرجامخواهی، شخص شاه بود. در آن دوره مجازاتها بسیار شدید و توأم با شکنجه بود. داریوش در کتیبه نقش رستم، مجازات دشمن را چنین شرح می دهد: "با اراده اهورامزدا لشگر من بر لشگری که از من برگشته بود، فائق آمد. چپتر تخمه را گرفته نزد من آوردند؛ من گوشها و بینی او را بریدم، چشمان او را درآوردم؛ او را به درب قصر من غل و زنجیر کردند. تمام مردم او را دیدند و بعد به امر من او را در آربل مصلوب کردند."

با تسلط مسلمین بر ایران، احکام کیفری اسلامی در محاکم شرع رایج شد. اما این آموزه های اسلامی که به جز در مواقعی بسیار نادر مجازات های شدید را تجویز نمی کند با سلیقه گرایی شاهان مستبد به وضوح زیر پا گذاشته شد. به طوریکه شاهان با سوء استفاده از نام اسلام، هواهای نفسانی خویش را به نام دین بر مردم تحمیل می کردند.

بسیاری از مخالفین با حربۀ تکفیر به شدیدترین شکل ممکن مجازات می شدند. شاهان مؤخر از جمله صفویه، زندیه و قاجاریه نیز نظام دادرسی خشنی داشتند و زندانها و سیاه چاله های آن روزگار هیچ نشانی از تعالیم و آموزه های اصیل اسلامی در حفظ کرامت انسانها همراه نداشت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۷۶. عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش، ج اول، ص ۲۶.

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ج اول، ص ۲، ص ۹۶.

بی عدالتی و ظلم از جمله نقدهای اصلی مشروطه خواهان به حکومت قاجاریه و تأسیس عدالت خانه و نگارش قانون از مهم ترین خواسته های آنان بود. اگر چه مشروطه نتوانست جلوه های اسلامی را به نظام دادگستری وارد کند اما حداقل پایه ای شد تا برخی دستاوردهای جدید حقوق دنیا به مقررات قضایی ایران راه یابد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بر اسلامی شدن همه مقررات، تلاشهای مسئولین امر برای جلوه اسلامی بخشیدن به قوانین آغاز شد.

قصاص به عنوان یکی از مهمترین بخشهای آموزه های قضایی اسلام به حقوق ایران راه یافت و دیات و تعزیرات با نگاه مذهبی در مقررات جای گرفت. سرعت تحولات موجب شد به جای پژوهش در خصوص نوع مجازات در قبال جرایمی که اسلام مستقیماً<sup>۱</sup> در خصوص آنها تعیین تکلیف نکرده است و استفاده از روح تعالیم اسلامی در این خصوص برای همه آنها با تأسی از مقررات غرب، زندان در نظر گرفته شود و به این ترتیب تعجیل در تحولات قانونی، میراثی ناپسند برای قانون در ایران بر جای گذاشت که تاکنون هم ادامه یافته است.<sup>۱</sup>

## ۴-۲- مجازات حبس

### ۱-۴-۲- مفهوم

حبس در لغت به معنای سلب آزادی فرد است که مترادف با الفاظ متعددی از قبیل «امسک»، «حصر»، «وقف»، «اثبت»، «سجن» و سایر کلماتی که حاوی معنای ممنوعیت و بازداشتن هستند بیان شده است.<sup>۲</sup>

جوهری در ماده «حبس» بیان می دارد: «حبس ضد آزاد گذاشتن است و حبسته و احبسته به یک معناست که هم به صورت لازم می آید و هم متعدی. لفظ حبس و مترادفات آن در آیات زیادی ذکر شده است. کلمه حبس به صورت فعل در دو سوره هود و مائده مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به تعارف آورده شده معلوم می گردد که معنای لغوی حبس همان ممانعت کردن از تصرف است و محبس یا زندان نیز محل نگهداری افرادی است که از آزادی منع شده اند.

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۷۶، پیشین، ص ۳۶.

<sup>۲</sup> فتحی، بهنسی، احمد، ۱۴۱۲ه.ق، الموسعه الجنائیه فی الفقه الاسلامی، دارالنهضة العربیة، ج ۱، ص ۷۷.

اصطلاح حبس در مبحث اموال و مبحث جرم در فقه و حقوق به کار می رود. اولی «حبس ملک» به معنای اباحه منفعت است که به دنبال کتاب وقف ذکر می شود. در تاریخ فقه اسلامی، کتاب الحبس بدین معنا به کار رفته است.<sup>۱</sup> حبس در فقه جزا یکی از رایجترین اقسام مجازات هاست که در ابواب کتاب های حدود، قصاص و دیات بدان پرداخته شده است و در قانون مجازات اسلامی ایران، پرکاربردترین و شایع ترین مجازات ها محسوب می گردد و بیشترین موارد کاربرد آن در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یعنی تعزیرات و مجازات های بازدارنده وارد شده است. حبس در فقه اسلامی دارای اقسامی است که عبارتند از: «حبس حدی»، «حبس تعزیری»، «حبس احتیاطی» یا «حبس تحقیقی» است. مراد از نوع سوم حبس به منظور کسف حقیقت و یا جلوگیری از ورود آسیب های احتمالی به جامعه خواهد بود. از نظر مدت زمانی، حبس به دو نوع «حبس موبد» و «حبس موقت» تقسیم می گردد.<sup>۲</sup>

هر چند مجازاتها از جهت وصف کیفری با هم یکسان و مشترک هستند اما با ماهیت های متفاوتی مورد تقنین قرار می گیرند و همین خصایص طبیعی و ذاتی کیفرهاست که انتخاب بهترین شیوه عکس العمل اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه را از طرف مقنن میسر می گرداند. منظور از مجازات سالب آزادی، مجازات حبس یا زندان می باشد چنانکه گفته شد زندان تاریخیچه بسیار دردناک و غم انگیزی در دنیا دارد و همواره بهترین درس های سازندگی و یا بدترین بدآموزی تاریخ بوده است. بنابراین از کلمه زندان مسلماً یک تجسم ذهنی به وجود می آید و آن اینکه زندان عبارتست از چهاردیواری محدود و مستحکمی که در داخل آن اطاق ها و سلولهای تنگ و باریک زیادی برای محبوس کردن گناهکاران و تبهکاران ساخته شده و عده ای مامور مسلح با قیافه های عبوس و خشن به مراقبت از زندانیان مشغولند البته این تجسم ذهنی از کلمه زندان شاید صحیح باشد ولی از نظر علمی منظور از کلمه زندان مفهوم وسیع تری است.

به هر حال زندانی کردن مجرمان به عنوان واکنشی رسمی و متداول جامعه، بیشینه ای چندان طولانی ندارد. در گذشته های نه چندان دور، سلب آزادی و محبوس کردن مجرمان در کشورهای غربی، مشرق زمین به مرحله پیش از محاکمه و تا تحویل متهم به دادگاه جهت رسیدگی به درستی یا نادرستی اتهام وارد بر آنان اختصاص داشته و پس از آن کیفر که اغلب به شکل مجازات های بدنی و غیر انسانی بود، بلافاصله اجرا می

<sup>۱</sup> مالک بن انس، المدونه الكبرى، ج ۶، مصر، انتشارات سعادت، بی تا، ص ۹۷.

<sup>۲</sup> مطبوع، ناهید، ۱۳۹۰، بررسی ملاک حبس در فقه امامیه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و حقوق، صص ۸-۹.

شد. زندان در طول دو سده به حیات و تکامل خود ادامه داد و به عنوان نهادی جهانی که مدعی فراهم کردن امنیت جامعه و مصون داشتن آن از دست مجرمان بود در آمد و حتی ادعا شد که زندان توانایی اصلاح مجرمان را دارا است.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۲- تاریخچه حبس

بشر همواره در دفاع از حقوق، آزادی و جان و مال خویش، متخلف و متجاوز را به عنوان عناوین مختلف مجازات نموده است که از جمله این مجازاتها سلب آزادی یا زندانی کردن مجرین است. بطور کلی اعمال مجازات حبس از دیرباز ابتدایی ترین و ساده ترین پاسخی است که می توانسته است از سوی حاکمان جامعه در قبال قانون شکنی قرار گیرد و به همین دلیل همواره توجه افراد جامعه و کارشناسان علوم مختلف را به آثار متفاوت استفاده از آن جلب کرده است. نوع و مفهومی که در هر زمان برای حبس در نظر گرفته شده با توجه به اوضاع و احوال، فرهنگ و مذهب، نوع حکومت و شخص حاکم متغیر بوده است. روزگاری از سیاهچالهای ترسناک و نمناک با حداقل امکانات حیات به نام زندان نام برده شده است، روزی دیگر با تجهیز حداقل ظاهری همین بناها و اصلاح آنان سعی در انسانی تر کردن این مجازات ها جهت رسیدن به اهداف مورد نظر داشته اند، ضمن اینکه نقش ادیان و مذاهب مختلف نیز در اعمال و اجرای مجازات حبس بی تاثیر نبوده است. بنابراین کیفر سلب آزادی سابقه ای طولانی به اندازه حیات بشر دارد و تاریخچه آن بسیار دردناک و غم انگیز است چه بدترین جنایتکاران و بهترین انسانها هر دو به زندان افتاده اند و در نتیجه این نوع مجازات در زمان های مختلف از دیدگاه های متفاوتی برخوردار بوده است. بعدها حبس به عنوان کیفر اصلی در قوانین پذیرفته شد.<sup>۲</sup>

## الف) دوره قاجار

در دوره قاجار، در شهرهای بزرگ ایران زندان وجود داشت، اما کسی محکوم به حبس ابد یا حبس با اعمال شاقه نمی شد. رجال سیاسی نیز به طور اختصاصی اتاق هایی برای حبس افراد داشتند. کتابچه کنت دمونت فورت (رئیس پلیس تهران، ایتالیایی تبار) - که متنی قانونی بود و ناصرالدین شاه در ۱۲۹۶ آن را امضا و لازم الاجرا کرد- تا حدودی مصادیق و نحوه اجرای کیفر حبس را قاعده مند ساخت. به موجب مواد

آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۱

<sup>۲</sup> آشوری، ۱۳۸۲، پیشین.

آن، برای جرم‌هایی مانند توطئه علیه سلطنت، توهین به شاه و خانواده سلطنتی، جعل سکه رایج ممالک و سرقت، کیفر حبس مقرر شد.<sup>۱</sup>

در قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ ش چند نوع حبس پیش‌بینی شده بود، از جمله حبس (اعم از ابد و موقت) با اعمال شاقه، حبس مجرد (انفرادی) و حبس تأدیبی. در اصلاحیه ۱۳۵۲ ش، اعمال شاقه از قانون جزا حذف شد و حبس جنایی و حبس جنحه‌ای جانشین حبس مجرد و حبس تأدیبی گردید.<sup>۲</sup>

### ب) پس از انقلاب اسلامی

در قوانین ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله قانون مجازات اسلامی، گونه‌های مختلف حبس منظور شده است، مانند حبس در جرائم مستوجب حد و حبس تعزیری. هم‌چنین یکی از انواع اقدامات تأمینی که به هدف حفظ منافع جامعه یا پیش‌گیری از وقوع یا تکرار جرم در موارد متعدد در قوانین پیش‌بینی شده، حبس یا نگاه‌داری در مکان‌های معین است.<sup>۳</sup>

### ۵-۲- حبس از دیدگاه اسلام

در دین مبین اسلام مجازات زندان به عنوان مجازات اصلی محسوب نمی‌گردد به طوری که موارد مجازات زندان در نظام کیفری اسلام به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. مروری گذرا بر دیدگاه‌های عالمان اسلامی نشان می‌دهد که آنان به مجازات‌هایی که در سیستم‌های عدالت کیفری به عنوان مجازات سالب آزادی مطرح‌اند، نظر منفی دارند و آن را نادرست می‌دانند. حتی آنان امروزه علاوه بر معایب متعدد این مجازات‌ها برای جامعه و شخصیت بزهکار از زندان به عنوان «دانشگاه جرم» یاد می‌کنند.<sup>۴</sup>

مبحث زندان در اسلام را از چند منظر می‌توان بررسی کرد.

#### الف- زندان در قرآن

<sup>۱</sup> ویلم فلور، ۱۳۶۶، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ص ۱۶.

<sup>۲</sup> باهری، محمد؛ داور، علی‌اکبر، ۱۳۸۰ ش. نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، مقارنه و تطبیق رضا شکری، تهران، ص ۳۸۵-۳۸۷.

<sup>۳</sup> دانش، تاج‌زمان، ۱۳۷۶ ش. حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، تهران، ص ۱۳۷.

<sup>۴</sup> گودرزی، بروجردی و دیگران، ۱۳۸۲، نارسایی‌های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی و رضوی، ص ۸۴.

## ۲-۵-۱- حبس در قرآن

معانی عربی زندان از جمله سجن ، امساک ، وقف (توقیف) در آیاتی چند از قرآن کریم مذکور است. بیشتر این آیات شریف از جمله فرازهای روایی و داستانی و یا اندازی قرآن کریم است و آیات حکمی اندکی در آن به چشم می خورد. این در حالیست که مباحث حقوقی از جمله معدود مواردی است که در کلام الله مجید به طور دقیق، مشروح و با جزئیات مورد بحث قرار گرفته است. مجازاتها و جرائم از آن جمله است. لذا اشاره گذرا و روایی به حبس در آیات حکمی قرآن کریم به همان نسبت بیانگر تعلق اندک شارع مقدس به زندان است. نه تنها تعداد آیات حکمی قرآن در خصوص زندان بسیار معدود است و فقط در خصوص سارق که چند بار سرقت کرده و زن مرتده به کار رفته، آیات آسمانی وحی، حبس را با لحنی نکوهیده و به عنوان ابزاری که طاغوت ها و ظالمان برای وادار سازی مخالفین به فرمانبرداری از آن استفاده می کردند، یاد کرده اند.<sup>۲</sup>

شماری از این آیات بدین شرح است:

«ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين»<sup>۳</sup> (پس با آن نشانهها که دیده بودند ، تصمیم کردند که چندی به زندانش بیفکند).

این آیه بیانگر اقدام اطرافیان عزیز مصر است که اگر چه حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا برای آنها مشخص شده بود بازهم سعی کردند یوسف را تا مدتی در زندان انداخته و از نظرها دور سازند. این خود نشانگر آن است که زندان های آن روزگار در خود بی گناهی راداشته که پنهانی و دور از چشم افکار عمومی به اسارت در آمده بودند. ضمن آن که کارکرد موقت حبس رانشان می دهد.

<sup>۱</sup> شریف مرتضی، علی بن الحسین، ۱۳۷۶، انتصار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا.

<sup>۲</sup> عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ه ق، مسالک، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی، ص ۱۶۳.

<sup>۳</sup> آیه ۳۵ سوره یوسف.

«واستبقا الباب و قدت قميصه من دبر و الفيا سيدها لداالباب قالت ما جزاء من اراد باهلك سوءا الا ان يسجن او عذاب اليم». (هر دو به جانب در دويدند و زن جامه او را از پس بدرید و سرور، آن زن را نزديك در دید. زن گفت: پاداش کسی که بازن تو قصد بدی داشته باشد چیست، جز اینکه به زندان افتد یا به عذابی درد آور گرفتار آید؟) تأکیدی دیگر بر نقش زندان در عذاب بی گناهان و تأکید براین که سختی زندان همپای عذابی درد آور است.

«قالت فذالكن الذی لمتنی فیه و لقد راودته عن نفسه فاستعصم و لئن لم يفعل ما امره يسجنن و لیکونا من الصاغرین<sup>۱</sup>». (گفت: این همان است که مرادر باب او ملامت می کردید من در پی کامجویی، از او بودم و او خویشتن را نگه داشت اگر آنچه فرمانش می دهم نکنند، به زندان خواهد افتاد و خوار خواهد شد).

#### ۲-۵-۲- حبس در سیره نبوی - شیعی

روایات نشان می دهد که در صدر اسلام محل ویژه ای برای زندانی کردن افراد وجود نداشته و براین اساس اسرا را یا در مسجد به طور موقت نگهداشته و یا در میان مسلمین که با حکومت وقت همکاری صمیمانه داشتند، تقسیم می کردند تا از آنان نگهداری نمایند.

در حدیث آمده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی از طایفه بنی خلیفه که او را شمامه بنی آنال می گفتند و بزرگ طایفه بود در مسجد مدینه حبس کرد. در خصوص بازداشت پیش از دادرسی به دستور نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نمونه های دیگری نیز ارائه شده که از جمله بازداشت بنی قریظه برای پذیرش داور بوده است.

البته در باب بازداشت تنبیهی به دستور پیامبر نیز برخی موارد نه چندان قابل تأیید نقل شده است. مثلا "آن که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور بازداشت کسانی را از حجاز داد که کارزارشان به یک قتل انجامیده بود. روشن نیست که آیا آنان به کیفرهای دیگر محکوم می شدند یا نه؟

رسول خدا همواره از زنجیر کردن زندانیان و اسراء نهی می فرمودند. هم چنین در آن دوران روش حبس مقداری از روز نیز رایج بود که معادلی برای روش نیمه آزادی امروزی است. پس از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و در دوره امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) زندانی با به کارگیری حصیر و بوریا ساخته

<sup>۱</sup> آیه ۳۲ سوره یوسف.



شد که آن را "نافع" نامیدند. این زندان که در کوفه واقع شده بود فاقد محافظت کافی بود و خود نشان می دهد که برای جرائم معدودی به کار می رفته است. با پیچیده تر شدن مناسبات اجتماعی زندان "مخیس" که از خاک و گل ساخته شده بود به سازمان قضایی دوره امیر المومنین اضافه شد.<sup>۱</sup>

در دوره امام اول شیعیان، تعداد زندانیان بسیار اندک بود. ایشان به افرادی از زندانیان که قصد حضور در نماز جمعه را داشتند، اجازه می داد که به نماز جمعه بروند و بعد از اتمام آن به زندان برگردند. حضرت علی (علیه السلام) مرتباً از زندانها بازدید و از احوال آنان جویا می شدند. امیر المومنین (علیه السلام) در خصوص یکی از بازاریان اهواز که به ایشان خیانت کرده و به زندان کوفه آورده شد، خطاب به رفاعه - زندانبان مخیس - نوشت:

"چنانچه کسی برای او غذائی و نوشابه ای و یا رختخوابی آورد از آن جلوگیری مکن. دستور بده زندانیان را شب هنگام برای تفریح و هوا خوری به حیاط زندان بیاورند".

در این دوره اگر چه اتصال زمانی به زمان حیات نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نداشت اما در خصوص رویکرد به زندان همانند سایر شئون شاهد نزدیک ترین روشها به سیره نبوی هستیم. در شرایطی که زندانهای آن روزگار اروپا که توسط کلیسا نیز اداره می شد با وضعیتی وحشتناک و غیر قابل تصور روبه رو بود و مجازات ها در آن ایام به شکل غیر قابل باوری سخت و غیرمنطقی بود، اسلام کرامت انسان را سر لوحه همه اعمال خود حتی مجازات گناهکاران قرار داده بود. اروپا قرنها پس از تاریخ معاصر با ظهور اسلام نیز دست از وحشی گری نکشید و در عهد ملکه ویکتوریا حتی دزدیدن گوسفند با مجازات مرگ روبرو می شد.<sup>۲</sup>

## ۶-۲- تاریخ حبس در ایران

استنادات دقیقی راجع به تاریخ زندان در ایران وجود ندارد که شاید ناشی از عدم شیوع آن به عنوان یک مجازات فراگیر باشد. در قوانین دوره هخامنشیان به پیروی از قانون حمورابی، زندان جایگاهی در میان کیفرها

<sup>۱</sup> کلینی، ابوجعفر، کافی، دارالحدیث لطباعه و النشر، چاپ اول، بی جا، بی تا، ص ۱۳۷.

<sup>۲</sup> جزایری، نعمت الله، ۱۴۰۴، کشف الاسرار، قم، موسسه دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، ص ۲۴۳.

نداشت. مجازات متداول در ایران آن روزگار، به نقل از ویل دورانت، شلاق زدن، داغ کردن، نقص عضو، بریدن دست، کندن چشم، تبعید و اعدام بوده است.

تا عصر ساسانی اوضاع بدین منوال بود. در این دوره هم مجازات‌ها عمدتاً "مشمط" به همین موارد بود ضمن آن که جزای نقدی و جایگزینی جزای نقدی با شلاق و تازیانه هم مورد توجه قرار گرفت. اما قلعه مستحکمی در گل گرد مکانی واقع در مشرق شوشتر بود که آن را "اندهش"، "انوشبرد" یا "قلعه فراموشی" می خواندند.<sup>۱</sup>

البته این زندان به نظر برخی نویسندگان اختصاص به مجازات محکومان نداشته و فقط اختصاص به بزرگان و شاهزادگان داشته که متهم به جرم خیانت شده ولی شاه از اعدام آنان صرف نظر می کرده است. از جمله در تاریخ نقل شده که قباد پادشاه ایران به مذهب مزدک گروید. نجباء و روحانیون اجتماع کرده او را خلع و جاماسب برادر او را بر تخت نشاندند و جاماسب قباد را در قلعه فراموشی حبس کرد. از مجموع اقوال نویسندگان کنونی و مستند به آراء مورخین می توان استنباط نهائی را براین موضوع استوار ساخت که اصولاً "حبس با مدت در این دوره وجود نداشته و توقیف مقدماتی نیز ممکن بود تا مدت محدودی دوام یابد. البته نظر کم طرفداری نیز وجود دارد که معتقد است برای اولین بار خسرو پرویز شاه ساسانی از زندان به عنوان یک اقدام تأمینی استفاده می کرد.<sup>۲</sup>

با ظهور اسلام و ایجاد حکومت های پس از آن تاریخ حبس ایران تا حدود زیادی با پیشینه حبس نزد حکام اسلامی که موضوع بخشی دیگر از کتاب است تلفیق شد و البته متون علمی کمتر اشاره ای به زندان آن دوران کرده اند. قدر مسلم آن است که زندانهای محلی متعلق به حکام محلی در کنار محبس ها و سیاه چالهای حکومت های مرکزی با وضعیتی رقت بار خاطیان و مزاحمان را از جامعه حذف می کردند. مسلماً "این وضع بدون تغییری در قاجاریه نیز تداوم داشت. ناظم الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان در توصیف زندان عصر ناصری می نویسد:

---

<sup>۱</sup> ابوترابیان، حسین ۱۳۶۳ تاریخچه زندان . نشر نو. تهران

<sup>۲</sup> فرخی یزدی. مکی حسین ۱۳۵۷. زندان و زندانی تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۱۴.

"زندان عبارت است از اتاق تاریک، مرطوب و کثیفی که در آن جز غل و زنجیر برای گردن و پشه و کک و شپش و ساس برای اذیت، دیگر چیزی پیدا نمی شود. در بیست و چهار ساعت شبانه روز پنج سیرنان خشک به هر یک می دهند. آب خیلی کم و به ندرت می دهند، برای این که محتاج به ادرار نگردند. درب زندان کوچک بوده در وقت داخل شدن باید خم شوند بالای درب، پنجره آهنین نصب کرده بودند و برخی اوقات رعایای خارجی و ارامنه به تماشای آنها می آمدند و بر حال آن ها گریه می کردند".

در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ تحت تأثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم، به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندانها را با کمبود جا مواجه ساخت.

در ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۷ اولین آئین نامه زندانها با توجه به اصول علم زندانها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آئین نامه مذکور اصلاح شد لکن به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نگردید و پس از پیروزی انقلاب، در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ آئین نامه زندانها تحت عنوان (آئین نامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جمهوری اسلامی ایران) در جلسه ۳۲۷ شورای عالی قضائی تصویب و آئین نامه مذکور نیز در ۲۹ خرداد ۱۳۶۸، سال ۱۳۷۲ و سال ۱۳۸۴ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. تحولات پس از این تاریخ زندانها در بخش های بعدی بررسی می شود<sup>۱</sup>.

## ۷-۲- پیدایش زندان در اروپا

درازای عمر زندان را به اندازه‌ی عمر بشر دانسته‌اند. در کتب تاریخی و نیز دینی از حبس سخن به میان آمده است. داستان یوسف نبی علیه‌السلام از شواهدی است که می‌توان ارائه کرد. او را به خاطر تهمت‌ها سال‌ها در زندان عزیز مصر نگه داشتند.

اما این که می‌گوئیم عمر طولانی دارد نشان از یک سیر خطی ندارد. در دوره‌هایی دچار کثرت و گاه دچار قلت بوده است. در برخی از دوره‌ها مجازات‌های جسمی بیشتر بوده است و زندان کمتر به عنوان مجازات به کار رفته است. (به عکس زندان که مجازاتی برای روح و آزادی انسان است). در دوره‌هایی نیز بیش از آنکه زندان به عنوان مجازات باشد، برای نگهداری افراد در انتظار محاکمه به کار رفته است. مثلاً در قرون

<sup>۱</sup> ابوترابیان، حسین، ۱۳۶۳ تاریخچه زندان، تهران نشر نو، ص ۵۳.

وسطی چنین هدفی برای زندان مدنظر بوده است. اولین، حقوقدان مشهور رومی در همین باره گفته است: «زندان برای نگهداری و نه برای کیفردهی»<sup>۱</sup>.

پند اولین تا سالها به عنوان مانیفست زندان‌زدائی، تا سال‌ها مدنظر حقوقدانان و قضات در اروپا بوده است. اما باید ریشه‌های زندان به عنوان یک کیفر در تأسیس دادگاه‌های تفتیش عقاید جستجو کرد. این دیوان‌ها در سال ۱۲۰۳ و با فرمان پاپ اینوسان سوم تأسیس شد و تعقیب، محاکمه و مجازات مخالفان کلیسای رم، در صلاحیت آنها قرار گرفت. و بدین سان همراه با این دادگاه‌های غیرانسانی، مجازات زندان به عنوان فرزند نامشروع این دادگاه‌ها، وارد سیستم کیفری اروپا شد. البته در کنار مجازات روح‌گداز حبس، مجازات‌های جسم‌گداز نیز همچنان فراگیر بوده است.

البته تولد جزای حبس را باید به آمریکایی‌ها نسبت داد. جمهوری‌خواهان آمریکایی، پس از استقلال از استعمار انگلیس در ۱۷۷۶ و صدور اعلامیه‌ی استقلال، اعلام کردند: «اعدام و کیفرهای بدنی، فرزند نامشروع حکومت‌های سلطنتی است» و در حکومت ما جایی برایش وجود ندارد. از طرفی، از آنجا که جامعه‌ی آزاد آمریکا بزرگترین آزادی‌ها را به شهروندان می‌بخشد در آن جامعه، سلب آزادی مجازاتی کمتر از اعدام نخواهد بود. انقلاب بزرگ فرانسه در ۱۷۸۹ نیز در تشدید این فکر بی‌تأثیر نبود و آن را سرعت بخشید. این امر در قانون‌نامه‌های کیفری فرانسه در ۱۸۱۰ و ایالت باواریای آلمان در ۱۸۱۳ کاملاً مشهود است. از همان زمان است که کیفر حبس به عنوان مجازات اصلی در سطحی وسیع به کار گرفته شد. این مصوبات در قانون‌گذاری‌های روسیه‌ی تزاری، ترکیه‌ی عثمانی، یونان، مصر و ایران اثرات عمیقی گذاشت. و این چنین بود که کیفر حبس جای پای خود را در میان مجازات‌ها باز کرد و به عنوان یک مجازات مهم در قوانین کیفری کشورهای مختلف سایه افکند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، طرح مشترک موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ اول، ص ۴۷۹ به بعد.

<sup>۲</sup> دیوان فرخی یزدی. مکی حسین ۱۳۵۷. زندان و زندانی انتشارات امیر کبیر. تهران. ص ۵۶.

## ۸-۲- مفهوم سیاست کیفری

دقیق ترین تعریفی که از این اصطلاح می توان ارایه کرد توصیفی است که فوئر باخ در باب سیاست جنایی بیان داشته است: «مجموعه روش های کیفری که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد» اما به تدریج و در تعاریف آتی توسط سایر اندیشمندان به ویژه داماس مارتی و مارک آنسل در خصوص سیاست جنایی که ماحصل آن توسعه این اصطلاح به مجموعه تدابیر کیفری و غیرکیفری در تقابل با پدیده مجرمانه به گونه ای که به هنر و استراتژی تعبیر و شامل کلیه اقدامات پیشگیرانه، مقابله سرکوبگرانه با جرم، اصلاح و تربیت و به طور کلی هر امری با هدف کنترل امر مجرمانه می باشد، لذا تعریف ارایه شده توسط فوئر باخ به لحاظ مضیق بودن آن و منحصر بودن به روش های کیفری به معرف اصطلاح سیاست کیفری می باشد که در آن بر نکات زیر تاکید شده است.

۱- روش های کیفری که ماهیتی آمرانه و قهرآمیز داشته و انحصاراً در حقوق جزا قابلیت اجرا دارند.

۲- دولت تنها مرجع صالح برای توسل به اقدامات کیفری بوده که این امر پس از تحولات ابتدایی در جوامع بشری در قالب حق تنبیه در مجازات در اختیار دولت می باشد و اصولاً به بقعه به ماهیت آن که حق عمومی است و واجد جنبه ی رسمی، قابل تفویض به بخش خصوصی نمی باشد و لذا از حقوق ذاتی دولت و از مولفه های حقوق حاکمیت به شمار می آید.

۳- حیظه اعمال این روشها، جرایم است یعنی پدیده ای که تحت ضوابط قانون گذاری تعریف و دارای ضمانت اجرا می باشد و بر این اساس سایر پدیده های اجتماعی که در قالب جرم نمی گنجد از مقوله سیاست کیفری خارج می باشد.

نجفی ابرند آبادی در این باب بیان داشته است: «سیاست کیفری برنامه ریزی و چاره اندیشی برای جرم از طریق کیفر است و البته منظور از کیفر، مجازات ها به تنهایی نیست بلکه نظام تضمین های کیفری در مقابل جرم انگاری ها مدنظر است و این سیاست می تواند به دو شکل ظاهر شود. اول سیاست کیفری مبتنی بر تحولات جرم، جرم شناسی، کیفرشناسی، سایر جنبه های علمی و دوم سیاست کیفری متکی بر ایدئولوژی که مصداق اول حقوق کیفری عرضی و روحی نموده قانون گذاری در ایران است که گرایش به سیاست کیفری ایدئولوژی را آشکار می نماید تا اینکه تمایل به سیاست کیفری علمی مبتنی بر آموزه های جرم شناسی داشته باشد!»

## ۹-۲ مفهوم جمعیت کیفری

اصطلاحی است که به کلیه مرتکبین جرم قابل مجازات اطلاق می‌گردد. بنابراین در معنای اصلی خود کلیه محکومین کیفری را شامل می‌شود. اما به لحاظ کثرت صدور حکم حبس و با توسل به آن به عنوان ضمانت اجرای سایر مجازات‌ها خصوصاً مجازات‌های مالی و یا اقدام احتیاطی که ناشی از گرایش سیاست تقنینی و قضایی به این کیفر می‌باشد، اصطلاح یاد شده بیشتر در همین راستا به کار می‌رود و هر جا بحث جمعیت کیفری مطرح می‌گردد، مقصود همان جمعیت محبوس در زندان می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۱۰-۲- حبس زدایی

ناکامی و شکست زندان در توفیق به اهداف پیشگیرانه، بازپرورانه و بازدارنده زمینه بروز و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری را فراهم نموده است. این امر، دیرزمانی است که ذهن متصدیان نظام‌های عدالت کیفری بویژه متولیان امر زندانبانی را در سرتاسر جهان به تحرک و تجسس واداشته است. از اینرو، طرح اندیشه‌های جایگزین زندان و مکانیسم‌های کاهش جمعیت کیفری با رویکردی نوین به مقوله زندان و زندانبانی، به عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون رفت از این معضل، مورد استقبال واضعان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

مجازات سالب آزادی از دیر زمان در جوامع مختلف برای دفاع از جامعه و حفظ نظم و امنیت و گاه به خاطر مصالح و منافع سیاسی نظام‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با گذشت زمان هدف استفاده از این مجازات توسعه یافته و به منظور اصلاح مجرمین، درمان و بازپروری آنان برای بازگشت مجدد به جامعه و نیز پیشگیری از وقوع مجدد جرم مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما اینکه چقدر در برآوردن اهداف متذکره موفق بوده است از نقطه نظر محققان این رشته، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مجازات حبس پس از

<sup>۱</sup> نجفی توانا، علی، روزنامه قدس، ش ۵۵۹۵، پنجشنبه ۷ تیر

<sup>۲</sup> نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۵، نشریه جایگزین‌های حبس، ستاد سیاست گذاری کاهش حبس، شماره اول.

آنکه به جای مجازات‌های بدنی در نظام‌های حقوقی نقش مجازات اصلی و مؤثری را ایفا می‌کرد گذشت زمان و تجربه نشان داد که این مجازات چنانچه انتظار می‌رفت در اهداف خود چندان مؤثر و کارآمد نبوده است، و زندان به جای پیشگیری از ارتکاب جرم و اصلاح مجرمین به محل فراگیری جرایم جدید و فنون و شیوه‌های متنوع ارتکاب جرایم تبدیل شده است. مجازات زندان، بر تکرار جرم نه تنها فایده نیامده است بلکه موجب افزایش آن شده است و بجای اینکه نقش پیشگیرانه و بازدارندگی داشته باشد نقش جرم‌زایی دارد. لذا نیاز است قانونگذار نیز در راستای سیاست قضایی مبتنی بر حبس زدایی و بازاندیشی در سیاست جنایی تقنینی مبنی بر توسل بی‌رویه و افراطی به مجازات حبس، با لحاظ جایگاه کیفر حبس در نظام جزایی اسلام و با رویکرد اصلاحی، تجدید نظر نموده و تصویر مطلوب و کارآمدی از مجازات حبس و نیز جایگزینی اقدامات دیگری که خاصیت ترهیبی، اصلاحی و تربیتی و مؤثریت بیشتری دارد را در حقوق کیفری افغانستان ترسیم نموده و تطبیق نماید.<sup>۱</sup> منظور از اصطلاح حبس زدائی به عنوان جدید ترین رویکرد قوه قضائیه مبتنی بر ایجاد محدودیت شدید در میزان استفاده از بازداشت و سلب آزادی بویژه تحت عنوان مجازات حبس است.<sup>۲</sup>

## ۱۱-۲- مجازات های جایگزین

در گذر زمان، واکنش های اجتماعی علیه جرم، تحت تاثیر تحولات حقوق جزا و جرم شناسی، تغییرات چشمگیری را متحمل شده است. از قرن هجدهم به این سو، زندان به عنوان یکی از مهمترین صورت های مجازات، محور مطالعات و تحقیقات اندیشمندان و مکتب های حقوقی و جرم شناسی قرار گرفته و تحت تاثیر این اندیشه ها، دگرگونی عمیقی یافته است. در آغاز قرن نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه مهمی در میان نمونه های مختلف واکنش اجتماعی علیه عمل مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محکومان رفته رفته خاصیت ترمیمی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی محکومان جای آن را گرفت. بدین منظور هم قانونگذاران ملی و هم سازمان های منطقه ای و بین المللی از قبیل شورای اروپا و

<sup>۱</sup> گودرزی، حمید، ۱۳۸۲، نارسایی های زندان، مجله تخصصی داندشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰-۹، ص ۱۰۹.

<sup>۲</sup> هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۱، سخنرانی افتتاحیه، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین حبس، انتشارات راه تربیت، ص ۲۲.

سازمان ملل به طور جداگانه یا با همکاری یکدیگر تلاش کردند تا شیوه های اداره و سازمان دهی مجازات زندان را دگرگون سازند، تا شاید از این طریق بتوان حقوق محکومان را بهتر حمایت نمود<sup>۱</sup>.

پیشینه این جایگزین ها حسب مورد اگر بخواهیم به طور مضیق و صرفاً در قالب مجازات های جایگزین بحث کنیم به جایگزین های حبسی کوتاه مدت مربوط می شود که به لحاظ کارآمدی و بلکه توالی فاسد حاصله وارد قلمرو حقوق کیفری شده و به تدریج توسعه و بسط یافته و به صورت مجازات مستقل و یا اقدامات کیفری با رویکرد ارفاقی و اعطای امتیاز به بزهکاران اتفاقی واجد شرایط وارد قلمرو جزایی شده اند. اما اگر عنوان جایگزین ها را مطابق با موضوع پژوهش و در قالب تدابیر در نظر بگیریم گسترده و طیف این عنوان شامل هرگونه تدبیر است که نتیجه آن ممانعت از اجرای حبس و یا قطع اجرای این حکم می باشد. بنابراین می توانیم سبقه ی این بدل های سالب آزادی را به نهادن حقوقی آزادی مشروط متناسب نماییم که ابتدا در سال ۱۷۹۱ توسط کنت دو میرابو ضمن ارایه نظریه های مدرن کیفری و در قالب یک نظم نمره گذاری بر روی رفتار محکومان و آزادی مشروط و کمک به فرد هنگام رهایی از زندان مورد تاکید قرار گرفت.<sup>۲</sup> و در سال ۱۸۴۶ آقای بن ویل دومار سنگی تحت عنوان آزادی مقدماتی و در قالبی نزدیک به آزادی مشروط فعلی پیشنهاد گردید.<sup>۳</sup> و نهایتاً در سال ۱۸۸۵ وارد نظام حقوقی فرانسه گردید اما سابقه جایگزین های حبس در ایران به سال ۱۳۰۴ بازمی گردد که طی مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات عمومی جزای نقدی را به عنوان کیفر قابل حکم مقرر کرده و متعاقباً در سال ۱۳۰۶ طی ماده واحده ای حبس در امور خلافی و همچنین حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد را قابل تبدیل به جزای نقدی نموده و لذا در صورت تقاضای محکوم علیه محکمه باید آن را حسب مورد از قرار روزی پنج ریال تا بیست ریال تبدیل به جزای نقدی می کرد. در سال ۱۳۵۴ به موجب مواد ۱۱ و ۱۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز باشد به جای حبس، حکم به جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰ ریال و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتری از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از دو ماه حبس یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال بدهد و مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال مقرر گردید. مهمترین اقدام سازمان ملل را در این مورد می توان تصویب «حداقل قواعد لازم

<sup>۱</sup> آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۸۶.

<sup>۲</sup> آشوری، محمد، پیشین، ص ۱۱۵.

<sup>۳</sup> ژان پراول، میشل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۷.



الرعايه در مورد رفتار با زندانيان» دانست<sup>۱</sup> که در اولين کنگره سازمان ملل در مورد پيشگيري از جرم و رفتار با مجرمان، در تاريخ ۳۰ آگوست ۱۹۵۵ به تصويب رسيد و پس از آن، در ۳۱ جولای ۱۹۵۷ مورد پذيرش شورای اقتصادی اجتماعی قرار گرفت<sup>۲</sup>.

اما در سده بعد نیز هر چند افراد بسياری از زندان به عنوان وسيله ای برای بازپروری مجرمان یاد می کردند، اما توصیه ها و رهنمونهای مکرر سازمان ملل در مورد به حداقل رساندن استفاده از زندان و در مقابل، استفاده هر چه بیشتر از جایگزینهای مجازات زندان و تصويب «حداقل قواعد لازم الرعايه سازمان ملل در مورد اقدامات غير سالب آزادی» مشهور به «قواعد توکیو» در سال ۱۹۹۰ همگی حاکی از نگرانیهای جدی، نسبت به امر اصلاح و بازپروری مجرمان در زندان ها بوده است<sup>۳</sup>. در مقابل، نحوه برخورد کشورها با این موضوع در ابتدای امر به این صورت بود که اقداماتی در زمينه اصلاح زندانها برداشتند، چرا که آنان معتقد بودند که ناکارآمدی اصلاح و درمان محکومان در زندانها، معلول کمبود امکانات و نیروی انسانی لازم است و از این رو با افزایش کمی و کیفی این دو عامل، و نیز بهره جویی از شیوه های نوین، کوشیدند از نواقص زندانها بکاهند و از زندان به عنوان وسيله ای برای بازپروری اجتماعی محکومان استفاده نمایند<sup>۴</sup>.

اما با تمام تلاشهایی که راجع به اصلاح زندانها صورت گرفت، نتایج به دست آمده ناامید کننده بود و بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندانها، تقریباً مردود شناخته شد. در کنار این اقدامات که هزینه های هنگفتی را بر دولتها تحمیل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسل به کیفر سالب آزادی را به حداقل برساند و جایگزینهای مناسبی برای آن جستجو کند. تردیدی نیست که حامیان این نظریه با عنایتی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید از «آزادی تردد» آنان جلوگیری شود و به عبارتی زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان

---

<sup>1</sup> United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures (The Tokyo Rules) [www.un.org.documentts.ga.res.45.a45r110-htm](http://www.un.org.documentts.ga.res.45.a45r110-htm).

<sup>2</sup> Resolution 663ci ××IV

<sup>3</sup> United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures (The Tokyo Rules

<sup>4</sup> آنسل، همان، ص ۸۹.

تلقی شود. آنان معتقدند که سلب آزادی از محکومان، باید به عنوان «آخرین حربه» و آنگاه که هیچ شیوه و راهکار قابل اعتماد دیگری نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل مجرمان به کار گرفته شود.<sup>۱</sup>

براین اساس، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، اقدام به ابداع شیوه های جدید مجازات مجرمان، از قبیل جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مجازاتهای سالب و یا محدود کننده حقوق و... نمودند تا حتی الامکان بتوانند جلو آثار زیانبار زندان را بر جامعه، فرد زندانی و خانواده او بگیرند. در قوانین جزایی ایران، تدابیر جایگزین حبس در قالب روش های تعلیمی، تبدیلی و یا معاف کننده ی محکومیت سالب آزادی توسعه یافت و اخیراً نیز به لحاظ تغییر نگرش به مجازات ها و تلاش در جهت بهینه کردن روش های اجرایی و کسب نتایج مفیدتر، اهتمام قوه قضاییه و دستگاه قانونگذاری در جهت ورود تدابیر نوین دیگری در نظام کیفری ایران را موجب گردیده است. بدون شک، استفاده از اقدامات جایگزین و گنجاندن آنها در مقررات کیفری متخذ از حقوق جزای اسلام، منوط به آشنایی اجمالی با این اقدامات و تبیین جایگاه آنها در بین مجازاتهای شرعی می باشد.

## ۱۲-۲- چرایی جایگزین های حبس

اما چرا جایگزین های حبس؛ این موضوع به نظر از دو بعد قابل بحث است. اول اینکه ناکارآمدی حبس با عنایت به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... که در منابع، همایش و نشست های رسمی و غیررسمی مکرراً مطرح گردیده و به لحاظ قابلیت و ایجاد زمینه وقوع جرم نزد محکوم و یا سایر اطرافیان در واقع دور باطلی را در تکرار و یا وقوع جرم در آتیه پدید می آورد. دوم اینکه اگر چه در حقوق کیفری داعیه لازم الرعایه بودن اصل شخصی بودن و فردی کردن کیفر و تناسب میان جرم و مجازات را داریم اما تحقق این ایده آل ها با سیاست کیفری فعلی دور از انتظار به نظر می رسد. چون قدر مسلم کیفر حبس به دلیل تبعات آن که علاوه بر محکوم اطرافیان را نیز در بر می گیرد مغایر با اصل شخصی بودن مجازات می باشد و اگرچه نمی توان خوشبین بود که این اصل در مصداق یا مصادیق دیگر واکنش های کیفری به طور کامل قابل تحصیل باشد اما تامین هر چه بیشتر این اصل ضروری می باشد. همچنین تضمین اصل فردی کردن مجازات با توجه

---

<sup>۱</sup> همان، ص ۹۵.

به پیچیدگی های روحی - روانی افراد که مبنای رفتار انسانی می باشد با امعان نظر به زرادخانه محدود کیفری به نظر می رسد دور از دسترس باشد.<sup>۱</sup>

و نهایتاً اصل تناسب میان جرم و مجازات که قانونگذار در حقوق کیفری با پیش بینی حداقل و حداکثر مجازات درصدد رعایت آن بوده است به اعتقاد نگارنده بیش از آن که ناظر مشکلی آن باشد می بایست با توجه به ماهیت و منشا و وقوع جرم ملحوظ نظر قرار گیرد و در واقع با تمهیدات مقتضی و باز گذاردن دست قاضی در انتخاب ابزارهای متناسب با موضوع و یا اساساً با اتکا به امر کارشناسی و یافتن واکنش های کیفری و یا غیر کیفری از سنخ جرم، پاسخ در قوانین پیش بینی گردد.

### ۱۳-۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات یکی از اصول اولیه و مسلم حقوق جزا می باشد و دارای سه شرط زیر است:

اولاً: هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد؛  
دوماً: هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار گیرد مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد؛

سوماً: هیچ محکمه ای صالح برای رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون، صلاحیت آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم شناخته باشد؛ چهارماً: هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه، آنهم در شرایط پیش بینی شده در قانون صورت گیرد.

پیدایش اصل قانونی بودن جرم و مجازات، سابقه چندان طولانی ندارد؛ با تمام اهمیتی که دانشمندان مکتب کلاسیک برای اصل قانونی بودن قائل هستند، معهداً این اصل در دوران قدیم ناشناخته بود در حقوق دول باستانی، در حقوق روم، در حقوق قرون وسطی و حتی در حقوق دوران رنسانس سوابقی از این اصل دیده نمی شود. در حقوق فرانسه قضات به هنگام صدور رأی از قانون خاصی مجبور به تبعیت نبودند و در رسیدگی از اختیارات فراوان برخوردار بودند تا اواخر قرن ۱۸ در کلیه ممالک دنیا حکمرانان و قضات برای تعقیب مخالفین نظم عمومی و مجرمین تابع هیچ اصل و قاعده نبودند، جنایات زیادی روی می داد و چه بسا بخاطر

---

<sup>۱</sup> اردبیلی، محمدعلی، جایگزین های کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۲، شماره ۱۱-۱۲، ص ۱۰.

سرقت جزئی شخص را اعدام می‌گردند. این شقاوت‌ها و سفاکی‌ها که بنام عدالت انجام می‌گرفت موجی از مخالفت را برانگیخت، دانشمندان و فلاسفه قرن ۱۸ به مخالفت با این خشونت‌ها برخاستند. در رأس دانشمندان افرادی چون بکاریای ایتالیایی، بنتام انگلیسی، روسو و منتسکیوی فرانسوی قرار داشتند و معتقد بودند اولاً باید بین اعمال ارتكابی و مجازات آنها تناسبی وجود داشته باشد دوماً اعمال ضد اجتماعی و مجازات آن به اطلاع عامه رسیده باشد سوماً اجرای عدالت تحت نظم و قاعده صحیح باشد. این اعتقادات و حرکت دانشمندان با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ جامعه عمل پوشید و برای اولین بار مقنن فرانسوی در ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر آنرا تصویب کرد و این اصل از آنجا به سایر کشورها سرایت پیدا کرد. اعلام این اصل انعکاس وسیعی در همه عالم داشت و خواه در مجموعه‌های جزایی و خواه در قوانین اساسی غالب کشورها بعنوان اصلی مسلم پذیرفته شد متعاقب این اصل، اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۹۴۸ منتشر شد در موارد مختلف خود بیشتر به تجزیه این اصل پرداخت.

اما در اسلام و ایران این اصل سابقه طولانی‌تری دارد که بعد از ورود اسلام به ایران و اجرای احکام و قوانین اسلامی، این اصل در ضمن قواعد و آیات فراوانی که در محاکم اسلامی جاری می‌شد وجود داشت از جمله آیه ۷ سوره طلاق: « لا یكلف الله نفساً الا ما اتها »، آیه ۱۵ سوره اسراء « ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً »، حدیث رفع، اصل اباحه و قاعده قبح عقاب بلا بیان.

قاعده قبح عقاب بلا بیان که همان اجرای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد بیان می‌کند که عقاب و مجازات افراد بدون اینکه قبلاً از طرف مولی و شارع بیان شود و به اطلاع عموم برسد قبیح و زشت می‌باشد و شارع مقدس از این حرف‌ها منزّه است<sup>۱</sup> اما با افول محاکم مذهبی و ظهور حکام و سلاطین خودکامه این اصل هم کنار گذاشته شد. به همین دلیل قانونگذار ایران به هنگام تنظیم متمم قانون اساسی، این اصل را از کشورهای اروپایی اقتباس نمود و وارد سیستم حقوقی ما گردید. بر همین اساس در اصول ۱۰ و ۱۲ و مواد ۲ و ۶ قانون مجازات عمومی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این اصل توجه بیشتری شد و در ضمن اصول ۲۲-۲۵-۳۲-۳۳-۳۶-۳۷-۱۵۹-۱۶۶-۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی وارد گردید این اصل یک اصل فطری و عقلی است که حقوق افراد را در

<sup>۱</sup> گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۵۴.

مقابل حاکمان و دولت این اصل فطری و عقلی است که حقوق افراد را در مقابل حاکمان و دولت‌ها تضمین می‌نماید که امروزه این اصل به قانونی بودن دادگاهها و محاکمات نیز تسری پیدا کرده است. از جمله دلایلی که برای اهمیت و ضرورت اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌توان برشمرد عبارت است از:

۱- دلیل منطقی: انسان بحکم غریزه مجبور به زندگی در اجتماع است و زندگی در اجتماع لازم دارد که مقررات اجتماعی مورد رعایت قرار گیرد و عملی برخلاف نظم اجتماعی اعلام شود تا افراد بدانند چه اعمالی منحل نظم اجتماعی است.

۲- رعایت آزادی‌های فردی: همانطور که فرد مجبور به رعایت نظم عمومی است خود فرد نیز دارای حقوق و آزادی‌هایی است که جامعه باید آنرا محترم شمارد.

۳- رعایت نفع جامعه: چون افراد بدون نگرانی و تردید به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند و این امر موجب پیشرفت صنعتی، فنی و رونق اقتصادی می‌شود.<sup>۱</sup>

۴- تقسیم وظایف: قوای مقننه و قضائیه که وضع قانون و تفسیر آن بر عهده مقننه و اجرای قوانین با قضائیه می‌باشد.<sup>۲</sup>

همچنین انتقاداتی بر این اصل وارد شده است که در ادامه اشاره می‌گردد؛

۱- غیرکافی بودن این اصل: اصولاً نمی‌توان همیشه تعریفی کامل و قانع کننده از جرایم بدست آورد. در نتیجه بسیاری از اعمال غیراخلاقی و خطرناک برای جامعه از دایره جرم خارج می‌شوند.

۲- عدم توجه به این اصل به شخصیت بزهکار و توجه به ماهیت جرم فقط: به عقیده طرفداران مکتب تحقیق افرادی در جامعه وجود دارند که بدون انجام جرم برای جامعه خطرناکند و باید قبل از ارتکاب بزه در مورد آنها اقدامات لازم را معمول داشت که این اصل سدّ راه این اقدامات است.<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است که این اصل خود جزئی از اصل قانونی بودن حقوق جزا می‌باشد و گاهی این توهم را ایجاد می‌کند که این اصل فقط در حقوق جزای ماهوی موثر بوده و در سایر قسمت‌ها از جمله آیین دادرسی

---

<sup>۱</sup> افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، ج اول از ص ۱۳۰.

<sup>۲</sup> نوربها، رضا، زمین حقوق جزای عمومی، ص ۶۰.

<sup>۳</sup> نوربها، رضا، پیشین، ص ۶۱.

کیفری تأثیری ندارد در حالی که در آیین دادرسی کیفری هم اقدامات و رسیدگی ها و سایر موارد باید طبق اصول قانونی و مقررات انجام گردد.

#### ۱۴-۲- حبس و حبس گرای

با توجه به آنچه که گفته شد زندان نمی تواند مجازاتی فراگیر و با این گستردگی قلمداد گردد. تعداد کل جرائمی که قرآن کریم و یا آرای فقها برای آنها زندان پیش بینی کرده اند به ۱۰ جرم نمی رسد، ضمن آن که با توجه به ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، بدهکاران زیادی نیز به زندان اعزام می شوند. زندانیان تحت قرار با اقامت های کوتاه مدت و میان مدت از جمله سایر عوامل تراکم جمعیت کیفری هستند. کسانی که به دلیل عجز از پرداخت مجازات نقدی به زندان می آیند کار را سخت کرده و بالاخره ناگوارتر از همه زندانیان محکومی هستند که سالها در انتظار اجرای حکم قصاص یا اعدام به سرنوشت نامعلوم خویش می اندیشند. مجموعه این عوامل کشورمان را در مقام دهم تعداد جمعیت کیفری در جهان قرار داده است. آخرین آمارها از اقامت ۱۴۲۸۵۱ نفر شهروند ایرانی در زندان ها خبر می دهد<sup>۱</sup>.

از لحاظ تعداد زندانی به نسبت جمعیت هم ایران در میان ۲۱۴ کشور و سرزمین خودمختار جهان در مقام پنجاه و چهارم قرار دارد. اگر این آمار به کشورهای مستقل محدود شود ایران جایگاه سی و ششم دنیا به نسبت جمعیت را در اختیار خواهد داشت. ایران در میان کشورهای مسلمان با اختلاف فراوان نسبت به اندونزی بیشترین تعداد زندانی را داراست. ایران در آسیا پس از چین، هند و تایلند مقام چهارم تعداد زندانیان را داراست. این در حالیست که آموزه های اصیل اسلامی که ملاک عمل حاکمیت دینی می باشد زندان را به این شیوع، توصیه نکرده اند<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> ابوترابیان، حسین ۱۳۶۳، تاریخچه زندان. تهران، نشر نو، ص ۵۶.

<sup>۲</sup> دیوان فرخی یزدی. مکی حسین ۱۳۵۷، زندان و زندانی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۳۹.

## ۱۵-۲- بی تأثیری زندان در کاهش جرم

با وجود تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان ها طی دو سده گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است. نتایج به دست آمده ناامید کننده اند و نظریه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها - از جمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی و حتی اسکانداویا که از دیر باز از آن پشتیبانی می کردند - تقریباً "با شکست روبه رو بوده است. این در حالیست که اصولاً "مجازات حبس بر این مبنا وضع شده که نقش بازدارندگی را ایفاء کند، ولی واقعیت غیر از این را اثبات کرده است. زندان بر روحیه مجرمان تأثیری ندارد، به نحوی که زندانیان به محض خارج شدن از زندان مجدداً "مرتکب جرم می شوند. زندان روحیه ارتکاب جرم را نه تنها کاهش نمی دهد بلکه آن را گسترش داده و جرأت ارتکاب جرم را در آنان تشدید می کند.<sup>۱</sup>

حتی آنها که زندان را نفی نمی کنند اذعان دارند که عملکرد زندان به عنوان محل اجرای مجازات سالب آزادی نشان می دهد که از نظر مجازات و سرکوبی، کارآیی آن در خصوص پیشگیری عمومی از بزهکاری و اصلاح محکومین (پیشگیری خاص) ثابت نشده است. به تعبیری ژور نالیستی باید گفت انسان های سده هجدهم معتقد بودند که زندان موجب عبرت زندانی و نیز مجرمان بالقوه است که هنوز به ارتکاب جرم دست نیازیده اند. در سده نوزدهم، بر ندامت و پشیمانی محکوم تأکید می شد و در سده بیستم با شروع انتقاد از زندان های کوتاه مدت و اثبات زیان آور بودن آن، به نظریه اصلاح و درمان روی آورده شد. ولی، همه این آرزوها برباد رفت و زندان در رسیدن به هدف هایی که برای آن منظور شده بود، با شکست روبه رو شد. در کنار اشاراتی کلی به شکست زندانها که حاصل تحقیقات متعدد و مبتنی بر داده های کمی و کیفی راجع به زندانهاست برخی آمارها هم مؤید همین نکته است. آمارهای رسمی اعلام شده در کشورمان نشان می دهد که با اتخاذ روشهای گوناگون اصلاح زندانیان هنوز ۳۷ درصد از زندانیان به حبس باز می گردند که با توجه به نبود سیستم های آماری صحیح و احتمال عدم ثبت بسیاری از آمارها و زندانیانی که به واسطه آموختن نکات حرفه ای به دام نیفتاده و نیز زندانیانی که در نوبت دوم محکومیت به مجازات دیگری غیر از زندان می

<sup>۱</sup> جو انفر، عباس، ۱۳۸۴، حبس زدایی، ضرورتی ناگزیر، ماهنامه اصلاح و تربیت، ص ۱۳.

رسند این آمار را باید بیش از این نیز بدانیم.<sup>۱</sup> در سایر کشورهای جهان از جمله ممالک پیشرفته هم همین وضعیت حاکم است. تحقیقی که بین سالهای ۹۰-۱۹۸۷ در اسپانیا صورت گرفته، نشان می‌دهد که ۴۵٪ زندانیان فقط ظرف ۳ سال به زندان بازگشته‌اند. در آمریکا این آمار به ۶۰٪ رسیده است. آمارهای کلی در جهان نشان می‌دهد که تکرار جرم در مجازات زندان ۵۰٪ است که نزدیک به دو برابر تکرار در سایر مجازات‌هاست. مجموعه این آمارها و نظرات جمعی از برجسته‌ترین حقوقدانان ایرانی، اروپائی و عرب بیانگر شکست قطعی زندان در پیشگیری و اصلاح مجرم است. در حالی که پیشتر گفته شد زندان در عصر جدید، منادی اصلاح است و زندان‌ها را در ایران ندامتگاه و بندهای آن را اندرزگاه می‌نامند.<sup>۲</sup>

## ۱۶-۲- آسیب شناسی و علل افزایش جمعیت کیفری

سیاست زندان زدایی صرف و استفاده از تدابیر جایگزین در قالب الگوهای وارداتی و بدون در نظر گرفتن مقتضیات ملی و داخلی، به تنهایی پاسخگو نخواهد بود؛ بلکه استفاده از این تدابیر زمانی عملی و کارساز می‌باشد که بتوانیم سازمان یا نهاد متولی، امکانات اقتصادی و فیزیکی لازم، کارکنان متخصص و فضای مناسب را ایجاد کنیم. بنابراین، طرح کاهش جمعیت کیفری زندانها اگر با اندیشه بومی سازی یافته‌ها و تجارب تطبیقی قرین گردد، افق‌های روشنی رافراروی نظام زندانبانی کشور قرار خواهد داد و اگر بدون توجه به این نیاز جدی (بومی سازی) و صرفاً با هدف تمرکز بر تدابیر پیشگیرانه و جایگزین و اقدامات زودبازده و ناپایدار به انگیزه کاهش آنی جمعیت کیفری و افزایش آمار کمی خروجی زندانها- به هر قیمت ممکن- انجام پذیرد، نه تنها منجر به توفیق نظام عدالت کیفری در حصول به اهداف و آرمان‌های توسعه قضایی نمی‌گردد، بلکه بحران تورم جمعیت کیفری و ازدیاد بزهکاری را به مراتب تشدید خواهد ساخت.

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب، ۱۳۸۵، حبس زدایی خردگرا، خروج از بحران تورم کیفری، ماهنامه اصلاح و تربیت، ص ۹.

<sup>۲</sup> پرادل، ژان، ۱۳۷۳، تاریخ اندیشه ای کیفری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، ص ۱۲۱.



اصطلاح "جمعیت کیفری" به مجموعه افرادی که مرتکب جرم قابل مجازات می شوند و تحت مجازات زندان، آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی و بازداشت موقت یا سایر کیفرها قرار می گیرند، اطلاق می گردد. اما "جمعیت زندانی" به افرادی گفته می شود که درحالت تحمل زندان یا بازداشت موقت باشند<sup>۱</sup>.

برخی از اندیشمندان کیفری نیز به «جمعیت اصلاحی» اشاره می کنند و آن را در مورد افرادی بکار می برند که تحت یکی از شکل های مراقبت و اصلاح اعم از زندانهای کوتاه مدت یا بلند مدت، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط قراردارند<sup>۲</sup>.

لذا بسته به نوع جرم ارتكابی و شرایط خاص مجرمانه و نحوه بکارگیری واکنش ها و تدابیر کیفری، جمعیت کیفری نیز متنوع و گوناگون خواهد بود. در این میان، اصطلاح جمعیت کیفری عمدتاً شامل آن دسته از اشخاصی می شود که متعاقب ارتكاب جرم، به مجازات زندان محکوم شده اند. به دلیل کثرت و وفور استفاده قانونگذاران و متصدیان عدالت کیفری از مجازات زندان، اصطلاح فوق نیز بیشتر در همین راستا بکار می رود و هر جا بحث جمعیت کیفری مطرح می شود مراد همان جمعیت محبوس در زندانها است<sup>۳</sup>.

## ۲-۱۶-۲- گونه شناسی جمعیت کیفری زندان

نقد و بررسی آسیب شناسانه جمعیت کیفری و ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش آمار ورودی و افزایش خروجی زندان، مستلزم آگاهی و شناخت کافی از گونه های مختلف اشخاص محبوس در زندانها می باشد. پرسش اساسی این است که در شرایط فعلی جمعیت زندانها از چه افرادی تشکیل می شوند؟ آیا همه زندانیان محکومان به حبس یا متهمان در انتظار محاکمه اند؟ آیا جمعیت زندانهای فعلی متشکل از

---

<sup>۱</sup> torney-michael.crime and punishment.oxford press.1998.p.23.

<sup>۲</sup> گرمارودی، هما؛ ۱۳۸۶، عوامل موثر بر کاهش جمعیت کیفری، از مجموعه مقالات همایش زندان زدایی دانشگاه شیراز، نشر میزان، بهار ص ۴۶.

<sup>۳</sup> duff.a.and garland.d.a reader on punishment.oxford press.1994.p.67.

بزهکاران عمدی و غیرعمدی است؟ آیا افراد بزه ناکرده نیز سهمی در افزایش و تبلور این جمعیت کیفری ایفا می کنند؟

در پاسخ به پرسشهای فوق، باید متذکر شد که گونه شناسی جمعیت موجود در زندانها، نتایج رضایتبخش و مطلوبی را عاید نمی سازد، بلکه بیانگر نوعی افراط، ناهمگونی و سرگردانی در سیاست جنایی مبتنی بر حبس می باشد به طور کلی، گونه های مختلفی از افراد در زندانهای فعلی ایران نگهداری می شوند:

### ۱- متهمان

بخش اعظمی از جمعیت زندانیان فعلی را متهمان بازداشتی یا در انتظار محاکمه تشکیل می دهند که با صدور قرارهای بازداشت یا به دلیل ناتوانی در تودیع وثیقه و معرفی کفیل روانه زندان می شوند.

### ۲- محکومان

به حبس یا زندانیان واقعی: این دسته از افراد شامل کسانی هستند که مرتکب جرم عمدی یا غیرعمدی مستوجب زندان شده اند و پس از صدور حکم محکومیت و اثبات مجرمیت، وارد زندان می شوند. رسالت اصلاحی، تربیتی، حمایتی، مراقبتی و پیشگیرانه نظام زندانبانی عمدتاً در خصوص همین افراد نمود می یابد.

### ۳- محکومان مالی

این دسته از محکومان، اصولاً مجرم تلقی نمی شوند، بلکه افرادی هستند که به دلیل عدم پرداخت دیه، مهریه و دیون مالی، بنا به تقاضای شاکی بازداشت شده اند. محکومان مالی موضوع ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی از این قبیل اند.<sup>۱</sup>

### ۴- محکومان در انتظار اجرای احکام غیر زندان

بخشی از جمعیت فعلی زندانها، شامل افرادی است که محکوم به اجرای مجازاتهایی نظیر شلاق، تبعید و نظایر آن می باشند، امامدتی را بدون دلیل در زندانها سپری می کنند تا زمان اجرای حکم آنها فرا رسد.

---

<sup>۱</sup> نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۱، جرم شناسی، نشر خط سوم، چاپ دوم، ص ۹۲.

## ۵- حبس بدل از جریمه ی نقدی

گروهی از زندانیان را نیز افرادی تشکیل می دهند که در راستای اعمال ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ / ۸ / ۱۰ بواسطه عدم پرداخت جزای نقدی، به کیفر زندان به منزله جانشین جزای نقدی مبتلا گشته اند.

بحث در خصوص کارآمدی یا ناکارآمدی زندان پیرامون هر یک از گونه های فوق، در مبحث آسیب شناسی جمعیت کیفری مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

### ۳-۱۶-۲- آسیب شناسی افزایش جمعیت کیفری

بررسی آسیب شناسانه جمعیت کیفری، مبین علل و جهات مختلفی است که موجب افزایش جمعیت کیفری می شود. مهمترین این عوامل عبارتند از: (۱) افزایش جمعیت کیفری ناشی از بزهکاری، (۲) ضعف در سیاست جنایی تقنینی، (۳) ضعف در سیاست جنایی قضایی، (۴) ضعف در مکانیسم های اجرای مجازات.

#### ۱- افزایش جمعیت کیفری ناشی از بزهکاری

هر چند افزایش بزهکاری با عواملی چون افزایش جمعیت و جرم انگاری رابطه مستقیم دارد، ولی حتی اگر متغیرهای افزایش جمعیت و جرم انگاری را ثابت نگه داریم، باز هم آهنگ رشد بیهوشی رویه جمعیت کیفری نگران کننده است. به فرض، مطابق آمار رسمی، وقوع قتل عمد به رغم آنکه جرم انگاری جدیدی نسبت به آن صورت نگرفته به طور بی سابقه ای در حال افزایش است. اگر چه آمار دقیق و گویایی در خصوص جمعیت زندانیان کشور در دسترس نیست، اما مطالعه برخی از آثار موجود، به روشنی بیانگر رشد خیره کننده و سرسام آور تعداد زندانیان در سالیان اخیر می باشد. مقایسه جمعیت آماری ایران در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ بسیار قابل توجه است. مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت کشورمان در سال ۱۳۵۵، حدود ۳۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۷۵، حدود ۶۰ میلیون نفر بوده است.

این درحالیست که براساس اظهارات رسمی مقامهای مسئول قوه قضائیه، جمعیت واقعی زندانها در سال ۱۳۸۵، از مرز ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر نیز فراتر است و براساس اظهار نظر ریاست مرکز آموزش و پژوهشی سازمان زندانها در سال ۱۳۸۰، آمار زندانیان از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون ۳۰ برابر شده است. مقایسه

آماری این نتیجه را بدست می دهد که برغم اینکه جمعیت ایران از ابتدای انقلاب تا کنون کمتر از دو برابر رشد داشته است اما جمعیت زندانها ۳۰ برابر شده است. حال آنکه، مطابق اظهار نظر رئیس وقت سازمان زندانها در سال ۱۳۸۰: «ما بعد از انقلاب زندان سازی نکرده ایم و تصورمان این بود که با توجه به روحیات سال ۱۳۵۹ احتیاج به زندان نداریم و زندانها را نیز باید به مراکز فرهنگی تبدیل کنیم.»<sup>۱</sup> در طول سال ۹۲ تعداد ۴۰۰ هزار پرونده به محاکم قضایی استان وارد شده و البته ورودی پرونده سال ۹۱ هم نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۶ درصد رشد پیدا کرده است.<sup>۲</sup>

آمار فوق مؤید آن است که بزهکاری به عنوان یک رفتار شاخص امری آموختنی، یادگرفتنی و اکتسابی است و صرفنظر از مؤلفه های جنسی و روانی سایر عوامل نظیر عوامل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بزهکاری را بر انسان تحمیل می کند.<sup>۳</sup> بنابراین، بدون توجه به اینکه ضعف در سیاستهای جنایی تقنینی، قضایی یا ناتوانی در مدیریت اجرایی مجازات زندان، تا چه اندازه در شدت و ضعف افزایش جمعیت کیفری نقش آفرینی می نماید، باید خاطر نشان ساخت که آهنگ رشد بی رویه جمعیت کیفری ناشی از بزهکاری تحت تأثیر عوامل و محرکهای فردی و اجتماعی همچنان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار و نگران کننده در خصوص افزایش نرخ بزهکاری و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری محسوب می شود. هر چند کنترل قاطع و مطلق این اپیدمی، تقریباً ناممکن و دست نیافتنی می نماید؛ با این حال، در مبحث راهکارها اشاره خواهیم داشت که اصلاح برخی از سیاستهای اجتماعی می تواند در جلوگیری از افزایش بی رویه این بحران مفید ثمر واقع گردد.

## ۲- ضعف در سیاست جنایی تقنینی

امروزه سیاست جنایی تقنینی یا قانونگذارانه، یکی از حوزه های مهم سیاستگذاریهای عمومی و اجتماعی انگاشته می شود. طبعاً تدوین سیاست جنایی یک کشور، چون سیاست عمومی نیاز به تخصص دارد. انتخاب قانونگذار باید به نحوی باشد که اشراف به مسائل و آگاهی به علوم جدید را دچار لطمه و خدشه نکند. قوه

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب؛ ۱۳۸۵، حبس زدایی خرد گرا، اصلاح و تربیت، سال ۵، شماره ۵۳ و ۵۴، مرداد و شهریور ص ۲۳.

<sup>۲</sup> جان گرای، علی، عوامل تقنینی تراکم جمعیت کیفری ایران، نگاهی تازه به حقوق کیفری، <http://ajgeraei.blogfa.com>.

<sup>۳</sup> نجفی توانا، علی؛ پیشین، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰.

قانونگذاری باید متفکر، متخصص و واجد صلاحیتهای ضروری باشد تا بتواند در برنامه ریزیهای دقیق مشارکت فعال داشته باشد. بدیهی است از قوه مقننه ای یکدست، اما فاقد قدرت و توانایی شناخت مسائل، قوانینی فاقد اسکلت‌های لازم و زیربنای محکم خارج می‌شود. قوانین ناهمگون، بدون توجه به اصول علمی و فاقد استحکام از نظر شناخت مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر عمر نامرادیها می‌افزاید و از اعتبار قانونگرایی می‌کاهد.<sup>۱</sup>

قانونگذار برای تصویب قانون باید به اخلاقیات، فرهنگ، دین و تاریخ مردمی که می‌خواهد برای آنان قانون تصویب کند توجه داشته باشد. قدر متیقن، جرم‌انگاری‌های افراطی و غیرمنطقی و برخوردهای به شدت سرکوب‌گرانه و کیفرمحور، بدون توجه به علل وقوع آنها، نه تنها منجر به توفیق سیاست جنایی تقنینی در کنترل پدیده بزهکاری و مهار اندیشه‌های مجرمانه نخواهد شد، بلکه نظام عدالت کیفری را با بحرانی به نام «تورم جمعیت کیفری» یا افزایش جمعیت زندانها مواجه می‌سازد.<sup>۲</sup>

از قانونگذار انتظار می‌رود که بر نظام حقوقی کشور احاطه داشته باشد و بداند پیوندی که بر این بدن زنده می‌زند، چه بازتابی در سایر اندامها دارد. بدین ترتیب، موفقیت و کامیابی یک سیاست جنایی تقنینی تا حدود زیادی به ذوق سلیم و احتیاط و بصیرت قانونگذار بستگی دارد زیرا اوست که باید از ترکیب همه عوامل و داده‌های تاریخی و فرهنگی و اقتصادی نتیجه‌گیری درست کند و قاعده‌ای فراهم آورد که با طبع اجتماعی و وظایفی که به عهده دارد ملایم‌تر باشد.<sup>۳</sup>

### ۳- جرم‌انگاری‌های افراطی

یکی از مهمترین دلایل تراکم جمعیت کیفری، جرم‌انگاریهای نسنجیده و افراطی و تصویب قوانین و مقررات حبس‌زا می‌باشد. تجربه نشان می‌دهد که سیاست تقنینی کشور ایران بویژه پس از انقلاب، عمدتاً حول محور جرم‌گرایی و کیفرمحوری بوده است. براساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بیش

<sup>۱</sup> نوربها، رضا؛ ۱۳۷۸، سیاست جنایی سرگردان ایران، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵، ص ۱۲۴.

<sup>۲</sup> گودرزی بروجردی، محمد؛ ۱۳۸۳، مطالعه و عملیاتی سازی جایگزین‌های زندان، آرشیو دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندانها، ص ۱۹.

<sup>۳</sup> کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۸۰، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، نشر انتشار، تهران، ص ۱۰۲.

از ۱۲۰۰ عنوان مجرمانه و ۴۰۰ مورد جرم با مجازات زندان در قوانین جزایی فعلی وجود دارد. در طول سالهای پس از انقلاب، نه تنها برای کنترل جمعیت کیفری و مهار پدیده بزهکاری، اقدامی شایسته و بایسته انجام نشد، بلکه قانون گذار جدید تحت تأثیر تحولات و جو حاکم بر آن روزگار، قوانینی را از مرز تصویب گذراند که نتیجه محتوم آن، گسترش مجازات حبس به عنوان کیفر اصلی و در نتیجه ترویج رویکرد سزاگویی و کیفرمحوری مبتنی بر مفاهیم اخلاقی مانند اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی و استحقاق عادلانه، بوده است.<sup>۱</sup>

این جرم انگاری ها بدون توجه به ملاک ضرورت و عدالت که در تماس با قلمرو آزادیهای اساسی افراد است، به طور قطع به تورم عناوین مجرمانه منتهی خواهد شد. نتیجه چنین امری به شکل افزایش موارد محکومیت به مجازات و افزایش جمعیت کیفری نمود می یابد. در چنین حالتی ممکن است جامعه برای ترمیم و تعدیل آثار نامطلوب این وضعیت به برخی کارکردهای جایگزین نظیر عفو و تخفیف نامناسب و ایجاد رخوت و سستی در مجازات متوسل شود. لذا افزایش کمی و کیفی رفتارهای ضد اجتماعی و گسترش حساب نشده قلمرو حقوق جزای اختصاصی از یکسو و افراط در توسل به کارکردهای حقوق جزای عمومی از سوی دیگر، به تزلزل و بی ثباتی در اخلاق عمومی، هنجارهای رفتاری و آزادی افراد منتهی خواهد شد. بی گمان، حدوث چنینی وضعیتی حاکی از نوعی تعارض و انسداد در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرای مجازات می باشد.<sup>۲</sup>

#### ۴- ابهام و نارسایی در قوانین دادرسی

وجود خصیصه ابهام، اجمال تناقض در قوانین و مقررات دادرسی بویژه درباره تعیین میزان اختیارات و تکالیف قضات در استفاده از قرارهای تأمین کیفری، یکی دیگر از دلایل مهم افزایش آمار ورودی به زندانها می باشد. قانونگذار کیفری در تدوین قوانین دادرسی و تعیین حدود و ثغور اختیارات و الزام قضات در بکارگیری قرارهای تأمین کیفری اعم از قرار بازداشت موقت، قرار وثیقه، قرار کفالت و غیره، انچنان راه افراط و تفریط را در پیش گرفته که قضات دادگاهها را نیز در عمل گرفتار نوعی تعارض و سردرگمی در اعمال هریک از تدابیر فوق نموده است. بر همین اساس، بازداشت موقت که با توجه به نتایج منفی آن، باید به منزله

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب، ۱۳۸۳، بررسی کیفر شناختی مجازات شلاق، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ص ۱۵۰.

<sup>۲</sup> گرمارودی، هما؛ ۱۳۸۶، پیشین، ص ۵۳.

آخرین چاره و در کوتاهترین دوره ی زمانی ممکن استفاده شود، به دلیل ضعف در قانونگذاری شکلی و ناتوانی در ارائه نظامی نوین و یکپارچه از دادرسی، از عوامل اصلی تورم جمعیت کیفری در زندانها تلقی می شود.<sup>۱</sup>

وجود الزام به بازداشت در برخی جرائم خاص برخلاف اصل برائت، ابهام و کلی گویی در بیان موارد بازداشت موقت (نظیر بیم فرار یا تبانی متهم) تفویض اختیارات گسترده به مقام های قضایی برای بازداشت موقت، دشوار کردن شرایط لغو یا اعتراض به قرار بازداشت موقت و ابقاء تمدیدهای پیاپی قرار مزبور آن هم به استناد قوانین دادرسی فعلی<sup>۲</sup> از علل مهم افزایش جمعیت کیفری زندانها می باشد. غافل از اینکه، بزعم بسیاری از اندیشمندان علوم کیفری، به بازداشت موقت باید به عنوان آخرین حربه نگریسته شود و تنها زمانی مورد استفاده قرار گیرد که ضروری و معقول و هدفمند باشد. زندانی شدن چنین افرادی که مجرمیت آنان نیز به اثبات نرسیده است، مضاف برآنکه منجر به افزایش بی رویه جمعیت کیفری زندان می گردد، بلکه آتارسوء و نامطلوبی را نیز در روحیه متهمین به جای گذاشته و درآموزش بزهکاری آنان بسیار تأثیر گذار خواهد بود.<sup>۳</sup>

کوتاه سخن اینکه، قوانین دادرسی فعلی ما، به وضوح یکی از عوامل مهم افزایش جمعیت کیفری زندانیان تحت قرار می باشد. آنگونه که اشاره شد، در مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار علاوه برآنکه اختیارات موسع و گسترده ای را به منظور صدور قرار بازداشت به قضات دادگاهها تفویض کرده است، بلکه مخصوصاً به حکم صریح ماده ۳۵ آنان را مکلف و ملزم به صدور قرار تأمین مزبور ساخته است و حتی در پاره ای از موارد به آنان اختیار داده است تا متهم را تا پایان مرحله تحقیقات و صدور حکم قطعی در بازداشت نگه دارند. بدیهی است چنین رویکرد نامطلوبی نوعی تهدید تقنینی جدی برای حقوق و آزادیهای فردی متهمان و تضمینات لازم به منظور بهره مندی آنان از مزایای یک دادرسی عادلانه به شمار می آید. قانونگذار از این حد نیز فراتر رفته و به قضات محاکم اختیار داده است که در پایان هر ماه قرار توقیف احتیاطی

---

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب؛ ۱۳۸۵، بهبود شیوه بازداشت موقت، اصلاح و تربیت، سال ۵، شماره ۵۰، اردیبهشت ص ۳۵.

<sup>۲</sup> مواد ۳۲ و ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری و موادی از قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱.

<sup>۳</sup> messner and etc. the penal system between pastan western european penal system. London press. 1995. p. 48.

را تجدید کنند (ماده ۳۷ ق. آ.د.ک) و جالب تر اینکه به متهم فقط اجازه داده شده است که در پایان هر ماه آن هم با شرایط محدود اعتراض نماید.

قضات دادگاهها به طور معمول خود را مجری و محافظ قانون می پندارند و اغلب برای راحتی و تسهیل در امور و بدون انگیزه یابی و شناخت دقیق اوصاف شخصیتی و خصوصیات فردی و اجتماعی متهمان، اقدام به صدور قرار بازداشت موقت می کنند و بر تجدید و استمرار آن نیز اصرار می ورزند؛ گویی فراموش می کنند انسانی بی گناه و دردمند که فریاد تظلم خواهی و برائتش در قفسه های بایگان های قضایی به دست نیسان و فراموشی سپرده شده است، نیازمند حس ترحم، گذشت و عدالت جویی می باشد و خانواده های نگران و مضطرب درانتظار او هستند.

## ۵- نادیده انگاری ضرورت ها و مصالح اجتماعی

نکته مهم دیگر این است که تعیین مجازات زندان در قانون مجازات اسلامی و سایر متون کیفری، فاقد مبانی مستدل حقوقی و توجیه منطقی ناشی از ضرورتها و مصالح اجتماعی می باشد. قانونگذار کیفری ایران در وضع مقررات کیفری، از یکسو خود را مقید به متون و منابع فقهی می داند، بی آنکه احکام و موازین فقهی در انطباق با نیازها و مقتضیات امروزی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته باشد و از سوی دیگر، قانونگذار ناگیراست از دستاوردها و نظریه پردازی های حقوقدانان پیروی کند، بدون آنکه ضرورت و نیاز به آنها در جامعه ایران مورد بررسی کارشناسانه قرار گرفته باشد.

لذا تدوین کنندگان و تصویب کنندگان قوانین کیفری دارای نوعی سردرگمی و تعارض اند. معیار دقیقی که بتوان برپایه آن مقررات کیفری را تدوین تصویب و اجرا کرد، وجود ندارد و معیارهای قانون گذاری کیفری مبهم و نامعلوم است.<sup>۱</sup>

در این میان، باید روشن شود که در تعیین و اعمال مجازات چه هدف یا اغراضی را دنبال می کنیم؟ وقتی قانونگذار به عملی وصف مجرمانه می دهد و برای آن مجازات زندان تعیین می کند، آن عمل در حقیقت تا چه اندازه در میان مردم قبیح و ناهنجار تلقی می شود؟ طبعاً قوانین کیفری جامعه اگر به جای پیروی از

---

<sup>۱</sup> منصور آبادی، عباس؛ ۱۳۸۶، زندان راه حل یا مشکل؟، از مجموعه مقالات همایش زندان زدایی دانشگاه شیراز، نشر میزان، بهار ص ۱۰۱.



تجربیات زندگی تنها با پیروی از منطق ذهنی شکل بگیرد، چه بسا جامعه را با بحران تورم جرم و افزایش جمعیت کیفری مواجه سازد و نتیجه تورم جرم انگاری نیز ارتباط دادن مردم با نظام قضایی و افزایش جمعیت کیفری است.<sup>۱</sup>

بنابراین، سیاست کیفری قانونگذارانه ایجاب می کند که در دو جریان قانونگذاری و افکار عمومی هم جهت باشند. اعتقاد بر آنست که قانونگذار ایران در تعیین مجازات های مختلف برای جرایم گوناگون و اثر سنجی مثبت یا منفی هر یک از این واکنش ها در هاله ای از تصورات ذهنی محصور مانده است و نمی داند که پیش بینی این مجازات تا چه حد دارای مقبولیت یا انزجار عمومی می باشد.<sup>۲</sup>

## ۶- بی توجهی به اصل فردی کردن مجازاتها

قانون گذار کیفری ایران در تعیین مجازات زندان و سایر کیفرها هرگز به تفاوت های فردی اشخاص و اینکه کدام مجازات دارای اثر بخشی مطلوب خواهد بود، توجهی نکرده است؛ بلکه منطق ذهنی او عمدتاً بر این فرض استوار بوده است که در مقابل هر شکلی از رفتار مجرمانه بسته به صلاح دید و نه بر مبنای مطالعه علمی - باید به یکی از واکنش های کیفری رایج روی آورد. نتیجه چنین تسامح و تساهلی آن می شود که در قوانین کیفری ایران، شماری از رفتارها که از منظر اجتماعی مخاطره آمیز نیستند، بدون توجه به خصایص و اوصاف شخصیتی افراد جامعه، جرم به حساب آمده و برای آنها مجازات زندان در نظر گرفته شده است. هر چند در عمل چنین قوانینی متروک می مانند، از یک سو موجب تورم کیفری شده و چهره زشتی را از نظام کیفری ایران نشان می دهد. و از سوی دیگر، کم ارزش شدن قوانین و مقررات کیفری و بی توجهی افراد جامعه را به ارزش های مهم اجتماعی به بار می آورند استفاده فراوان و گسترده از مجازات زندان در نظام کیفری ایران بیانگر این واقعیت تلخ است که واضعان سیاست جنایی تقنینی، بی توجه به نقش و اهداف حقوق کیفری و آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی مجازات، به فرجه ساختن حقوق کیفری روی آورده اند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> entham.j.principles of morals and legislation.oxford.1982.p.787.

<sup>۲</sup> افراسیابی، محمد؛ ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ اول، نشر فردوسی، ص ۱۹۷.

<sup>۳</sup> fletcher.g.punishment and responsibility.Blackwell press,1998p.172.

## ۷- تعدد مراجع قانونگذاری هم عرض

اصولاً نهاد قانونگذاری باید از نوعی وحدت و تمرکز برخوردار باشد مرجع قانونگذاری باید نماینده جامعه در صدور اوامر و نواهی مختلف باشد و هم اوست که باید در حدود صلاحیت خود به وضع قوانین و مقررات موجود بپردازد. متأسفانه، یکی از گرفتاریهای مهم نظام تقنینی فعلی، تعدد مراجع قانونگذاری هم عرض مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) می باشد. این امر به نوبه خود، زمینه کثرت قوانین و مقررات کیفری را فراهم می آورد و موجب افزایش تراکم جمعیت کیفری می شود. این نهادها که اغلب نیز فاقد تخصص ها و مهارتهای لازم در امر قانونگذاری می باشند، به راحتی هر چه تمام تر و بدون آنکه مطالعه دقیق و کارشناسانه ای پیرامون موضوع انجام دهند، مجازات زندان را وارد سیاهه کیفری می نمایند.<sup>۱</sup>

## ۸- ناتوانی در کاربرد نهادهای جایگزین

نظام تقنینی ایران، هنوز در ارائه الگویی مناسب و فراگیر در جهت بکارگیری مطلوب اهرمها و نهادهای مؤثر حقوق جزا نظیر تخفیف مجازات، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و رژیم های نیمه آزادی و نظایر آن که تا حدود زیادی از بکارگیری مجازات زندان جلوگیری می کند، ناتوان جلوه می کند. این تاوانی مخصوصاً در مقام توصیف جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت موضوع ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی بیشتر نمود می یابد. ابهام و اجمال در توصیف اینگونه جرایم، در عمل زمینه را برای تفسیر محاکم قضایی از جرایم مذکور و در نتیجه صدور حکم بر اجرای مجازات زندان به استدلال غیرقابل گذشت بودن بسیاری از جرایم و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری فراهم ساخته است همچنین؛ ابهام و کلی گویی و سخت گیری بلاجهت در اعمال مقررات مربوط به نهادهای تعلیق، تبدیل، تخفیف و آزادی مشروط و موارد مشابه، در عمل محاکم قضایی را در تصمیمات قضایی خویش دچار تناقض و سردرگمی نموده است.<sup>۲</sup>

به هر حال، در شرایطی که در نظام نوین جزایی، مجازات های متنوعی جایگزین حبس شده اند، قانونگذار ما همچنان بر طبل حبس به عنوان مجازات اصلی می کوبد و گویی قانونگذار محترم آسانترین و راحت ترین

<sup>۱</sup> نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۵، نشریه جایگزین های حبس، ستاد سیاست گذاری کاهش حبس، شماره اول، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> منصورآبادی، عباس، ۱۳۸۶، پیشین، ص ۱۰۵.

ضمانت اجرا را به زعم خویش در قبال رفتاری مجرمانه بر می‌گزیند و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به ضمانت یا واکنش دیگری بیندیشد.<sup>۱</sup>

البته باید خاطر نشان ساخت که انتقادهای فوق هرگز به معنای نفی کامل مجازات زندان یا ترویج سیاست بزه‌پوشی یا آزاد گذاشتن مجرمان خطرناک و متجاوزین به حقوق و نوامیس مردم نیست، که در این خصوص اعتقاد وافر اینست که حذف مطلق مجازات زندان حالتی بیشتر شعار گونه و نمادین دارد. بلکه نظام عدالت کیفری باید واکنشی را برگزیند که واجد کمترین آثار سوء و بالاترین میزان بهره‌وری و اثر بخشی باشد. بنابراین اعتقاد بر آنست که سیاست جنایی تقنینی ایران مبتنی بر کیفر محوری و حبس‌گرایی افراطی بوده که عواقب منفی آن گریبانگیر نظام قضایی و زندانبانی نیز شده است.

#### ۹- ضعف در سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قانون‌گذارانه که به جرم‌انگاری رفتارهای ضد اجتماعی می‌پردازد؛ در مرحله تفسیر و اجرای قوانین، با نوعی تعدیل، تساهل و تسامح مواجه می‌گردد. عملکرد متفاوت دادگاهها، اجرای متفاوت قوانین توسط قضات و در نتیجه، تنوع سیاست‌های جنایی قضایی، محور تحقیق و مطالعه بسیاری از اندیشمندان علوم جنایی در سالیان اخیر بوده است. در واقع، پیام‌های قانون‌گذار در زمینه سیاست جنایی، به اشکال متفاوت درک و استنباط می‌شوند. در این میان، سیاست جنایی قضایی به مفهوم مضیق آن یعنی سیاست جنایی که در تصمیمات و عملکرد محاکم قضایی منعکس و مندرج است، نقش مهمی را در افزایش نرخ تورم جمعیت، کیفری ایفا می‌نماید.<sup>۲</sup>

بنابراین، یکی از علل اصلی افزایش جمعیت کیفری زندانها را باید در نوع بینش و تفکر حاکم بر دستگاه قضا و ضعف در سیاست جنایی قضایی برشمرد. هر چند در شرایط فعلی، سیاست جنایی قضایی با درک شرایط و با وصف قیود قانونی، رویکردی واقع‌گرا، اصلاحی، منعطف و سیاستی مبتنی بر تساهل و تسامح و نوعی اعلام ضمن برائت از مقررات جزایی پیشه کرده و به ظاهر کوشیده است با تعدیل قرارهای بازداشت

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب؛ ۱۳۸۵، حبس زدایی خرد گرا، اصلاح و تربیت، سال ۵، شماره ۵۳ و ۵۴، مرداد و شهریور ص ۲۰.

<sup>۲</sup> از رز، کریستین؛ ۱۳۷۵، سیاست جنایی، ترجمه علی حسن نجفی ابرنابادی، نشر یلدا، چاپ اول، ص ۱۰۳.

و استفاده حداکثری و فراقانونی از ظرفیت مقررات جزایی برای تخفیف، تعدیل و تبدیل مجازات‌ها بویژه برای زندان زدایی علمی، آزادی مشروط، جایگزین‌ها، عفو اختصاصی و نظایر آن، مهر بطلانی بر سیاست تقنینی حبس گرا و سرکوب محور بگذارد، اما بدلیل وجود مشکلات عدیده و ساختاری در سیستم قضایی و تضاد آشکار بین سیاست جنایی قانونگذارانه و قضایی، تحصیل هر نوع کامیابی و موفقیت را در زمینه کاهش جمعیت کیفری زندانها و خروج از بحران تورم کیفری، با تردید جدی مواجه ساخته است.

با مطالعه قوانین جزایی فعلی ملاحظه می‌گردد که اختیارات نسبتاً موسعی به قضات دادگاهها و دادرها تفویض شده است تا براساس آن بتوانند به شناسایی شخصیت بزهکار پردازند و با لحاظ وضعیت او، مجازات متناسبی تعیین کنند. از نشانه های بارز فردی کردن مجازات‌ها- بویژه زندان- در مرحله دادرسی، می‌توان به مواردی نظیر کاربرد نهادهای تعلیق مجازات، کیفیات مخففه و مشدده و تبدیل مجازات اشاره نمود. سیاست فردی کردن مجازات زندان در مرحله دادرسی نیز بر این فرض استوار است که قاضی دادگاه با اختیارات قانونی موجود بتواند به ارزیابی شخصیت بزهکار پردازند و درجه محرومیت و فساد اخلاقی او را مورد سنجش قرار دهد و زندان را متناسب با شخصیت مجرم تعیین نماید.<sup>1</sup>

متأسفانه، قضات محاکم در عمل از چنین تأسیساتی کمتر استفاده می‌کنند و بعضاً مشاهده می‌شود که در تعارض صریح با سیاستهای کلان قضایی که حبس محوری صرف را نقد و حبس زدایی خرد گرایانه را تشویق و توصیه می‌نماید، حکم به مجازات زندان می‌دهند و بدون ارزیابی روان شناختی از شخصیت اجتماعی و فردی بزهکار، آنان را روانه زندان می‌کنند. اکثر قضات دادگاهها از جو حاکم بر زندانها بی اطلاع بوده و همین موضوع امر را بر آنها مشتبه گردانیده و سبب شده است به بزعم خودشان به منظور تنبیه متهمان و مجرمان حتی به مدت یک شب- آنها را با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان سازد و این امر در حالی صورت گرفته است که براساس موازین قانونی امکان معرفی نکردن بزهکار به زندان نیز وجود داشته است. از طرفی، معضل مهمی که وجود دارد، بسیاری از قضات فعلی با اندیشه ها، سیاستها و رهنمودهای کلان قضایی که توسط سردمداران و زعمای وقت قوه قضائیه مورد تأکید و تصریح قرار گرفته و سیاست زندان زدایی خرد گرایانه و عالمانه را توصیه می‌نماید، یا بیگانه اند یا اینکه الزامی را در خصوص تبعیت یا پیروی

---

<sup>1</sup> fletcher.g..basic concepts of criminal law.oxford press.1990p.76.

از این فرامین در خود احساس نمی کنند و نتیجه آنکه، نوعی تعارض پنهان یا آشکار بین سیاستهای کلان قضایی و تصمیم گیری های خاص محاکم قضایی ملاحظه می شود.<sup>۱</sup>

مطالعات بعمل آمده حاکی است که قضات جوان و تحصیلکرده در مدارج تخصصی، برخلاف قضات کلاسیک و سنتی، کمتر تمایلی به استفاده از ابزار زندان دارند و حتی المقدور از سایر نهادهای جایگزین یا تأسیسات حقوقی دیگر در احکام خودپیش بینی می کنند. البته اینکه قاضی بتواند نقش مطلوبی را به اجرا درآورد، ارتباط زیادی به میزان اختیاراتی دارد که در مرحله فردی کردن تقنینی از طرف قانونگذار کیفری به او واگذار می شود. بدیهی است هرچه دامنه این اختیارات وسیع تر و شرایط بکارگیری و اعمال آنها شفاف تر باشد، قاضی نیز در تعیین نوع و میزان مجازات زندان یا سایر مجازاتها از آزادی عمل بیشتری برخوردار خواهد بود.<sup>۲</sup>

لذا سیاست فردی کردن مجازات زندان و سایر کیفرها در مرحله دادرسی، بر این فرض مبتنی است که قاضی دادگاه با اختیارات قانونی که دارد بتواند به ارزیابی شخصیت بزهکار پرداخته و درجه مجرمیت و فساد اخلاقی او را مورد سنجش قرار دهد و زندان را متناسب با شخصیت مجرم تعیین نماید. این اختیارات با ایجاد تأسیسات جدیدی نظیر تعلیق مجازات افزایش یافته است.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، بدیهی می نماید با توجه به مبانی و اهداف مجازات در شرع مقدس اسلام و نیز ویژگی های قضایی اسلامی، اعطای اختیارات موسع به قضات در تعزیرات، که عمده ترین عناوین مجرمانه را به خود اختصاص می دهد، از قویترین پشتوانه های فردی کردن مجازات زندان به حساب آید و در هر مورد خاص، با توجه به اثرات منفی اجرای این کیفر(زندان)، بر بعضی از محکومان، این تکلیف همچنان برعهده قاضی باشد که ضمن ارزیابی روان شناختی و جامعه شناختی از شخصیت فردی و اجتماعی هر یک از بزهکاران، حسب مورد در جهت تعلیق، تبدیل یا تخفیف اجرای مجازات زندان، اقدام نماید. اما در عمل وضعیت به گونه دیگری رقم می خورد و محاکم قضایی نیز با مفاهیم نوین کیفرشناسانه، جرم شناختی و جامعه شناختی کیفری

---

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب، ۱۳۸۵، پیشین، ص ۲۲ و ۲۰.

<sup>۲</sup> همان، ص ۲۳.

<sup>۳</sup> Williams.k.s.criminology.black stone.press limited,1997.p.139.

که ترویج سیاست قضاودایی و کیفرزدایی را در مراحل تعقیب، تحقیق و دادرسی مورد حمایت و توصیه جدی قرار می دهد، بسی بیگانه، ناآشنا و مهجور نشان می دهند.

## ۱۰- ضعف در مکانیسم های اجرایی

مرحله اجرای حکم، از حساس ترین و در عین حال فنی ترین مراحل دادرسی تلقی می شود و در این مرحله است که ثمره نهایی فرایند دادرسی به بار می نشیند و لذا وقوع هر نوع لغزشی در این مرحله، می تواند لطمات بزرگ و جبران ناپذیری را بر پیکره نظام عدالت کیفری وارد سازد. شاید به لحاظ همین حساسیتها باشد، که اندیشه شرکت دادن قضات دادگستری و متخصصان علوم کیفری را در مرحله اجرای احکام کیفری، بعد از جنگ جهانی دوم توسط علمای حقوق جزا و جرم شناسی مطرح ساخته است و این اندیشه به عنوان یک دغدغه جدی نظامهای عدالت کیفری در سال ۱۹۳۷ در چهارمین کنگره بی المللی حقوق جزا که در پاریس تشکیل گردید، مورد مذاکره قرار گرفته و قدرنامه‌ی در این خصوص صادر گردید<sup>۱</sup> و بسیاری از کشورها نظیر فرانسه به تبعیت از این رهنمودها، به منظور تأمین اجرای اصل فردی کردن رفتارها و واکنشی که باید نسبت به محکومین معمول داشت، در تدوین قوانین خویش، ایجاد مسئولیت اجرای مجازاتها و واگذاری آن به یک قاضی با تجربه و متخصص (نشسته) را ضروری دانسته و هدف این بود که توجه قاضی به مرحله پس از محکومیت - یعنی فرآیند اجرای حکم - نیز معطوف گردد و بتواند با شناخت شخصیت بزهکار و تصمیم گیری در خصوص نحوه برخورد مناسب با آنها، بهترین شیوه ممکن را برای اصلاح و بازپرور بزهکار برگزیند<sup>۲</sup>.

در گذشته در قوانین دادرسی ایران و حتی کشورهای نظیر فرانسه، اگر چه سمتی تحت عنوان قاضی اجرای احکام در مراجع قضایی وجود دارد. مع الوصف، چنین بنظر می رسد که نقش قاضی مزبور صرفاً جنبه اداری داشته و عمده تکالیف خود را تحت نظارت دادگاه صادرکننده حکم انجام می دهد<sup>۳</sup>. تهیه کنندگان قانون جدید مجازات اسلامی نیز در موارد متعددی به قاضی این اختیار را داده اند که درباره جرایم تعزیری سبک

<sup>۱</sup> صلاحی، جاوید؛ ۱۳۵۴، نقش قاضی در اجرای مجازاتها، مجله کانون وکلا، سال ۲۷، شماره ۱۳۱، ص ۲۹.

<sup>۲</sup> صلاحی، جاوید؛ ۱۳۵۴، کیفر شناسی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ص ۳۸.

<sup>۳</sup> بولک، برنارد؛ ۱۳۷۲، کیفر شناسی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر مجد، ص ۱۱۴.

حکم به تخفیف یا معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی، مجازات های جایگزین حبس و ... بدهد. البته نفس پیش بینی چنین نهادهایی برای کاهش جمعیت کیفری، مثبت تلقی می شود زیرا برگرفته از مطالعات جرم شناسی نوین است و موجب بازگشت بزهکار به جامعه، متناسب سازی مجازات با شخصیت مجرم و اصلاح ساختار رفتاری افراد جامعه می شود. اما درباره سیاست حبس زدایی که مدنظر قانونگذار و دستگاه قضایی کشور است با وجود مثبت بودن، نباید در استفاده از آن زیاده روی کرد. به نظر می رسد رفت بیش از حد قانونگذار در باز گذاشتن دست قاضی برای سبک تر کردن مجازات ها ممکن است بعد از گذشت مدتی از اجرای قانون جدید مجازات، مجرمان جرایم سبک را در ارتکاب جرم جری تر کند زیرا در موارد بسیاری مجرمان از مجازات حبس رهایی پیدا می کنند. بنابراین به نظر می رسد با وجود پیش بینی نهادهای نوین و منطبق با مطالعات جرم شناسی، بی ضابطه بودن نحوه اعمال مجازات های جایگزین حبس یا موکول کردن آن به تصویب آیین نامه ممکن است عواقب خطرناکی از جمله افزایش جرایم سبک داشته باشد. بنابراین بهتر است قانونگذار اختیار قاضی را در سبک کردن مجازات ضابطه مندتر کند تا حد تعادلی بین قانون سابق و قانون جدید ایجاد شود تا نه مانند قانون سابق برای هر جرم کوچکی مجرم روانه زندان شود و نه مانند قانون جدید به سختی مجرمان راهی زندان شوند.<sup>۱</sup> در واقع بهتر است قانونگذار ضابطه های نوعی و شخصی را به طور دقیق تر مشخص کند و در صورت وجود شرایط قانونی، قاضی مکلف به اعمال موارد تخفیف، تعلیق، تعویق، معافیت یا اعمال مجازات های جایگزین حبس شود. این موارد نیز نباید به اندازه ای گسترده باشد تا اثر اربعایی مجازات را از بین ببرد و موجب اشاعه جرم در جامعه شود.

بدین لحاظ در ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ آمده است: «اجرای حکم در هر حال با دادگاه بدوی صادرکننده حکم یا قائم مقام آن به شرح مواد آتی می باشد.» ماده ۲۸۳ همین قانون نیز مقرر می دارد: «عملیات اجرای حکم پس از صدور دستور دادگاه شروع و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر در مواردی که دادگاه صادر کننده حکم در حدود مقررات، دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید.»

<sup>۱</sup> اسعدی نژاد، احمد رضا، ۱۳۹۲، رویکرد حبس زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، روزنامه اعتماد، شماره ۲۷۵۷، ص ۸.

در همین راستا، ماده ۲۹۴ قانون فوق الاشعار تصریح می دارد: «اشخاصی که محکوم به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی می شوند.»

براساس ماده ۲۹۵ قانون مزبور نیز: «مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود.»

ماده یک آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۳۲ نیز، سازمان زندانها را به عنوان سازمانی مستقل که بطور مستقیم زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می کند و متصدی اصلی زندانبانی در کشور است، معرفی می نماید.

ماده ۳ آیین نامه اجرایی فوق الاشعار نیز در تعریف زندان اشعار می دارد:

«زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام های صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دایم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می شوند.»

براساس ماده ۴ آیین نامه اجرایی مزبور:

«بازداشتگاه محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامهای صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می شوند. و سرانجام تبصره ماده ۷ آیین نامه اجرایی مقرر می دارد: «سازمان می تواند برنامه های حرفه آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید.» بررسی موشکافانه و دقیق مواد فوق الاشعار، نتایج و ملاحظات چندی را به ذهن متبادر می سازد:

اول اینکه، برخلاف آنچه در ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و اجرای مجازات را در هر حال با دادگاه بدوی صادرکننده حکم دانسته است، در عمل نقش دادگاه بدوی در اجرای مجازات زندان جنبه ای کاملاً تشریفاتی و اداری داشته و با معرفی محکوم علیه به زندان - حسب ماده ۲۹۴ همان قانون رسالت دادگاه صادرکننده حکم را باید اتمام یافته تلقی نمود زیرا ماده یک آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، این سازمان را به عنوان متولی اصلی امر زندانبانی برشمرده است.



دوم اینکه، نگرشی منطقی به مفاد ماده ۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها که به تعریف زندان و اهداف منتسب به آن می پردازد، نشان می دهد که علی الظاهر سازمان زندانها در مقام متصدی اصلی امر زندانبانی، اهداف ویژه ای را شامل حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی محکومان از اجرای مجازات زندان دنبال می نماید و اثری از اهداف تریبی، تریلی و ارعابی ملاحظه نمی گردد.

سوم اینکه، در کنار زندان که با اهداف ویژه ای نیز تأسیس یافته است، در ماده ۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، بحث بازداشتگاه به عنوان محل نگهداری متهمان مطرح گردیده است و جالب اینکه در تبصره ماده ۷ آیین نامه آمده است که اجرای برنامه های اصلاحی و بازپرورانه برای متهمان نیز خالی از اشکال می باشد.

از مقایسه و تصویب مفاد آیین نامه اجرایی لاحق سازمان زندانها با آیین نامه های سابق نتایج چندی تحصیل می گردد: بی تردید نوع نگاه و نگرش خاص قانونگذار جدید به مقوله زندان و زندانی، تحت تأثیر آموزه ها و سیاستهای کلان قضایی و در پرتو تدابیر و برنامه های نوین کیفرشناسانه، امری بدیع و قابل تحسین می نماید و تصور اولیه برآنست که سیاست کیفری منعکس در آیین نامه مورد نظر، نه بعنوان یک سیاست ارعابی، کیفرمحور یا سرکوبگر صرف، بلکه گاهی مهم در راستای تعدیل مجازات زندان، حفظ حرمت و کرامت انسانی و توجه به حقوق و آزادیهای فردی زندانیان محسوب می شود<sup>۱</sup>.

با این حال، از ملاحظه مفاد آیین نامه اجرایی فوق، دغدغه ها و دل نگرانیهای مشروعی نیز برمی خیزد که ذهن هر کاوشگر آگاه و بی طرفی را مشوش می سازد. پرسش اول اینست که آیا سازمان زندانها واجد سازوکارها، منابع و امکانات لازم در جهت اصلاح و بازپروری محکومان می باشد؟ دوم اینکه، سازمان زندانها به عنوان مجری اصلی مجازات زندان در تقابل با سیاست کیفر محور و حبس گرایانه تقنینی و سیاست دوگانه قضایی مبتنی بر تساهل یا تشدید چگونه برخورد می کند؟ سوم اینکه، اجرای برنامه های اصلاحی و تربیتی برای متهمان که در تبصره ماده ۷ آیین نامه آمده است حاصل چه پیامی است؟ آیا اصولاً تدبیر و بکارگیری چنین اقداماتی برای متهمینی که بزهکاری آنها به اثبات نرسیده و خطرناک بودن آنها محرز نشده است، توجیه پذیر است؟ سازمان زندانها چه تضمینی برای اصلاح و بازپروری محکومان و جلوگیری از تکرار جرم آنان پس از آزادی از زندان قائل است؟

---

<sup>۱</sup> میلیکی، ایوب؛ ۱۳۸۴، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، اصلاح و تربیت، سال ۴، شماره ۴۷، ص ۲۸.

در پاسخ به این سؤالات، آن چه بدیهی می نماید اینکه اصلاح و بازنگری در آیین نامه ها و شیوه های زندانبانی گذشته با هدف تطبیق و هماهنگ سازی با سیاست جنایی حاکم بر نظام عدالت کیفری، امری شایسته و قابل ملاحظه می باشد؛ با این حال، زمانی می توان به آینده چنین تدابیری خوشبین و امیدوار ماند، که ضمانت اجرایی و ساز و کار لازم برای تحقق اهداف و آرمانهای مستتر و مضبوط در آن به روشنی و شفافیت با نظارت مستقیم ناظران امر مهیا گردد.

به رغم تمامی ملاحظات فوق، سیاست جنایی اجرای مجازات زندان، به فراخور تغییر نگرش و تحول مدیریت زندانبانی کشور و همزمان با تعمیم و توسعه آموزش کارکنان، نوعی نگاه متفاوت با سیاست کیفری در اجرای مجازات زندان به وجود آمده است. زندان که در مقررات جزایی جنبه ارعابی و سزادهی دارد، در عمل با نیت و قصد اصلاح، اعطای مرخصی، آزادی مشروط، ملاقات شرعی و اعمال شیوه های جدید زندانبانی بویژه استفاده از نظام های نیمه آزادی و جایگزین های اجتماعی مواجه می گردد و لذا خصیصه ارعابی و سزادهی خود را از دست می دهد و در تعارضی آشکار با سیاست تقنینی مبتنی بر مجازات و تنبیه قرار می گیرد.

صرفنظر از ایراد فوق، زندان به لحاظ مشکلات و نارسایی های متعدد اجرایی از جمله فقدان امکانات فیزیکی کافی، فقدان بودجه لازم، عدم استفاده از روشهای علمی نوین و فقدان بهره مندی از تجربیات متخصصین لازم در ابعاد فیزیکی، روان درمانی، روان پزشکی و روان کاوی، هرگز نمی تواند مدعی اصلاح و جامعه پذیری مجدد محکومان باشد و لذا بر خلاف مفاد آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، به جای اصلاح و درمان محکومان، زندان صرفاً محل نگهداری موقت است که به محض اجرا، بزهکار را با حجمه عظیمی از اثرات منفی روحی، روانی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی رها ساخته و هیچ تضمین یا تدبیری را در جهت مراقبت بعد از خروج زندانی و نگرش حمایتی با هدف جلوگیری از تکرار جرم ارائه نمی دهد و صرفاً به مثابه دانشگاه جرم آموزی عمل می نماید و از بزهکاران کم تجربه و اتفاقی، مجرمانی حرفه ای و سازمان یافته را تحویل جامعه می دهد.

ناکارآمدی زندان در انجام رسالت پیشگیرانه، اصلاحی و بازپرورانه، موجبات تحریک پذیری و نظم گریزی بزهکاران مستعد و بعادت را در تقابل با محرکهای مجرمانه بیرونی فراهم آورده و در نتیجه با ارتکاب جرم توسط ایشان، بار دیگر شاهد حضور آنان در زندان و تورم جمعیت کیفری خواهیم بود. بعلاوه اینکه، بخش

عمده ای از سرمایه های مادی و انسانی زندان، مصروف انجام خدمات برای آندسته از افرادی می گردد که بزهکار نبوده، بلکه به دلیل صدور قرار بازداشت موقت یا اعمال حبس بدل از جریمه نقدی و یا بواسطه ارتکاب جرایم غیرعمدی و مدیونیت های مالی به چنگال بی عدالتی نظام عدالت کیفری گرفتار آمده اند و مشخص نیست نظام زندانبانی چه الزامی به نگهداری و حبس چنین اشخاصی دارد؟ اینچنین است که شمار چشمگیری از زندانیان، همواره تکرار کنندگان جرم اند که این امر فی نفسه عامل مهمی در ازدیاد حجم جمعیت کیفری هر کشور است. براساس آمار رسمی موجود در ایران، ۳۰ درصد از زندانبان را افراد سابقه دار و تکرارکنندگان جرم تشکیل می دهند که البته بنظر می رسد آمار واقعی از مرز ۴۰ درصد نیز فراتر رود. تحقیقی که در آمریکا بعمل آمده نشان می دهد که ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت زندانبان را ناقضین مقررات آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی که مرتکب جرایم جدیدی می شوند، تشکیل می دهند. بنابراین، ضعف در سیستم اجرایی مجازات زندان منجر به تکرار جرم و افزایش نرخ جمعیت کیفری خواهد شد.

## ۱۷-۲- معایب مجازات زندان

در هزاره سوم، سیاست کیفری با بحران در رابطه با زندان ها و تورم کیفری روبرو شده است.

### ۱-۱۷-۲- هزینه های مادی فراوان زندان

زندان از بعد اقتصادی فرآیندی بسیار هزینه بر و زیان ده است. از سویی هزینه نگهداری زندانبان سر به آسمان می ساید و از طرف دیگر زندانبان که عمدتاً "از جمله افراد سالم و جوان جامعه هستند از فرآیند های اقتصادی حذف می شوند. آمار نشان می دهد در کشورمان ۶،۸۵٪ زندانبان بین ۱۹ تا ۶۱ سال سن دارند که دوره کار و فعالیت است. با ورود هر نفر به زندان هزینه های فراوانی به دولت تحمیل می گردد که عبارتند از: (هزینه های مربوط به تغذیه زندانی، هزینه های بهداشتی و درمانی، ساخت و تعمیر و نگهداری زندانبانها، هزینه های مصرف آب، برق، تلفن، ملزومات اداری، هزینه های مربوط به ماشین آلات، هزینه های حمایتی از خانواده زندانبان و علاوه بر این از بعد اقتصاد ملی، هر زندانی نیروی کاری است که از تولید و فعالیت ساقط گردیده است. و اعضاء خانواده او، از جمله کودکان و زنان به مشاغل کاذب و غیر مولد روی آورده اند. در این شرایط زندان بار اقتصادی بسیار زیادی بر یک کشور تحمیل می کند. مسأله پیچیده تر به یک پارادوکس

عمیق راجع به زندان مربوط می شود. به عبارتی لزوم حفظ حقوق زندانیان و آموزه های حقوق بشری بر هزینه های نگهداری زندانیان افزوده است. به علاوه لزوم پیشگیری از فشارهای خشونت آمیز زندانیان از جمله گروگانگیری و اعتصابات هم ارتقای استانداردهای زندگی در محبس را بایسته کرده است. "این موضوع منجر به این نتیجه شگفت انگیز شده که محکومان از نظر رفاه، دارای سطحی از زندگی شده اند که غالباً از سطح زندگی قربانیان بحران اقتصادی بالاتر است." موضوع از این هم فراتر است و حتی زندانیان وضعی مرفه تر از خانواده بی گناه خود و حتی بزه دیده که به واسطه اقدام مجرمانه او و یا بدهی پرداخت نشده اش به خاک سیاه نشسته، دارند<sup>۱</sup>. سازوکارهای امنیتی برای جلوگیری از فرار تبهکاران از زندان یا هنگام انتقال به دادگاه یا زندانهای دیگر، ممانعت از ورود مواد مخدر، اشیاء ممنوعه و نیز هزینه های سرسام آور برای پیشگیری از شیوع بیماریهای واگیردار همچون ایدز، سل و هپاتیت از دیگر مسائلی است که زندانها را در خود غرق نموده است.

## ۲-۱۷-۲- زندان و سیاست فرمانبرداری اختیاری

برخی نویسندگان این نقد را هم به زندان وارد می کنند که حاصل و دستاورد سیاست انضباطی و انضباطی لیبرالیزم می باشد که جایگزین نظام تنبیهی شده است. اما در واقع هدف آن تسخیر روح افراد جامعه به نفع آموزه های لیبرالیستی و قانون جاری در جامعه است. میشل فوکو معتقد است که با منسوخ شدن اشکال خشن قدرت، فناوری ظریف انقیاد جایگزین آن گردید.

در این میان "زندان" سلول کوچکی از اعمال قدرت و محصول هرم انضباطی است. فرمانبرداری ذهن و روح حاصل انقیاد است که بیشتر با زور به دست می آید<sup>۲</sup>. البته سیاست انضباطی در غرب در آغاز به زندانها منحصر نبود و مدارس، بیمارستانها، کارگاهها و کارخانهها را هم در برداشت که به تدریج در آنها تعدیل، اما در زندان باقی ماند.

<sup>۱</sup> جیم، توماس؛ شارون، بویلفیلد، ۱۳۸۰، الغا گرایان، ترجمه محمد رضا گودرزی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۷.

<sup>۲</sup> نوربها، رضا، ۱۳۷۵، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری.

### ۳-۱۷-۲- زندان ؛ مدرسه جرم

عبدالقادر عوده ، حقوقدان مشهور عرب معتقد است: " اگر مجازات حبس به اصلاح تربیت زندانیان بیانجامد ؛ می توان خسارت های مادی آن را تحمل نمود. اما در واقع حبس ، شخص عادی را به فاسد تبدیل می کند و بر فساد فاسد می افزاید؛ چه آن که در زندان مجرمان عادی و حرفه ای و متخصص باهم به سر می برند؛ چنانکه کسانی که اساساً " مجرم نیستند؛ ولی به حکم قانون مجرم شناخته شده اند نیز در کنار آنان هستند؛ اجتماع اینان می تواند نتایج زیانباری را به دنبال داشته باشد. ارتکاب جرم برای آنها که به زندان افتاده اند شیرین جلوه می کند و به آن مباحثات می نمایند. لذا زندان، مدرسه جرم و آموزش روشهای مختلف ارتکاب آن است."

این نظریه را "ژرژ پیکا" قاضی برجسته دیوانعالی کشور فرانسه و دبیر کل جامعه بین المللی جرم شناسی نیز تأیید می کند و می گوید: حبس در خصوص بزهکاران نه تنها هیچ مسأله ای را حل نکرده است بلکه تعداد زیادی تکرار کننده جرم به وجود می آورد!

در عمل و در عرف جامعه نیز این که زندان مدرسه و دانشگاهی برای آموختن جرایم سنگین تر و پیچیده تر و نیز تشکیل باندهای مخوف و طرح نقشه برای تبه کاری های سازمان یافته شود امری مسلم و بدیهی است.

---

<sup>1</sup> فوکو، میشل، ۱۳۷۸، مراقبت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران، نشر نی، چ ۲.

#### ۴-۱۷-۲- آثار منفی زندان بر پذیرش اجتماعی زندانیان و خانواده آنها

وقتی خانواده ای سرپرست خود را از دست می دهد، بطور محسوس یا نا محسوس در جامعه مورد تحقیر قرار می گیرد. این فشارها و نابسامانیها اکثرا باعث بروز طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها می شود. اعضای این خانواده ها به دلیل فقر و نبود سرپرست، اغلب به جرم روی می آورند و بدین ترتیب روز بروز به تعداد مجرمین جامعه افزوده می گردد. از طرفی خود زندانی پس از آزادی نیازمند کسب درآمد است اما حرفه خود را از دست داده و جامعه نیز کار جدیدی برای او فراهم نمی کند و اغلب تنها راه، رویکردی دوباره به خلافکاری است. یعنی عملا جامعه و قوانین حقوقی او را از جایگاه اجتماعی بازداشته و به کجروی او کمک می نماید زیرا فرد پس از آزادی علاوه بر اینکه به لحاظ عرفی و اجتماعی از فعالیت مجدد کاری طرد می شود، قوانین اداری نیز برای استخدام وی محدودیت قائل می شوند.<sup>۱</sup>

#### ۵-۱۷-۲- زوال حس مسئولیت

زندانی، مدت طولانی بدون کار و تلاش در زندان به سر می برد و دولت به او غذا و پوشاک و دارو می دهد. این مسأله روحیه بیکار زیستی را در فرد تقویت می کند. بخشی از کسانی که بلافاصله پس از آزادی مرتکب جرم می شوند به دلیل بازگشت به همین وضعیت است.<sup>۲</sup> در روان شناسی اجتماعی نیز به این امر توجه شده است که انسان ها پس از عادت کردن به یک نوع و شیوه از زندگی، تمایل دارند بقیه حیات و زندگی خود را در قالب همان نوع از زندگی بگذرانند و اساسا " ترک عادت برای نوع بشر سخت است". بنابراین محیط و فضای زندان با نظم خاص خودش، انسان را از هویت اصلی خود جدا و به شکل یک ماشینی بی مسئولیت در می آورد

---

<sup>۱</sup> کمالی، محمد جلال؛ کشکر، داود؛ حیدرلو، الیاس، ۱۳۹۳، تاثیر حبس و جایگزین آن، اداره کل زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان تهران، <http://www.tehranprisons.ir>.

<sup>۲</sup> لوی برول، هانری و دیگران، ۱۳۷۱، حقوق جامعه شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی، نشر روش.

## 2-6-17- نابودی هویت

زندان هویت محکوم را از میان می برد و بویژه در زندان های بلند مدت ، آن چنان اختلالی در شخصیت او به وجود می آورد که نتیجه آن پیروی کورکورانه و محض و یا حالت تهاجمی است که به شکل شورش در زندان ، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می شود.

در زندان شغل ، تحصیلات و پیشینه خانوادگی که معمولاً "موجبات تشخیص افراد و مایه مباهات آنهاست رنگ می بازد و فرد جز شماره ای از اندرزگاه و بند خود چیزی برای تفارق از سایرین ندارد<sup>۱</sup>.

## 7-17-2- اختلالات روانی

زندانیان در بروز بیماری های روانی نقش غیر قابل انکاری دارند. بیانیه ابن جان درباره جایگزین های مجازات زندان تأکید می کند که زندانیان اماکنی افسرده کننده اند و نه تنها برای زندانیان بلکه برای کسانی که در آن کار می کنند نیز زیانبار هستند. آمارهای رسمی حاکی از گستردگی اختلالات روانی بین زندانیان است. در ایران طبق اعلام سازمان زندانیان، زندانیان ۳،۵ برابر افراد عادی با اختلال روانی مواجه می شوند. علاوه بر اختلالات عادی بسیاری از مسائل روانی ویژه زندانیان است که لیستی از سندرمها و بیماری ها در این مورد در کتب روان شناسی موجود است<sup>۲</sup>.

## 8-17-2- تحمل بار بدنامی

برای بسیاری از افراد بویژه آنها که قابل اصلاح بوده و می توانستند با اجتماع سازگار شوند اما به زندان افتادند ، پیامدهای محکومیت مجازاتی مضاعف محسوب می شود. موقعیت و شغل از دست رفته ، بی اعتباری و شرم به همان اندازه که در کیفر تأثیر می گذارد برای افراد آبرومند سخت و طاقت فرسا و چه بسا از آن هم مشکل تر باشد. تحمل بار بدنامی برای زندانی و زندگی زیر نگاه سنگین دیگران تا مدتها فرد را از بازگشت

---

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> طاهری جبلی، محسن، نگاهی دیگر به اصول تشدید کیفر در قانون مجازات اسلامی.

به زندگی طبیعی باز خواهد داشت و چه بسا او را مجدداً<sup>۱</sup> به سوی اجتماعی سوق دهد که همانند وی روزگار را پشت میله های زندان گذرانده اند.

## ۹-۱۷-۲- نتیجه حبس گرایي ؛ عدم تکافوی فضا و امکانات زندانها

در بندهای پیشین تصریح شد که در زندان امکان اصلاح به دلایل گوناگون بسیار سخت است. اما مسأله کمی عمیق تر است. زندانها در سایه بی توجهی به موضوع مهم زندان زدایی به حد انفجار رسیده اند.

این تراکم موجب مسائل و معضلات فراوانی شده است:

-عدم امکان طبقه بندی صحیح

-نبود امکان مراقبت

-کاهش سرانه بهداشت، رفاه و تغذیه

-کاهش امکان مراقبت های فیزیکی

-عدم امکان به کارگیری روشهای علمی<sup>۱</sup>

این مسائل در چندین پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. در یک تحقیق جامع که سال ۸۱ به پایان رسید تصریح گردید که کثرت جمعیت زندانیان در زندان ها و عدم تناسب تعداد کارکنان و امکانات زندانها با زندانیان موجود، کمبود شدید فضاهای اختصاص یافته برای امور مختلف زندانیان از قبیل اسکان، بهداشت، درمان و آموزش و فاصله آن با استاندارد های سازمان زندانها، از جمله مهم ترین مشکلات زندانیان است.<sup>۲</sup> این مسأله به تعبیر دیگری در پژوهشی جدیدتر که آذر ۱۳۸۲ صورت گرفته هم منعکس شده است. در جریان این طرح که تبیین و تشریح موانع و مشکلات اساسی زندان های کشور در تحقق بخشیدن به اهداف اصلاحی و تربیتی در گذشته و حال از جمله اهداف آن ذکر شده است پس از ۴ ماه تحقیق چنین نتیجه گیری می شود که غیراستاندارد بودن فضاها، تراکم جمعیت زندان ها و فقدان فضای لازم برای بسیاری از برنامه های فرهنگی، آموزشی و خدمات روان شناختی می تواند از عوامل ناکارآمدی زندانها در اصلاح و باز پروری مجرمین باشد.

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، چ ۱.

<sup>۲</sup> ریاحی، جواد، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان.



در همین راستا یک مسئول در سازمان زندانها هشدار می دهد که اگر سرانه ۰۲۰ اریالی بهداشت و درمان برای هر زندانی افزایش نیابد ارتقای سلامت زندانیان با چالش های عمده ای روبه رو خواهد شد. رئیس سازمان زندانها هم می گوید: " در آبادان یک زندان داریم که ۷۰ نفر ظرفیت دارد اما ۵۰۰ نفر جمعیت دارد؛ طبیعی است در آن جا طبقه بندی خیلی دشوار می شود و دقیق نیست<sup>۱</sup>."

به این ترتیب باید راهی جدی برای کاهش صدور مجازات حبس پیش بینی شود، تا برای زندانیانی که راهی جز حبس آنها وجود ندارد امکان اصلاح فراهم آید.

## ۱۸-۲- رویکرد اصلاحی به منظور حبس زدایی

چنانچه گفته شد امروز دنیای مدرن به انقلابی دسته جمعی بر علیه زندان زدایی و افزایش جمعیت کیفری دست زده است. ابتدا اصلاح زندان گرایی در جهان و سپس کشورمان را بررسی خواهیم کرد. اما این توضیح مهم را نباید از نظر دور داشت که اصلاح سامانه زندان در کشور ما و غرب دارای تفاوت های اساسی است. اصلاح زندانها در کشورمان اگر چه با اتکا به دستاوردهای علوم جدید تحقیقات مدرن و آمار صورت می گیرد اما بر پایه آموزه های اسلامی است. بنابراین اجرای آن بی هیچ محدودیتی اعمال می گردد. چرا که معتقدیم دستورات دین قطعا<sup>۲</sup> با اجرای صحیح به راه درست رهنمونمان خواهد بود. اما در غرب اصلاح زندان بسیار بطئی و همراه با مقاومت های زیاد است. در فرانسه زندان زدایی نیم قرن سابقه دارد اما هنوز ۳۱۱ جرم مجازات زندان دارد.

### ۱-۱۸-۲- جایگزین زندان در جهان

در خصوص سابقه جانشین های حبس اظهار نظرهای متفاوتی وجود دارد. این اختلاف نظرها ناشی از آن است که برخی آغازگر جایگزین های حبس را کسانی می دانند که مشخصا<sup>۳</sup> این واژه را به کار برده و آن را صورتی تئوریک و علمی داده اند و بعضی دیگر اولین بارقه های شک و تردید در حبس را آغاز تاریخ جایگزینی حبس می دانند<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> آنسل، مارک، ۱۳۷۰، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.

## ۲-۱۸-۲- جایگزینی، همزاد با آغاز حبس گرایی

در یک نگاه ژرف می توان تاریخ اصلاح در زندان زدائی را به سالهائی که این مجازات به عنوان کیفر اصلی در اروپا و سپس سراسر جهان بسط یافت مربوط ساخت. حقوقدانان و فیلسوفان از این که پس از انقلاب فرانسه زندان به گفتمان سیاست کیفری مبدل شد متعجب شدند. زیرا حبس مجازاتی نبود که در سلسله مراتب مجازات ها بلافاصله پس از تعذیب قرار گیرد تا به بهانه حفظ حقوق انسانها جایگزین آن شود.

هم چنین زندان، کیفری معمولی و متداول نبود که بتواند جای خالی تعذیب را پر کند. اما قانون جزای ۱۸۱۰ ناپلئون به رغم تصور برخی حقوقدانان که منتظر بودند زندان هم به همراه سایر شکنجه ها از لیست کیفرها پاک شود سلسله مراتبی مملو از زندان را ارائه کرد. برخی نیز تحت تأثیر سیاهچاله های قدیم و از بیم رواج دوباره شکنجه های بدنی، زندان را ترویج نمودند. منتسکیو و ولتر از آن جمله بودند.<sup>۱</sup>

## ۳-۱۸-۲- اثباتیون و تأثیر بر حبس گرایی

وقتی حامیان مکتب اثباتی آزادی اراده مجرم را در ارتکاب جرم مورد تردید قرار دادند، این اندیشه که مجازات باید بر مبنای حالت خطرناک مجرم و مسئولیت اجتماعی اوتعیین شود به زندان زدایی در ساحت تئوری کمک کرد. آنها با پیشنهاد "اقدام تأمینی" به جای مجازات، حبس به عنوان کیفر را به باد انتقاد گرفتند. اما در عمل توفیق زیادی حاصل نشد. اما این گروهها به نوبه خود تأثیر زیادی بر ایجاد نهادهایی چون تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط در فرانسه و بلژیک داشتند.<sup>۲</sup> این نهادها در اواخر قرن ۱۹ از مهم ترین دستاورهای تحول علم حقوق محسوب می شدند.

<sup>۱</sup> بکاریا، سزار، ۱۳۸۰، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان.

<sup>۲</sup> Bouloc (Bernard), penology, précis DALLOZ, ۱۹۹۱, pp. ۸۱-۱۰۳

#### ۴-۱۸-۲-مارک آنسل و زندان زدایی

مارک آنسل، پایه گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین معتقد بود "سلب آزادی از محکومان رفته رفته خاصیت تهریبی خود را از دست داده است و زندان دیگر در عمل آن چه را که مدعی آن است یعنی به منظور آن ایجاد شده است، ارائه نمی دهد. یعنی نه تنها ندامت مجرم را در بر ندارد، بلکه در عمل به یک مدرسه تکرار جرم تبدیل شده است." وی در عین حال توصیه می کرد: "تردیدی نیست که در حال حاضر نمی توان با وضع یک ماده قانونی و با یک اشاره قلم، همانگونه که در مورد اجرای مجازات اعدام [درفرانسه] عمل شد، مجازات زندان را نیز ملغی کرد؛ اما می توان آن را از حالت یک ضمانت اجرای عادی و یکنواخت خارج کرده و به صورت مجازاتی استثنایی که تنها در شدیدترین و محدودترین جرایم قابل اجراست درآورد."

#### ۵-۱۸-۲-پست مدرنیسم و زندان زدایی

پست مدرنیسم در غرب، انتقادهای و چالش های اساسی فراروی تفکر مدرنیته و زندگی مدرن، قرارداد و بسیاری از نهادهای دوران مدرن را به نقادی کشید و در این میان "زندان" نیز مورد اعتراض و انتقاد شدید پست مدرن ها بود.

از سال ۱۹۶۰ که جنبش های پست مدرنیسم در اروپا رشد کردند و در طول نزدیک به نیم قرن، بسیاری از ساختارهای زیربنایی دنیای مدرن را به چالش کشیدند، غرب تلاش کرده است در برخی از این نهادها بازنگری کند و بازنگری در زندان و جست و جو برای یافتن راه های جایگزین زندان در غرب یکی از این اقدامات بوده است.<sup>۱</sup>

#### ۶-۱۸-۲-حبس زدائی به مثابه یک سیاست کیفری

حبس زدائی یا به انگلیسی Decarceration و در فرانسه نیز با همین املا به مثابه یک عنوان علمی اولین بار توسط راتمن به کار برده شد و سپس اسکال در کتابی با همین عنوان، آن را چنین تعریف نمود: "اصطلاحی اختصاری در مورد سیاست دولتی تعطیل تیمارستان ها، زندان ها و دارالتأدیب هاست که بر اساس

<sup>۱</sup> بولک، ۱۳۷۳، کیفر شناسی، مترجم: نجفی ابرند آبادی، تهران، مجد.

آن مجانین، مجرمین و منحرفین، آزاد گردیده و یا از پذیرش آنان در مخروبه هایی این چنین که به طور سنتی اداره می شود خودداری می گردد. در عوض آنان آزاد می شوند تا امکان انطباق و سازگاری در جامعه را پیدا کنند". چنین تعریفی هم گسترده و هم پر ارزش است. حبس زدایی ظاهراً نه تنها مربوط به آزادسازی زندانیان محکوم به حبس های طویل المدت می شود، بلکه ترخیص افرادی را نیز که بر اساس مقررات قبلی، محکوم به حبس های نسبتاً درازمدت می شوند را در بر گرفته و حتی شامل تدوین سیاست های نگهداری و حبس کوتاه مدت موسوم به "درگردان" نیز می شود که مربوط به افرادی است که بر اساس برنامه های کنترل محلی، وارد این نهادها می شوند.<sup>۱</sup>

### ۷-۱۸-۲- الزامات لازم برای جایگزین های مجازات

اجرای پروژه های نوین همواره دور نمایی غرور آمیز و پر زرق و برق دارند در مقام تئوری همه چیز عالی است. اما این با واقعیت بسیار متفاوت است. اصلاح رویه ای که با همه خوبیها و بدی هایش حداقل نظم ظاهری جامعه را حفظ و طرفداران برخورد قاطع و سخت با مجرمین را ارضاء می کرد باید با بستر سازی مناسب و همراه با کارشناسی دقیق صورت پذیرد. پرداختن به این بخش از آن رو شایسته است که احتمالاً چندی دیگر در کشورمان لایحه مجازات های جایگزین حبس به قانون مبدل خواهد شد و باید ساختارها و زمینه های لازم برای آن در جامعه به وجود آمده باشد.<sup>۲</sup> والا شکست این حرکت امری محتوم است. برخی از این الزامات که اهمیت آن در تجربه های جهانی به اثبات رسیده به این شرح است:

#### ۱- نیروی انسانی

نیروی انسانی متخصص در امر جایگزین کردن حبس و اجرای مقررات مربوط به آن بسیار مهم است. مجموعه ای از تخصصها برای اتخاذ چنین روشهایی به کار می آیند. اول قضات که باید در این خصوص

---

<sup>۱</sup> داوریان دهکردی، ولی الله، ۱۳۸۶، کارشناس حقوق پی نوشت ۱ نشریه جایگزین های حبس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور شماره ۳.

<sup>۲</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.

کاملاً" توجیه شوند و برخی از آنها به صورت ویژه چنین احکامی را صادر و بر اجرای آن نظارت مستمر نمایند<sup>۱</sup>.

دوم نهادی که باید آن را اجرا کند. در ژاپن مأموران تعلیق مراقبتی به دستور و زیر نظر وزارت دادگستری مشغول انجام وظیفه اند؛ در سوئد زیر نظر " اداره تعلیق مراقبتی و زندان ملی " قرار دارند، در هند مأموران تعلیق مراقبتی وابسته به زندان هستند، در رژیم اشغالگر قدس این وظیفه برعهده وزارت کار و امور رفاهی است، در ترینیداد و توباگو نیز این کار بر عهده وزارت توسعه اجتماعی نهاده شده است. اجرا شامل به کارگماری، نظارت، دریافت روزانه جرایم نقدی احتمالی، مددکاری، اصلاح و پی گیری وضعیت محکوم و خانواده اوست<sup>۲</sup>.

توجه نکردن به این قبیل مسائل ممکن است تدبیر جایگزین زندان را با عدم موفقیت روبه رو کند. برای نمونه در جمهوری چک، کار عام المنفعه و مصالحه خارج از دادگاه از سال ۱۹۹۶ به مرحله اجرا در آمد. حتی در مورد کار عام المنفعه قانون گذار تا آن جا پیش رفت که امکان تعیین آن برای محکومیت های تا ۵ سال زندان را نیز پیش بینی کرد. متخلفان از دستورهای دادگاه محکوم به گذرانیدن یک روز در زندان به ازای هر دو ساعت کار باقیمانده بودند.

با این همه، نتایج به دست آمده تا حدودی نا امید کننده بوده است. مؤسسه جرم شناسی پراگ پیرامون عوامل این عدم موفقیت تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده است که نبود منابع مالی لازم جهت تبلیغ و توضیح هدف های مجازات جایگزین، عدم درگیری جامعه مدنی، نبود شمار لازم مأموران و مددکاران اجتماعی و کافی نبودن آموزش های متداول برای مأموران عالی رتبه دادگاه را می توان از جمله مشکلات عملی در راه توفیق این تدابیر جایگزین در جمهوری چک ذکر کرد<sup>۳</sup>.

در کنیا نیز محکومان به انجام کار عام المنفعه ناگزیر از طی مسافتی تا محل انجام کار بودند. این مشکل را در کنار فساد اداری که در ازای پرداخت مبلغی، محکوم می توانست تعهد های خود را انجام ندهد یا ناگزیر از انجام کاری برای شخص مأمور مراقبتی به جای انجام خدمات عمومی می شد، از جمله دلیل های عدم

---

<sup>۱</sup> لازرژ، کریستین، ۱۳۹۰، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم.

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> میرشمس شهبهانی، مانده، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت زندان، انتشارات میزان، چاپ اول.

توفیق کار عام المنفعه در این کشور، لاقلاً در آغاز اجرای آن دانسته اند.<sup>۱</sup> این مسائل همه ناشی از عدم تخصص کارگزاران جایگزین حبس در این کشورهاست. دانشکده های حقوق باید چند واحد به این مساله اختصاص دهند و رشته ای مستقل در یکی از شاخه های علوم اجتماعی برای این منظور تأسیس گردد.

## ۲- تناسب با فرهنگ ملی و بومی

وارداتی بودن و گرته برداری جایگزین ها آفت اجرای این نظام در هر کشوری است. مجازات های اجتماعی به مسمای خود حداقل نقش و تأثیرات دولت و قوه قهریه را بر خود تحمل می کنند. این مجازاتها، درون جامعه به اسم جامعه، برای جامعه و به عبارتی توسط جامعه و شیوه های جامعه‌ی عمل می نمایند.<sup>۲</sup> لذا چنان مجازات نیستند که چه متناسب با وضع جامعه ای باشد و چه نباشد به زور و توان قدرت فائقه حکومت اعمال می شوند. از زندانها سربازان مسلح و باروهای بلند حفاظت می کنند. اما حصار مجازات های اجتماعی کنترل اجتماع و پذیرش و اقباع افکار عمومی است. این مساله از جامعه ای به جامعه دیگر و از شهری به شهر دیگر متفاوت است. لذا نمی توان قوانین مربوط به مجازات های اجتماعی را از طریق ترجمه متون خارجی به دست آورد و تدوین این گونه مقررات نیاز به پژوهش و تدقیق در اوضاع و احوال همان جامعه دارد. ضمن آن که بر پایه دستاوردهای علمی بنا می شود، باید بومی، مردمی و قابل تطبیق با انگاره ها و ارزشهای جوامع باشد.

## ۳- آماده سازی اجتماع

این که برای تغییر هر رویه ای در جامعه آن هم در شرایطی که آن اسلوب، سالها امری بلامنازع و بدون مخالفت بوده است، باید جامعه را آماده کرد، امری بدیهی است. در خصوص مجازات های اجتماعی و جایگزین آن با حبس هم این مساله باید مورد نظر قرار گیرد. در سال ۱۹۹۶ در یک تحقیق بین المللی در زمینه بزه دیدگی، از مردم خواسته شد که نظر خود را درباره مجازات شایسته برای سارق ۲۱ ساله ای که یک

---

<sup>۱</sup> نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۶، مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول.

<sup>۲</sup> ویلیام، فرانک و دیگران، ۱۳۸۱، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷.

دستگاه تلویزیون را سرقت کرده بود، اعلام کنند. به مردم توضیح داده شد که متهم دارای پیشینه کیفری مشابه است؛ یعنی، قبلاً<sup>۱</sup> هم مرتکب سرقت تلویزیون شده است.

در میان ۱۱ کشور صنعتی مورد پرسش، بالاترین درصد پیشنهاد مجازات زندان برای چنین جرمی، متعلق به مردم ایالات متحده آمریکا با ۵۶٪ بود. پس از آن بریتانیا و پائین ترین درصد (۹٪) از آن شهروندان سوییس بوده است. درصد پشتیبانی از مجازات زندان در مورد این متهم، در فرانسه ۱۱٪ و در استرالیا ۱۰٪ بوده است. در میان انواع تدابیر جایگزین، مردم کشورهای اروپایی اغلب کار عام المنفعه را برای چنین مجرمی مناسب دانسته بودند. همچنین، از این تحقیق چنین نتیجه گیری شد که میان سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ میزان اعتماد مردم به جایگزین ها تا حدودی کاهش یافته است. نتیجه دیگر این بود که میزان پشتیبانی با میزان آگاهی از آثار سوء زندان و منافع جایگزینی تناسب داشت<sup>۲</sup>.

در تحقیق دیگری که **Public Agenda Foundation** در ایالات متحده آمریکا انجام داد، به یک گروه ۲۳ مورد جرم فرضی را ارائه کرده و از آنان خواستند که میان زندان و تعلیق مراقبتی یکی را به عنوان مجازات برای آن جرم ها در نظر بگیرند. در خصوص تمرین، گروه برای ۱۷ جرم از ۲۳ جرم زندان را برگزید. سپس اطلاعات ضروری پیرامون جایگزین ها و از جمله تعلیق مراقبتی به آنان ارائه شد. آنگاه که دوباره آزمون به عمل آمد، گروه تنها برای ۵ جرم از ۲۳ جرم مجازات زندان را برگزید. در آزمون مشابهی در انگلستان، که نتیجه آن در سال ۱۹۹۶ اعلام شد، ۱۶ هزار نفر مورد پرسش قرار گرفتند. در این تحقیق، هنگامی که از افراد خواسته شد برای یک جرم خاص از میان جرم های مندرج در یک فهرست، مجازات در نظر بگیرند، ۶۷٪ زندان را برگزیدند. ولی پس از اطلاع رسانی لازم پیرامون جایگزین ها، این میزان به ۵۴٪ تقلیل یافت. در حالیکه چنانکه گفته شد رعایت نکردن این مسأله مهم در جمهوری چک، به پیشرفت نکردن کار عام المنفعه و مصالحه خارج از دادگاه منجر شد<sup>۳</sup>.

---

<sup>۱</sup> ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۸۹، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، انتشارات فکرسازان، چاپ اول.

<sup>۲</sup> جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، چاپ اول.

<sup>۳</sup> رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول.

#### ۴- تحمل هزینه برگشت پذیر مجازات های اجتماعی

اجرای پروژه های مرتبط با مجازات های اجتماعی ممکن است در ابتدای کار هزینه هایی برای ایجاد زیر ساخت ها، استخدام افراد متخصص ، تأسیس سازمان ها و سایر امور داشته باشد. اما این هزینه ها در مدت زمان نسبتاً کوتاهی باز خواهد گشت. لذا دولت ها نباید از خرج در این عرصه به بهانه نبود بودجه خودداری نمایند.

اشاره ای به برخی هزینه های زندان در درک بهتر این مسأله یاری رسان خواهد بود. در اواخر دهه ۱۹۹۰ هزینه نگهداری ۱،۷ میلیون زندانی در آمریکا ۴۰ میلیارد دلار بوده است. در انگلستان و ولز این هزینه برای هر زندانی در سال ۳۷ هزار و ۵۰۰ پوند و در کل ۲ میلیارد پوند است. در حالی که در انگلستان هزینه تعلیق مراقبتی برای هر محکوم ۲ هزار و ۵۲۷ و هزینه کار عام المنفعه ۱ هزار و ۶۲۸ پوند در سال است. تحقیقات در برزیل نشان می دهد که با ۲۰۰ میلیون دلاری که سالیانه فقط برای زندانیان غیر حرفه ای هزینه می شود می توان ۱۸ هزار خانه، ۵۰۰ درمانگاه یا ۴۰۰ مدرسه بنا کرد.

در کشورمان هزینه نگهداری سالیانه محکومان مالی ۱۰ میلیارد تومان است در حالیکه مجموعه کمک های دولتی و خیریه برای آزادی زندانیان مالی در طول ۷ سال ۳۰ میلیارد تومان بوده است که به هیچ وجه تکافوی زندانیان مالی بی بضاعت ساکن در زندانها را نمی دهد. در حالیکه با صرفه جویی در این هزینه دولت قادر بود تمام بدهی آنان را یکجا پرداخت نماید. اگر هم این افراد به کار اجتماعی یا کار به نفع محکوم له وادار می شدند باز هم ضمن پرهیز از این همه هزینه آنها می توانستند رضایت شکات را هم جلب کنند. ضمن آن که کل هزینه های زندانیان در ایران سالیانه نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان است!

---

<sup>۱</sup> ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، مجازات های اجتماعی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.



**فصل سوم:**

**روش اجرای تحقیق**

### ۱-۳-مقدمه

پایه ی هر علمی روش شناخت آن است و اعتبار و ارزش قوانین هر علمی به روش شناختی مبتنی است که در آن علم به کار می رود. انتخاب روش تحقیق بستگی به هدف ها و ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد. بنابراین هنگامی می توان در مورد بررسی و انجام یک تحقیق تصمیم گرفت که ماهیت، موضوع تحقیق، هدف ها و نیز وسعت و دامنه آن مشخص باشد. به عبارت دیگر، هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق روشن نماید چه روش و شیوه ای او را دقیق تر، سریع تر و آسان تر در دستیابی به پاسخ پرسش های تحقیق مورد نظر یاری نماید.

### ۲-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این موضوع به شیوه توصیفی تحلیلی می باشد که بعد از مطالعه مقررات موجود راجع به حبس زدایی در قانون مجازات ۹۲، به تحلیل و تجزیه این مقررات و ارائه تحلیل های مقتضی اقدام شد. اطلاعات لازمه برای این پژوهش از طریق مطالعه و منابع کتابخانه ای بوسیله فیش برداری می باشد. که ضمن مراجعه به کتابخانه ها و مراکز معتبر علمی اطلاعات و منابع لازمه در خصوص موضوع جمع آوری شد. بنابراین مراحل انجام کار بدین صورت گذشت که با مراجعه به بنیان های نظری مرتبط با موضوع پژوهش که در منابع مختلف موجود در کتابخانه ها و بانکهای اطلاعاتی قابل دسترسی است و جمع آوری داده های مورد نظر اقدام نموده و با روش تحلیلی توصیفی به تحلیل داده ها پرداخته شده است.

### ۳-۳- روش جمع آوری اطلاعات

در هر تحقیقی محقق باید روش اجرای کار خود را به صورت دقیق شرح دهد. محقق باید توضیح دهد از چه ابزاری استفاده نموده و چگونه اطلاعات خود را جمع آوری کرده است. روش کتابخانه ای در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می گیرد و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از نظر روش، از آغاز تا انتها متکی بر یافته های تحقیق کتابخانه ای است. در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه ای ندارند نیز محققان ناگزیر از کاربرد روش کتابخانه ای در تحقیق خود هستند. در این گروه تحقیقات، محقق باید ادبیات و سوابق مسأله و موضوع تحقیق را مطالعه کند. در نتیجه، باید از روش کتابخانه ای استفاده کند و نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب

شامل فیش، جدول و فرم ثبت و نگهداری و در پایان به طبقه بندی و بهره برداری از آنها اقدام کند. با توجه به نقش روش کتابخانه‌ای در تحقیقات علمی، لازم است محققان از این روش مطلع باشند. نخستین گام در مهارت تحقیق کتابخانه‌ای، آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است، یعنی محققان باید از روش‌های کتابداری، نحوه استفاده از برگه‌دان و ثبت مشخصات منابع، نحوه جست و جو و سفارش کتاب آگاهی یابند.

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی استفاده شده است. در این روش محقق از مهم‌ترین ابزار خود یعنی فیش برداری استفاده می‌کند. محقق با مراجعه به همه منابع شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز خود در فیش‌های تحقیق البته با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده، می‌نویسد. اطلاعات جمع‌آوری شده که در فیش‌ها ثبت شده‌اند با یک نظم منطقی دسته‌بندی شده و در فصل دوم تحقیق با یک دسته‌بندی مناسب و منطقی ثبت می‌شوند. با عنایت به روش تحقیق مورد استفاده از فیش برداری، کسب نظر استاد، سایت‌های اینترنتی و آراء وحدت رویه جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز استفاده شد.

همچنین با توجه به اینکه از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (نورمگز)، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی و سپس با مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتال و برخی کتابخانه‌ها، با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق حاضر که شامل: مجازات، حبس، حبس زدایی، کیفرهای جایگزین حبس، سیاست جنایی تقنینی، می‌باشد، در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است.

#### ۴-۳- محدودیت های تحقیق

به طور کلی، پژوهش علمی نیازمند تردید منظم و منطقی است و پژوهشگر باید به نتایج پژوهش به دیده‌ی انتقاد بنگرد و منتقد سرسخت پژوهش‌های خویش و دیگران باشد. به بیان دیگر، دنیایی که برای مطالعه به ما داده شده است، دنیایی صد در صد درست یا نادرست نیست. در علم تجربی هیچ چیز را نمی‌توان با قطعیت مطلق ثابت کرد و اصولاً تئوری نه ثابت کردنی، نه ردکردنی و نه غیراحتمالی است. حرکت به سوی هر هدفی، به واسطه‌ی وجود محدودیت‌ها، دچار کندی می‌شود. تحقیق، حرکت و فرایندی در جهت هدفی

برای حل یک مساله یا پاسخ به یک پرسش است. در ارائه گزارش از پژوهش، محقق سعی می کند با بیان محدودیت هایی که بر سر راه تحقیق قرار دارد (و یا داشته است) به خواننده پیام دهد که در مورد فرایند تحقیق او، قضاوت عادلانه ای داشته باشد. تحقیق حاضر نیز از موارد فوق مستثنی نیست و دارای محدودیت هایی است که باعث می شود نتایج آن با احتیاط بیان شود:

۱) نخستین محدودیتی که می توان گفت و مهمترین محدودیت این تحقیق به شمار می رود، ویژگی خاص تحقیقات غیر تجربی است که در حوزه ی علوم انسانی متداول است. به عبارت دیگر تاثیر متغیرهای دیگری که کنترل آنها خارج از دسترس محقق است و امکان تاثیرگذاری آنها بر نتایج پژوهش منتفی نیست.

۲) هزینه و وقت ناکافی به منظور گسترش بیشتر ابعاد تحقیق.

۳) کمبود پیشینه داخلی و خارجی تحقیق؛ با توجه به این که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ تجدید نظر گردید لذا مقالات و کتاب های بسیار کمی وجود داشت که در حوزه موضوع مورد نظر ما قانون مجازات ۱۳۹۲ را مورد کنکاش و تحلیل قرار دهد.

۴) کمبود سایت های مفید داخلی و خارجی.

### ۵-۳-روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

اطلاعاتی که با استفاده از ابزار گردآوری داده ها به دست می آید، احتمالاً واقعیت و یا انعکاسی از واقعیت است. برای این که پژوهشگر بتواند داده های پژوهشی را تجزیه و تحلیل و سپس تفسیر کند باید از روش های آماری استفاده نماید لذا پژوهشگر برای انتخاب روش آماری مناسب، جهت تجزیه و تحلیل داده های جمع اوری شده لازم است:

اولاً شناخت کافی از داده های تحقیق داشته باشد، یا به عبارت دیگر ویژگی های داده های خود را بداند. ثانیاً، از ورش های آماری که در پژوهش های علوم انسانی مورد استفاده قرار می گیرند اطلاع کافی داشته باشد. داده های تحقیق حاضر با توجه به ماهیت موضوع، از طریق استنتاج های عقلایی و استدلال های منطقی و حقوقی اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## **فصل چهارم:**

### **حبس زدایی ضرورتی اجتناب ناپذیر**

## ۱-۴- سیاست عقب نشینی حقوق کیفری

قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از مهم رتین قوانین ماهوی ایران در طی سه دهه انقلاب اسلامی، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته و سال ها به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شده است. در سال ۱۳۸۶ لایحه قانون مجازات اسلامی برای بررسی و تصویب به عنوان یک قانون دائمی، تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید و پس از تصویب مجلس، با توجه به اصل ۸۵ قانون اساسی در سال ۱۳۹۰ از سوی شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سرانجام بعد از مدتی برای اجرا ابلاغ شد. این قانون از جهات مختلفی با قانون مجازات اسلامی سابق متفاوت بود. یکی از مهم ترین وجوه تمایز آن، نگاه جدید قانون گذار به حوزه مجازات بود به گونه ای که قانون جدید، در راستای کاهش هزینه های فردی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که کیفر بر جامعه و افراد آن تحمیل می کند و نیز به منظور کاهش بار کیفری و در جهت متنوع ساختن ضمانت اجراهای جرایم، مجازات های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی را به رسمیت شناخته است.<sup>۱</sup>

در آموزه های جدید علوم جنایی، چارچوب نظام کیفری مورد پرسش قرار گرفته و بزه کاری محصول عدالت کیفری و قانون گذاری و تکرار جرم، محصول سازمان ها و پلیس قلمداد می شود. نتیجه این دیدگاه، طرح نظریه محدود کردن دامنه حقوق جزا است و برای تحقق این هدف باید از سیاست های عقب نشینی حقوق کیفری بهره گرفت.

## ۱-۱-۴- جرم زدایی

منظور از جرم زدایی فرایندهایی است که به موجب آنها، صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به منزله واکنشی نسبت به شکل خاصی از رفتار (یعنی رفتار مجرمانه ی خاص) سلب می شود این اقدام ممکن است از رهگذر قانون گذاری یا شیوهی تفسیر قوه قضائیه از قانون انجام پذیرد.<sup>۲</sup> مفهوم جرم زدایی و واژه

---

<sup>۱</sup> بابایی، محمد علی، غلامی، میثم، ۱۳۹۱، مهم ترین جلوه های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهش نامه اندیشه های حقوقی، سال اول، شماره ص ۶۰.

<sup>۲</sup> گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، گزارش جرم زدایی اروپا، ترجمه یی واحد ترجمه ی مرکز مطالعات توسعه ی قضایی، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ص ۱۰.

جرم زدایی پیشینه‌ی طولانی ندارد، با وجود این در تاریخ حقوق جزا فرایندهای جرم زدایی در زمان‌های مختلف وجود داشته است؛ هر چند به شکل برنامه نبوده است. زیرا میزان رفتارهای انسانی مجازات شدنی، نه دارای ثبات بوده و نه افزایش و کاهش بی‌وقفه داشته است.<sup>۱</sup> در عصر حاضر مسأله جرم زدایی از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی به صورت بحث روز درآمده این مسأله ابتدا با هدف تورم زدایی کیفری مطرح شده است.<sup>۲</sup>

جرم زدائی به طرق مختلف انجام می شود؛

#### ۱) جرم زدائی قانونی (رسمی)

جرم زدائی ممکن است به وسیله قانونگذاری یا روشی که به موجب آن قوه قضائیه قانون آن را تفسیر می‌کند، انجام گیرد. جرم زدائی در مفهوم مضیق آن گاهی به جرم زدائی «رسمی» نیز توصیف شده است. اصطلاح اخیر را هنگامی به کار می‌بریم که می‌خواهیم جرم زدائی به مفهوم مضیق را با «جرم زدائی عملی» یا بالفعل مقایسه کنیم.<sup>۳</sup>

#### ۲) جرم زدائی عملی (بالفعل)

مقصود ما از جرم زدائی عملی، پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا بعضی اوضاع است؛ هر چند که رسماً و قانوناً در صلاحیت آن سیستم، تغییری حاصل نشده باشد. این فرآیند در هر دو سیستم تعقیب کیفری یعنی سیستم مناسب داشتن و سیستم قانون بودن واقع می‌شود این فرآیند در ارتباط با جرائم اصطلاحاً «بدون قربانی» واقع می‌شود یا نسبت به جرائمی که اساس آنها در اعتقادات سنتی قرار دارد، اما با تفکرات مدرن در چالش بوده است، به ویژه در قبال جرائم اقتصادی خفیف و جرائم

---

<sup>۱</sup> گروهی از نویسندگان، گزارش جرم زدایی اروپا، همان، ص ۶۱.

<sup>۲</sup> وایت (راب) هینس (فیونا)، ۱۳۸۱، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر، چ اول، ص ۳۲۰.

<sup>۳</sup> محمودی، جواد، ۱۳۸۹، قضا زدائی و جرم زدائی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، جمله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، سال ششم، شماره ۱۹، ص ۱۱۵.

ناشی از نقض مقررات راهنمایی و رانندگی<sup>۱</sup>. جرم زدائی عملی به صور مختلف تحقق می‌یابد ابتدا با تغییرات در رفتار اشخاصی که مستقیماً ذی نفع هستند، تا بدانجا که از گزارش و افشای عمل مجرمانه به پلیس خودداری می‌کنند. دوم به علت احتیاط (مصلحت اندیشی) پلیس در عدم تعقیب بعضی پرونده‌ها یا ارجاع آنها به سایر سیستمهای اجتماعی است. بنابراین، مفهوم جرم زدائی عملی در سطح وسیعی، مفهوم انحراف از سیستم عدالت کیفری را شامل می‌شود<sup>۲</sup>.

رویکرد کلی جرم زدائی، افزایش حقوق و آزادی های عمومی است و فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبتاً بازتری را فرا روی شهروندان می‌گشاید. همچنین از آنجا که جرم انگاری صرفاً به استناد قانون صورت می‌پذیرد (اصل ۳۸ قانون اساسی) مقنن حسب مقتضیات جامعه می‌تواند از عناوین مجرمانه، جرم زدائی کند. البته این فرایند نسبی است؛ هم از لحاظ جرائم عرفی که به اقتضای نظم اجتماع، نمی‌توان تمام عناوین مجرمانه را از آنها سلب کرد و هم از لحاظ محدودیت عمل قانونگذار در جرم زدائی از فعل و ترک فعلهایی که منشاء جرم انگاری آنها بایسته‌ها و دستورات مذهبی است؛ به سخن دیگر، اصولاً قانونگذار در ایران نمی‌تواند وصف مجرمانه را از جرائم الهی زائل کند، مگر آنکه به صورت موقت و استثنائی به استناد تغییر اوضاع یا مصالح جامعه به این عمل اقدام کند<sup>۳</sup>.

در نظام حقوقی جاری کشور، تضمین مصلحت در صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام است (اصل ۱۱۲ ق ۱۰) اما به دلیل محوریت مجلس شورای اسلامی در تعیین حقوق و تکالیف (اصل ۷۱ قانون اساسی) و از جمله فرایند جرم انگاری، نمی‌توان جرم زدائی از عناوین مجرمانه را به مجمع تفویض کرد.

عفو عمومی مجرمان به استناد قانون مصوب پارلمانی در عمل می‌تواند وصف مجرمانه اقدامات ارتكابی از سوی آنها را حسب اوضاع یا ضرورت مصالح برتر نظیر پایان دادن به ناامنی و بی‌اعتمادی، به ویژه پس از دگرگونیهای عمیق و همه جانبه سیاسی و اجتماعی، سلب کند و به نوعی، جرم زدائی رسمی به شمار رود.

---

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۱۵

<sup>۲</sup> مهرا، نسرین؛ ۱۳۷۷، درآمدی بر جرم زدائی، کیفر زدائی و قضازدائی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، شماره ۲۲-۲۱، ص ۳۰۱.

<sup>۳</sup> محمودی، جواد؛ قضا زدائی و جرم زدائی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، ص ۱۱۸.



در مقابل، تقویت روحیه گذشت، تساهل و تحمل در میان مردم از راه آموزشهای عمومی و تسهیل فعالیت احزاب و نهادهای مدنی به منظور تعدیل اقتدارات دولتی، جزء فرآیندهای جرم زدایی عملی به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۴- قضا زدایی

امروزه دیدگاه‌هایی وجود دارد که معتقد است که در بسیاری موارد تماس افراد متهم با دستگاه عدالت کیفری موجب بدنامی آنان بشود و این مکان وجود دارد که به واسطه فرایند برچسب زنی قرار گرفته است. نقش آن فردی را می‌پذیرد که در برچسب به او القا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بنابراین قضا زدایی «یعنی مکانیزمی که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر سازمان‌ها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود، عنوان مجرمانه زدوده می‌شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می‌گردد»<sup>۳</sup>.

قضازدایی در قانون چنین تعریف است: راهکاری فنی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری بوده و قطعاً نسبی است. نسبت راهکار یاد شده، امری بدیهی و منطقی است زیرا قضا زدایی مطلق در مفهوم تعطیل نهاد (دادرسی و دادگستری) و حذف وظیفه اساسی قضاوت (در مفهوم خاص آن) از زمره وظایف حکومت می‌باشد.<sup>۴</sup>

در حقیقت قضازدایی مفهومی ایدئولوژیک است که بر منحصر نبودن صلاحیت دستگاه قضایی در مبارزه با تبهکاری مبتنی است. توسل به این روش بصورت غیر رسمی و از راه اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به پرونده و نیز با پیاده کردن طرح‌های رسمی صورت می‌گیرد.

در جنبش قضازدایی که از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. غایت این است که به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری و دادگستری و استفاده از قضاوت حرفه‌ای در حل و فصل دعاوی و رسیدگی به تخلفات و جرایم، این وظایف به عهده سایر سازمان‌های مدنی و اجتماعی و شوراهای مردمی گذاشته شود. در کشور

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۱۸.

<sup>۲</sup> وایت (راب) هینس (فیونا)؛ همان، ص ۱۲۴.

<sup>۳</sup> نجفی ابرند آبادی (علی حسین؛ هاشم بیگی (حمید)؛ همان، ص ۷۷.

<sup>۴</sup> اصل یکصد و پنجاه و ششم

ما ایران نیز تأسیس شوراهای حل و اختلاف با بهره‌گیری از مبانی اسلام و فقه و همگام با تحولات یاد شده، در حقیقت تجلی سیاست قضازدایی از سیستم قضایی فعلی است. جنیش قضازدایی در حقیقت به دلیل گسترش و تعدد دعاوی حقوقی و کیفری، افزایش روز افزون جمعیت، فقر مالی و فرهنگی، مشکلات تصدی حکومت‌ها در رسیدگی به اختلافات فراوان مردم بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی مردم از قوانین و مقررات، کمبود نیروی انسانی متخصص و منابع مالی مربوطه، تراکم جمعیت زندانیان، بدآموزی زندانیان و عدم اصلاح آنان در زندان و ... اهمیت خود را بیش از پیش نشان داده است. امروزه خیلی از سیاستمداران، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حتی حقوقدانان به این نتیجه رسیده‌اند که نظام کیفری دولتی نه تنها قدرت مقابله با دعاوی بالاخص دعاوی کیفری را ندارد، بلکه در بعضی از موارد می‌تواند موجب تحقق نیافتن عدالت و اجرای آن باشد. به همین دلیل است که افراطیون نظام دفاع اجتماعی نوین، خواهان حذف نظام عدالت کیفری بوده و به غیر مؤثر بودن این نظام سرکوبگر تأکید داشته و حتی بر این عقیده‌اند که نباید از عناوین جرم و بزه در هنجارشکنی عاملان آن استفاده کرد. با چنین دیدگاهی امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، نهادهایی در کنار دستگاه قضایی وجود دارند که ضمن دارا بودن خصایصی که می‌تواند در اجرای عدالت و حل خصومت مردم مؤثر باشد بار سنگین دستگاه قضایی را به عنوان بخشی از نظام حکومتی سبک و به یاری آن شتافته است.<sup>۱</sup>

گاهی در فرایند قضازدایی، مسئله به طرف‌های درگیر در دعوا، که می‌توانند از کمک یک عامل خارجی بهره‌برند ارجاع داده می‌شود و در سایر موارد تأکید به مداخله مثبت یک عامل خارجی به منظور کمک به مجرم در حل مسائلی است که او را به طرف بزه کاری سوق داده است و نوعاً چنین شویه‌هایی به وسیله نهادهای موقت شکل می‌گیرد که نسبت به نهادهای داوری مستقل هستند.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۴- کیفر زدایی

در کنار جرم زدایی و قضازدایی، راه دیگری برای کاهش جمعیت کیفری، مورد استفاده قرار می‌گیرد که کیفر زدایی نام دارد.

<sup>۱</sup> بشارتی، محمد ابراهیم، ۱۳۹۰، جرم زدایی و قضازدایی از جرائم خاص، <http://www.alqaza.com>.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۰۹

کیفر زدایی عبارتست از جرم زدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می‌گردد ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود.<sup>۱</sup>

منظور از کیفرزدایی این نیست که خاصیت جرم بودن فعل یا ترک فعل سلب شود، بلکه هدف، ایجاد تناسب بین جرم و کیفر است؛ بدین معنا که در اکثر موارد از شدت مجازات کاسته می‌شود و یا خاصیت کیفری مجازات از آن سلب می‌شود.<sup>۲</sup>

کیفر زدایی به دو نوع تقسیم می‌شود؛ کیفرزدایی قانونی و کیفرزدایی قضایی. در کیفر زدایی قانونی خود قانون‌گذار به صورت مستقیم در جهت تعدیل کیفر وارد عمل می‌شود و با به کارگیری تدابیری نظیر، آزادی مشروط، نهاد تخفیف، تبدیل، معافیت از مجازات و .. سعی می‌کند شدت ضمانت اجراها را کم کند. اما در کیفر زدایی قضایی، تعدیل کیفر از سوی قانون به قوه قضائیه سپرده می‌شود.<sup>۳</sup> در کیفرزدایی قضایی ممکن است این اختیار به قاضی داده شود که در حین صدور حکم، از میان دو مجازات پیش‌بینی شده، هر کدام را که به صلاح تشخیص داده است، اعمال نماید. همچنین ممکن است کیفرزدایی قضایی در حین تعقیب تحقق یابد، این امر در برخی از سیستم‌های حقوقی با توجه به نقش مهمی که پلیس و دادسرا در کنار دادگاه ایفا می‌کنند، این صلاحیت و اختیار را به آنها داده است که در برخی موارد و با احراز شرایطی از ورود به فرایند کیفری جلوگیری گردد. کیفر زدایی به طرق مختلف اعمال می‌شود:

۱- قانون‌گذار جنایتی را به جنحه یا خلاف تبدیل می‌کند و به همین جهت کیفر آن به مجازاتی تأدیبی و ساده تبدیل می‌شود.

۲- در دادسرا به جهات مختلف جنبه‌هایی که موجب تشدید مجازات است نادیده گرفته می‌شود و پرونده با اتهام ضعیف‌تر به دادگاه ارسال می‌شود.

---

<sup>۱</sup> نجفی ابرندآبادی (علی حسین، ۱۳۷۷، هاشم بیگی (حمید)؛ دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، اول، ص ۷۷.

<sup>۲</sup> کلانتری، کیومرث، ۱۳۸۱، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله‌ی تحصیلی دکتری گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۳۱۲.

<sup>۳</sup> سلطانفر، غلامرضا، ۱۳۸۳، تورم کیفری، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۹۸.

۳- قاضی دادگاه عمل ارتكابی را با عنوان مجرمانه کم اهمیت توصیف می‌کند و یا حتی بدون هر گونه تعقیبی دستور بایگانی شدن پرونده را صادر می‌کند.<sup>۱</sup>

در نظم قضایی ایران در کمتر از یک دهه اخیر، الگوی راهبردی کیفرزدایی به صورت آگاهانه و در جهت کاهش با نظام کیفری در رویه قضایی، قوانین برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه، بخشنامه‌ها، سیاست‌های کلان قضایی از سوی مقام معظم رهبری و لوایح پیشنهادی قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی به طور واضح ابتدا در سیاست جنایی قضایی و در مرحله بعد در سیاست جنایی تقنینی مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که اعمال قاعده درآ از جمله موارد جدید سقوط مجازات است که قانونگذار به صراحت به آن پرداخته و ضمن ماده ۱۱۹ قانون مذکور، دامنه اعمال این قاعده را به کلیه جرایم تسری داده است. ماده مزبور بیان می‌دارد "هر گاه جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد".

در خصوص مسئولیت کیفری اطفال ماده ۱۴۵ به صراحت بیان می‌دارد: "افراد نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند...". اطلاق این ماده در نفی مسئولیت کیفری نابالغ شامل همه ابواب حدود، قصاص و تعزیرات می‌شود و قدی برای آن پیش بینی نشده است و برای افراد نابالغ فقط اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد همه موارد فوق که خود به کیفرزدایی منجر می‌شود، آگاهانه و در راستای کاهش جمعیت کیفری صورت گرفته است.

## ۲-۴- آغاز حبس زدایی

در میان گروههایی که تلاش کردند به مقابله با حبس انگاری بروند از ابتدا دو جریان قابل تشخیص بود. برخی چون "هانس هابرماس" یا "دوهان" با نامنصفانه توصیف کردن نظام‌های عدالت کیفری دموکراسی

<sup>۱</sup> احمدی ابهری، محمدعلی، ۱۳۷۷، اسلام و دفاع اجتماعی، قم، دفتر انتشارات، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ص ۳۸۳.

<sup>۲</sup> فتحی، حجت‌الله، ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی، فقه و حقوق، سال ششم، شماره ۲۱، ص

غربی، معتقد به حذف زندان از زرادخانه عدالت کیفری هستند. آنها نه عادلانه کردن مجازات بلکه الغای کامل زندان را می خواهند. اما گروه دیگری نیز هستند که معتقدند باید در جهت کاهش نظام زندان تا مرز الغای کامل پیش رفت اما تا رسیدن به آن هدف باید از روش های اصلاحی برای دگرگونی در اجزای نظام اجرایی زندان ها و بویژه استفاده از جایگزین های مجازات زندان و نظارت گسترده اجتماعی بر مجرمان بهره جست. در این میان می توان به ماتیسون اشاره کرد که نزدیک به ۲۵ سال استدلال های قوی و پرمغزی را علیه زندان ها ارائه کرده است. گروه معتدل مخالف حبس دو راهکار را پیشنهاد کرده بود. اول اصلاح کاستی های زندان و فراهم کردن الزامات اصلاح و درمان، از جمله ساخت و ساز زندان های جدید و بودجه بیشتر برای زندان ها. دوم اقدام های ناظر بر جایگزین های زندان. در این اندیشه به زندان به عنوان آخرین حربه نگریسته و تا زمانی که دیگر شیوه های کیفردهی دسترس پذیر و سودمند باشد، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است.<sup>۱</sup>

کیفرهای جایگزین حبس اصولاً با پیشنهاد جایگزین های زندان کوتاه مدت وارد نظام کیفری کشورها شد. در برخی کشورها این اقدام با تبدیل مجازات های تبعی و تکمیلی به مجازات های اصلی آغاز شد. این جایگزین ها عمدتاً نسبت به جرایمی اعمال می شد که جرم شناسی آلمان آنها را "جرایم شوالیه" یا "جرایم سلحشورانه" می نامد و به هیچ وجه منجر به حبس قطعی نمی شوند همانند تخلفات رانندگی. پس از عبور از این مرحله جایگزین ها توسعه یافت. برخی از آن ها به شکل جایگزین حبس دست قاضی را باز گذاشت تا به جای کیفر حبس به آن ها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل یک نوع مجازات تلقی شده و بر سیاهه کیفرها افزوده شدند. گرایش به جایگزین های زندان به کشورهای اروپائی و آمریکائی منحصر نبوده بلکه در سایر کشورها از جمله آفریقا و آسیا هم که از معضل تراکم جمعیت کیفری به ستوه آمده اند با اقبالی وسیع روبه روشد. استفاده از این تدابیر، حتی اگر در برخی کشورها کاهش جمعیت کیفری را به دنبال نداشته، لااقل - با توجه به افزایش سریع میزان مجرمیت در اغلب نقاط دنیا - از افزایش آن ممانعت کرده است. چنین است که برای نمونه در سال ۱۹۹۶ در انگلستان و ولز از ۳۰۱ هزار محکوم به جرم های بدون صدور کیفر خواست، فقط ۲۲٪ آنان روانه زندان شدند و ۲۹٪ محکوم به انجام کار عام المنفعه گردیدند. کار عام المنفعه به عنوان یکی از جایگزین های متداول زندان، در فرانسه در سال ۱۹۸۵ یعنی ۲ سال پس از تصویب

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.

قانون در این زمینه -متجاوز از ۳۶۰۰ مورد بوده که در سال ۱۹۹۴ به ۲۱ هزار و ۱۲۷ مورد یعنی ۵٪ کل محکومیت ها رسید.

در آلمان پس از اصلاحات سال ۱۹۷۵، محکومیت های تا ۶ ماه را الزاماً باید دادگاه به حالت تعلیق در آورد. براساس تحقیقات سال ۱۹۹۰ شورای اروپا، انگلستان و ولز در میان کشورهای مورد مطالعه بالاترین میزان افراد تحت ضمانت اجرای مجازات غیر سالب آزادی را دارند. پائین ترین میزان متعلق به آلمان و هلند بوده است. در هلند، کار عام المنفعه پس از یک دوره آزمایشی در سال ۱۹۹۴ به اجرا در آمد. ولی، تحقیقات متعدد بیانگر این واقعیت اند که قضات آن راهمراه با جزای نقدی یا مجازات تعلیق به کار می برند و اظهار می کنند که دلیلی برای این که تنها مکلف باشند از آن به عنوان یک جایگزین و جایگزین مجازات زندان استفاده کنند، وجود ندارد.<sup>۱</sup>

با این همه، در فنلاند دیدگاه ها تا حدودی متفاوت است و سعی بر آن است که از جایگزین ها، همان گونه که انتظار می رود، برای پرهیز از زندان استفاده شود. در این کشور نیز، پس از یک دوره آزمایشی از سال ۱۹۹۴ از تدابیر جایگزین استفاده رسمی شد. هدف قانونگذار این بوده است که دادگاه ها واقعا "از این تدابیر برای محکومیت های تا ۸ ماه استفاده کنند. بنابراین، در این کشور، دادگاه موظف است در مرحله نخستین - بدون توجه به مجازات جایگزین، برای نمونه خدمات عمومی - میزان مجازات را تعیین کند. در مرحله دوم و در صورتی که محکوم علیه موافق با کار عام المنفعه باشد و توانایی انجام آن را داشته باشد، دادگاه مجاز است آن را مورد حکم قرار دهد. نتیجه این که، در فنلاند از هر ۱۰ مورد کار عام المنفعه ۹ مورد آن به عنوان یک تدبیر جایگزین واقعی زندان به کار گرفته می شود.<sup>۲</sup>

### ۳-۴- لزوم حبس زدایی با توجه به آثار زیانبار آن

یکی از ابتدایی ترین و با اهمیت ترین حقوق قضایی، حق آزادی افراد است که از جمله مصادیق آن، آزادی رفت آمد، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی مطبوعات و ... است که در قوانین کلیه کشورها اعم از قوانین

<sup>۱</sup> ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، مجازات های اجتماعی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

<sup>۲</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، آموزه های فقهی (الهیات و حقوق)، شماره ۹ و ۱۰.

عادی و اساسی آنها سعی شده است تا قانون نویسی در این زمینه به نحوی باشد که این هدف مهم یعنی آزادی های افراد را تامین نماید. با توجه به اهمیت بالای این حقوق در قانون گذاری ها و هنجارسازی های بین المللی اعم از کنوانسیون ها و میثاق نامه های حقوقی نظیر اعلامیه حقوق بشر و میثاق نامه ها بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و... که به امضای بسیاری از کشورها رسیده است، به وضوح در اولین مواد قانونی به چشم می آیند. بنابراین در این راه به منظور تامین این حقوق باید قوانینی که در مقابل آنها به نحوی تهدید کننده این حقوق هستند اصلاح و بازنگری کردند و در قانون نویسی ها دقت لازم را به کار گیرند تا قوانین در تعارض با آنها به تصویب نرسد. از جمله این قوانین می توان به قوانین مربوط به مجازات حبس اشاره نمود که علی رغم فقدان دیرینه تاریخی در این حد گسترده و فقط محدود بودن آن به جرایمی انگشت شمار، امروزه شاهد بسط و توسعه آن در شمار اصلی ترین مجازات ها بر شمرده و در قوانین کشورهای مختلف هستیم که این خود تهدید بزرگی در تامین آزادی های افراد است. امروزه در کشورهای بسیاری با دوراندیشی و تدابیر خردمندانه با در نظر گرفتن معضلات و پیامدهای ناگوار مجازات حبس به اصلاح و محدود کردن آنها پرداختند. و با نظم دادن به قوانین و نظام قضایی خود گام های بلندی برداشتند. اما در حال حاضر در کشور ایران، افزایش غیر اصولی و غیر منطقی جمعیت کیفری زندان ها همچنان وجود دارد.<sup>۱</sup> توجه به گزارش ریاست سازمان زندان ها، به درک بهتر و تاکید دو چندان بر لزوم حبس زدایی از سیاست قضایی کشور کمک می نماید.

ایشان اظهار داشتند که آمار جمعیت زندانیان در ایران سه برابر ظرفیت زندانهاست و در حال حاضر ۲۵۰۰۰۰ نفر زندانی وجود دارد در حالی که ظرفیت زندانهای کشور ۸۰۰۰۰ نفر است. لذا حال برای عملی ساختن تأکیدات و اقدامات مورد نیاز در جهت حبس زدایی با توجه به این حجم افسار گسیخته جمعیت کیفری باید اندیشید که آیا با اعمال مجازات حبس اصلاح و تربیت مجرمان که از رسالت های خطیر قوه قضائیه و سازمان زندانهاست محقق شده است یا خیر؟<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> اکبری بوانی، عباس، ۱۳۹۱، لزوم حبس زدایی با نگاهی به آثار و تبهات زیانبار حبس بر زندانیان و جامعه، پایگاه حقوقی حق گستر، دیدار با مسئولان قوه قضائیه،

<sup>۲</sup> گزارش همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین زندان، مجله حقوقی دادگستری، ش 38 ص 126.

برخی قضات به حبس به عنوان رویه ای بعضاً سلیقه ای با این تفکر که حبس حقوق بزه دیده و جامعه را بهتر تأمین می کند، نگاه می کنند و برای این منظور به استدلال های مختلف دیگری چون دسترسی سریع و آسان و جلوگیری از فرار و تبانی متهم و ... تمسک می جویند. در حالیکه ساز و کارهای مطلوب دیگری به همین جهات در قانون پیش بینی گردیده است.<sup>۱</sup> در این زمینه ها امروز تلاش محققان و علماء و نمایندگان ملت و مسئولان نظام شاهد اقدامات مناسب و عملی به چشم می خورد که به عنوان نمونه هر چند با تأخیر فراوان تهیه و تصویب لوایح قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری جدید تا حدودی تأمین کننده این هدف - رویکرد حبس زدایی و قضازدایی - به نظر می آید. اما در خصوص بکارگیری بیش از حد و غیرمنطقی حبس از سوی محاکم باید با اندیشیدن تدابیری مفید و عملی و با قرار دادن اهرم های شدید از بکارگیری مجازات حبس در موارد غیرضروری و یا مواردی که قابلیت استفاده از مجازات های جایگزین حبس در آنها وجود دارد جلوگیری بعمل آورد<sup>۲</sup> تا بدین وسیله از آثار و تبعات زیان بار حبس تا حد بسیاری کاست.

#### ۴-۴- جایگزین های مجازات حبس

تراکم کار دادگاه ها، تورم جمعیت کیفری و تضعیف شدید کارکرد بالینی زندان ها، استفاده از زندان و نظریه برچسب زنی (جرم شناسی واکنش اجتماعی) زمینه ساز تکرار جرم از طریق فرهنگ پذیری از محیط زندان تلقی می شود. رفتار پلیس و قضات، نسبت به مظنونان و متهمان موجب تعامل «برچسب زنده» و «انگ زنده» می شود و برخوردهای سلیقه ای پلیسی - قضایی بزهکاران بی سابقه را به دنیای بزهکاری و کسب «هویت» مجرم سوق می دهد.<sup>۳</sup> زندان نه تنها موجب اصلاح مجرمان نمی شود، بلکه باعث جری شدن آنان می شود و آثار سوء زندان بیشتر از آثار مثبت آن می باشد، از این رو حقوق دانان، خواستار کاهش مجازات زندان و یا

<sup>۱</sup> پورقهرمانی بابک، مجازات های جایگزین حبس، مجله دادگستر سال سوم، ش ۱.

<sup>۲</sup> دباغی صدیقه، ۱۳۹۱، لایحه مجازات های جایگزین زندان، آرشیو نشریه مأوی.

<sup>۳</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین ۱۳۸۲، پیشین؛ ویلیام، فرانک و دیگران، ۱۳۸۱، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷، ص ۱۶۰.



جایگزین نمودن مجازات‌های دیگری هستند<sup>۱</sup>. انتقادهای وارد شده بر زندان و عدم کارایی آن باعث مطرح شدن جایگزین‌های آن شده است تا بهتر بتواند اهداف مجازات را برآورده سازد و از جمله موجبات اصلاح و بازپروری مجرم را فراهم آورد. موضوع جایگزین‌های حبس برای نخستین بار در کنگره پیشگیری از وقوع جرم در لندن (۱۸۷۶) مطرح شد، ولی پیگیری تحقق برنامه‌های اجرایی آن عمدتاً به سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد باز می‌گردد<sup>۲</sup>.

بدیل‌های حبس شامل اقداماتی می‌شوند که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و یا محکومیت غیر سالب آزادی را دارد. در رویکرد اعمال جایگزین‌های حبس، قاضی ملزم نیست طبق دستورات از پیش تعیین شده و یک‌سویه قانون، هر پرونده‌ای که به وی ارجاع می‌شود را حکم به حبس بدهد، بلکه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال پرونده از جمله خصوصیات مرتکب جرم، سوابق زندگی وی، شرایط بزه‌دیده و غیره، یکی از جایگزین‌های حبس را اعمال نماید. می‌توان جایگزین‌های حبس را از یک نگاه به سنتی و نوین تقسیم‌بندی نمود. از موارد جایگزین‌های سنتی می‌توان مواردی از جمله جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و از جایگزین‌های نوین نیز می‌توان حبس خانگی، خدمات عام‌المنفعه و غیره را نام برد<sup>۳</sup>.

در خصوص روند تصویب مجازات‌های جایگزین حبس باید گفت فصل نهم قانون مجازات اسلامی جدید با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» در واقع مقررات «لایحه مجازات‌های اجتماعی» است که به پیشنهاد قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۴، ۴، ۸ به تصویب هیأت وزیران رسید و در تاریخ ۱۳۸۴، ۴، ۲۷ تقدیم مجلس شورای اسلامی برای بررسی و تصویب داده شد. در مجلس شورای اسلامی عنوان این لایحه به «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» تغییر داده شد و در نهایت چون حقوق‌دانان به این عنوان ایراد گرفتند<sup>۴</sup> در قانون مجازات

<sup>۱</sup> رستگاری نیا، ژیلا، ۱۳۸۵، راهکارهای کاهش جمعیت کیفری، سال پنجم، شماره ۵۷ و ۵۸، ص ۲۱.

<sup>۲</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی ۲ (اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان)، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ص ۵۳۹.

<sup>۳</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ص ۱۱۱.

<sup>۴</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، ۱۳۸۶، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۱۵.

اسلامی به «مجازات‌های جایگزین حبس»، تغییر داده شد که به همین عنوان نیز ایراداتی وارد است؛ چون طبق مواد این فصل سیاست جنایی «شلاق‌زدایی» نیز علاوه بر حبس‌زدایی در پیش گرفته شده است و ثانیاً «اجتماعی بودن» را از عنوان آن حذف نموده‌اند. این لایحه برای مدت سه سال در مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده بود، تا این‌که در تاریخ ۱۳۸۷، ۴، ۱ در اوایل کار مجلس هشتم، هیأت وزیران، از معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری تقاضای پیگیری آن را نمود و چون هم‌زمان لایحه مجازات اسلامی نیز در مجلس در حال بررسی بود، لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان را در این لایحه ادغام نمودند و بررسی و تصویب آن به صورت هم‌زمان صورت گرفت و در قانون مجازات اسلامی با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» گنجانده شده است.

شاید یکی از دلایل این‌که مجازات‌های اجتماعی را از عنوان برداشته‌اند و فقط واژه «مجازات» را به کار برده‌اند، این امر باشد که برخی از مصادیق جایگزین‌های حبس مثل جزای نقدی، صبغه جامعه‌وی و اجتماعی ندارند و فقط جنبه اقتصادی و مالی دارند. تغییر مثبتی که در عنوان لایحه داده شده است، این است که واژه «حبس» را به جای «زندان» به کار برده‌اند که تغییری بسیار به جا بوده است، چون زندان فقط یک مکان است، در حالی که حبس، حکم است و بدیل‌های حبس، جایگزین حکم می‌شوند نه مکان<sup>۱</sup>.

## ۵-۴- ویزگی های جایگزین های حبس

### ۱-۵-۴- مشارکتی بودن

«مجازات‌های اجتماعی کیفی‌هایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمین با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می‌گردند»<sup>۲</sup> در مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارت‌خانه‌ها و... عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه شده از سوی

---

<sup>۱</sup> ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، مجازات‌های اجتماعی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۳.

<sup>۲</sup> ملکوتی، ۱۳۸۹، پیشین، ۳۵.

جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن دولت و جامعه مدنی در قالب هیأت اجتماع عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه می‌شوند<sup>۱</sup> زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می‌شوند<sup>۲</sup>.

بنابراین امروزه به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری بیش از پیش توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به‌سزایی دارند. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات‌های اجتماعی اشاره شده بود، ولی در قانون مجازات اسلامی جدید این عبارت حذف شده است. اما با توجه به ذاتی بودن مشارکت مردم در این نوع مجازات‌ها این حذف، تأثیری در کاهش نقش مردم در اجرای این مجازات‌ها نمی‌تواند داشته باشد.

## ۲-۵-۴- دو سویه و توافقی بودن

از مهم‌ترین خصیصه‌های مجازات‌های جایگزین حبس، دوسویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضائی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند. این رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضائی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یک‌سویه خارج می‌کند و برای بزهکار در فرایند دادرسی نقشی فعال قائل می‌شود<sup>۳</sup>. بر این اساس بزهکاران یکی از طرفین توافق کیفری به شمار می‌روند و این حق را دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام‌های قضایی مبادرت ورزند. چندان که می‌توانند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. به این ترتیب، بزهکاران به‌عنوان

<sup>۱</sup> جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، چاپ اول، صص ۲۵-۲۴.

<sup>۲</sup> لازرژ، کریستین، ۱۳۹۰، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ص ۱۲۴.

<sup>۳</sup> نیازپور، امیر حسن، (ب)، 1390، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، ص ۶۱.

قبول‌کننده پیشنهاد مقام قضایی مثل دادستان می‌توانند در بستر توافقی شدن مداخله کنند.<sup>۱</sup> از آن‌جا که حکم به جایگزین‌های حبس محدودیت‌های جسمانی و روانی برای شخص محکوم دارد، مجرم باید نسبت به اجرای آن راضی باشد؛ یعنی، مجرم حق دارند از کاری که از آنان خواسته می‌شود، به‌طور دقیق آگاه شوند.<sup>۲</sup>

توافقی و رضایی بودن جایگزین‌های حبس به صراحت در قانون مجازات اسلامی جدید پذیرفته شده است، از جمله در ماده ۸۳ آمده است: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم... مورد حکم واقع می‌شود». هم‌چنین در مورد نظارت الکترونیکی نیز در ماده ۶۱، رضایت محکوم، شرط اعمال این مجازات دانسته شده است. در مورد سایر جایگزین‌ها (دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی) هرچند به صراحت در قانون نیامده است، ولی تا موقعی که بزه‌کار اراده‌ای بر انجام آن نداشته باشد، مسلماً اجرای آن ممکن نیست و همان حبس اجرا می‌شود. مطابق تبصره ۳ ماده ۸۳ «در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.»

### ۳-۵-۴ قابل بازگشت بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های جایگزین‌های حبس این است که قابل برگشت می‌باشد و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل ننماید که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس می‌باشد، دوباره به اجرا در می‌آید. در واقع ضمانت اجرای عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم می‌باشد. طبق ماده ۶۹ ق.م.ا.ج.: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین میکند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود». هم‌چنین مطابق ماده ۸۰: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورات دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود.»

<sup>۱</sup> نیازپور، امیر حسن؛ (الف)، ۱۳۹۰، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، ص ۱۰۸.

<sup>۲</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ص ۲۲۷.

#### ۴-۵-۴- قابل تعلیق، تبدیل، تخفیف

از دیگر خصیصه‌های جایگزین‌ها این است که چنانچه به واسطه مانع خارجی خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، قابل تعلیق است. مطابق ماده ۸۱ ق.م.ا.ج.: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن، بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود».

همچنین طبق تبصره ۴ ماده ۸۳ این قانون: «قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد کند». همان‌طور که معلوم است، این ماده فقط در مورد یکی از جایگزین‌های حبس، یعنی انجام خدمات عمومی موارد تعلیق و تبدیل آن را بیان نموده است و معلوم نیست آیا سایر جایگزین‌های حبس نیز قابل تبدیل یا تعلیق می‌باشند یا خیر؟

ماده ۷۹ ق.م.ا.ج. تخفیف مجازات بعد از اجرایی شدن حکم را بیان نموده است. مطابق این ماده: «چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای یک‌بار بقیه مدت مجازات را تا نصف تقلیل دهد».

#### ۴-۵-۵- عدم طرد مجرم از اجتماع

مجازات‌های جایگزین حبس طوری اعمال می‌شوند که مانع زندگی عادی محکوم نشوند و فرد ضمن این‌که در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل می‌کند. محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعانش در وی خاموش نشده و با گذشت مدت زمانی به اجتماع برمی‌گردد. مطابق ماده ۸۳ ق.م.ا.ج.: «ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم گردد». همان‌طور که این ماده

صراحت دارد، مجازات‌های جایگزین حبس نباید طوری اعمال شوند که مانع زندگی عادی محکوم شود و وی را به سختی اندازد و باعث فشار روانی یا اقتصادی بر وی و خانواده و اطرافیانش شود.

## ۶-۴- شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس

مطابق ماده ۶۳ ق.م.ا.ج.: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود». شرایط مندرج در این ماده برای صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس را می‌توان به شرایط مربوط به «بزه»، شرایط مربوط به «بزه‌کار»، شرایط مربوط به «بزه‌دیده» و وجود جهات تخفیف مجازات در پرونده، تقسیم نمود که در زیر هرکدام به طور جداگانه بررسی می‌شوند:

### ۱-۶-۴- شرایط مربوط به بزه

مطابق ماده مذکور: «مجازات‌های جایگزین حبس... با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم... تعیین و اجرا می‌شود».

نوع جرم یعنی بسته به این که مورد از جرایم عمدی یا غیر عمدی باشد، اعمال جایگزین‌های حبس نیز به همان نسبت متفاوت است. مثلاً در جرایم عمدی با مجازات حبس بیش از یک سال، اعمال جایگزین‌ها امکان‌پذیر نیست، ولی در جرایم غیر عمدی، در کلیه موارد اعمال جایگزین‌ها اجباری است، مگر این که مجازات قانونی بیش از دو سال حبس باشد، که در این صورت نیز استفاده از جایگزین‌های حبس، اختیاری است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی جدید

کیفیت ارتکاب جرم را می‌توان به چگونگی و نحوه ارتکاب جرم و همچنین اوضاع و احوال وقوع جرم، تفسیر نمود. معیارهای تأثیرگذار بر کیفیت ارتکاب جرم می‌تواند مختلف باشد از جمله: تعداد مرتکبین، اتفاقی بودن ارتکاب جرم یا با قصد قبلی بودن آن، زمان و مکان ارتکاب جرم، ساده یا پیچیده بودن جرم. با ارتکاب جرم آثار مادی یا روحی و روانی متعددی بر بزهدیده یا بستگان وی و همچنین بر جامعه وارد می‌شود که هرچه این آثار بیشتر باشد، امید استفاده از جایگزین‌های حبس کاهش می‌یابد.

## ۲-۶-۴- شرایط مربوط به بزهدکار

مطابق ماده ۶۳ فوق‌الذکر: «مجازات‌های جایگزین حبس ... با ملاحظه سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم... تعیین و اجرا می‌شود». این نوع شیوه تعیین مجازات، همان است که در حقوق جزا به آن «اصل فردی کردن مجازات» یا «اصل تناسب مجازات با مجرم» گفته می‌شود.<sup>۱</sup> که در سیاست جنایی تقنینی ایران تا به حال مورد غفلت واقع شده است و به جز در موارد استثنایی مثل ماده ۲۲۲ ق. آ. د. ک. مورد قبول واقع نشده است که آن نیز جنبه اختیاری دارد.<sup>۲</sup> اصل فردی کردن مجازات که ناشی از تکامل حقوق کیفری است، بیانگر این است که مجازات بایستی با توجه به فاعل عمل مجرمانه و شخصیت او تعیین شود، نه این‌که صرفاً بر اساس تناسب مجازات با جرم باشد که دارای رویکرد جرم محور است. فردی‌سازی مجازات، تصحیح مجازات مبتنی بر نیازهای مجرم به‌عنوان یک فرد است.<sup>۳</sup> در شخصی کردن مجازات (فردی کردن مجازات)، قاضی به‌سان یک پزشک، برای تعیین مجازات باید به شخصیت متهم، اوضاع و احوال وی، سوابق وی و علل سوق وی به بزهدکاری، توجه نماید. در این دیدگاه مجرم، بیمار اجتماعی است که کیفر به‌عنوان درمان بایستی متناسب با درجه خطرناکی وی باشد تا او را اصلاح کرده و برای بازگشت به جامعه آماده کند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۸۵، اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۴۱.

<sup>۲</sup> ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۸۹، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، انتشارات فکرسازان، چاپ اول، ص ۸۹.

<sup>۳</sup> یزدیان جعفری، جعفر؛ «اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر»، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۴۲.

<sup>۴</sup> فرج‌اللهی، رضا، ۱۳۸۹، شخصی کردن قضایی مجازات، ماهنامه دادرسی، شماره ۸۰، خرداد و تیر ۸۹، ص ۲۹.

مطابق ماده ۶۳ لایحه مذکور: «مجازات‌های جایگزین حبس در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف... وضعیت بزه دیده... تعیین و اجرا می‌گردد». یکی از شرایط اساسی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس طبق این ماده و مواد بعدی، گذشت شاکی و جبران خسارت وی است. این رویکرد قانون‌گذار، نشان از ترمیمی شدن عدالت کیفری است که در آن به بزه دیده نقش کنش‌گری فعال در فرایند دادرسی داده می‌شود. عدالت ترمیمی، خسارت و درد و رنج‌های روحی و جسمانی بزه‌دیدگان و وابستگان نزدیک آنان در پاسخ‌ها و اقدام‌های ترمیمی که ممکن است گوناگون باشند را محور کار خود قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

حمایت از بزه‌دیدگان یا همان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی ره‌یافتی نو در قلمرو علوم جنایی است که با تزریق آن به کالبد سیاست جنایی می‌توان الگویی از یک نظام عدالت جنایی ترسیم کرد که افزون بر مدار بزه‌کار، بر مدار بزه‌دیده نیز بچرخد. اگر دستگاه عدالت در رفتار با بزه‌دیدگان بلغزد، یک بزه‌دیدگی دومین در کمین بزه‌دیدگان خواهد بود که پیامدهای زیان‌بار آن کمتر از بزه‌دیدگی نخستین - یعنی جرمی که تجربه کرده‌اند - نیست.<sup>۲</sup>

#### ۴-۶-۴- وجود جهات تخفیف مجازات

شرط چهارم برای اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، وجود جهات تخفیف است. این جهات در ماده ۳۷ این لایحه بیان شده که عبارت است از: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی - همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان جرم، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصل از جرم یا بکار رفته برای ارتکاب آن - اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم - اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی - ندامت، حسن سابقه یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری - کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن - خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم - مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

<sup>۱</sup> سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول، ص ۴۸.

<sup>۲</sup> رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، ص ۱۴۳.



## ۷-۴- محدوده اعمال جایگزین های حبس

### ۱-۷-۴- موارد اجباری اعمال جایگزین های حبس

#### ۱- جرایم عمدی تا مجازات سه ماه حبس

طبق ماده ۶۴ ق.م.ا.ج: «مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن سه ماه حبس است، به جای حبس، به مجازات های جایگزین حبس محکوم می گردند».

#### ۲- جرایم عمدی از نود و یک روز تا شش ماه حبس

ماده ۶۵ ق.م.ا.ج: «مرتکب جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات های جایگزین حبس محکوم می گردند، مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

۱- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری؛

۲- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه».

#### ۳- جرایم غیر عمدی

مطابق ماده ۶۷ ل.م.ا.: «مرتکبین جرایم غیرعمدی به مجازات های جایگزین حبس محکوم می گردند، مگر این که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت، حکم به مجازات جایگزین حبس اختیاری است». مطابق این ماده در کلیه جرایم غیرعمدی با هر نوع و میزان مجازات، اعمال جایگزین های حبس اجباری است، هر چند مجازات آن شلاق یا جزای نقدی باشد، مگر این که مجازات آن از دو سال حبس بیشتر باشد که در این صورت، اعمال جایگزین های حبس از جنبه تقنینی و اجباری خارج شده و جنبه قضایی و اختیاری به خود می گیرد. در این ماده «سیاست جنایی تقنینی شلاق زدایی» نیز در پیش گرفته شده

است. یکی از ایرادهایی که به فصل نهم قانون جدید وارد می‌باشد، این است که عنوان فصل، «مجازات‌های جایگزین حبس» است ولی طبق ماده مذکور «جایگزین‌های شلاق و جزای نقدی» نیز بیان شده است و عنوان فصل با مفاد آن هم‌خوانی ندارد. لازم به ذکر است که طبق انتهای ماده هشت لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در مواردی که مجازات قانونی جرمی تنها شلاق تعزیری می‌بود، اعمال جایگزین‌های حبس اختیاری دانسته شده بود که در قانون جدید این قسمت حذف شده است.

۴- جرایمی که نوع یا میزان آن در قوانین موضوعه مشخص نشده است

مطابق ماده ۶۸ ل. م. ا. ج.: «مرتکبین جرایمی که نوع و یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند».

مصادیق این ماده را در ق. م. ا. ۱۳۷۰ عبارتند از: مواد ۶۸، تبصره م ۱۴۹، صدر ماده ۴۳ و م ۲۲۰. طبق ماده ۶۸: «هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار نزد قاضی اقرار نماید تعزیر می‌شود». در قانون مجازات اسلامی جدید مقنن از کلی‌گویی پرهیز نموده است و چون مجازات‌ها درجه‌بندی شده است، در هر مورد، مجازات را بیان نموده است. به نظر می‌رسد در لایحه مجازات نمی‌توان مصداقی برای این ماده پیدا نمود و خود قانون‌گذار نیز به این واقف بوده است و واژه «قوانین موضوعه» را به‌کار برده است تا در کلیه قوانین متفرقه‌ای که بتوان مصداقی از این ماده را پیدا نمود، بتوان مفاد آن را اجرا نمود<sup>۱</sup>.

## ۲-۷-۴- موارد اختیاری اعمال جایگزین حبس

۱- جرایم عمدی دارای مجازات از شش ماه تا یک سال حبس

طبق ماده ۶۶ ق. م. ا. ج.: «دادگاه می‌تواند مرتکبین جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماه ۶۵ اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است».

۲- جرایم غیر عمدی بیش از دو سال حبس

<sup>۱</sup> ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، پیشین.

طبق انتهای ماده ۶۷ ق. م. ا. ج. اگر مجازات جرایم غیر عمدی از دو سال حبس بیشتر باشد، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس اختیاری می‌شود<sup>۱</sup>.

### ۳-۷-۴- موارد غیر قابل اعمال جایگزین‌های حبس

#### ۱- جرایم عمدی دارای حبس بیش از یک سال

مطابق ماده ۷۲ ق. م. ا. ج.: «در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید». قانون‌گذار در این مورد بر اساس جرم ارتكابی و مجازات آن مجرم را دارای حالت خطرناک می‌داند و آزادی وی را مخل نظم و امنیت عمومی. همچنین اگر مجرم در چنین مواردی با عنوان جایگزین‌های زندان در جامعه رها شود، اثر بازدارندگی مجازات‌ها از بین می‌رود و باعث تجری و تشویق دیگران به ارتكاب جرم می‌شود و مجرمان بالقوه این احساس را پیدا می‌کنند که دستگاه قضایی با آن‌ها کنار می‌آید، به همین جهت به سمت ارتكاب جرم سوق داده می‌شوند.

#### ۲- جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور

مطابق ماده ۷۰ ق. م. ا. ج.: «اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است». تنها جرمی که مقنن آن را بر اساس «ماهیت و موضوع» از شمول مجازات‌های جایگزین حبس استثنا نموده است، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است و این به خاطر اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشور است و همیشه اولویت حکومت، حفظ نظم داخلی و خارجی کشور است. به همین خاطر در مورد این جرایم رویکرد سزادهی و گذشته‌گرایی در اولویت قرار دارد تا اصلاح‌پذیری و آینده‌نگری. به نظر می‌رسد منظور از جرایم علیه امنیت، همان جرایم مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است.

<sup>۱</sup> میرشمس شهشهانی، مائده، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت زندان، انتشارات میزان، چاپ اول.

### ۳- مجرمین سابقه‌دار

مطابق ماده ۶۵ ق. م. ا. ج.: «... مرتکبینی که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد، در مورد آنها نمی‌توان مجازات‌های جایگزین حبس را اعمال نمود: ۱- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری؛ ۲- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.»

### ۴- تعدد جرایم عمدی

مطابق ماده ۷۱ ق. م. ا. ج.: «تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.» همان‌طور که قابل ملاحظه است، مطابق این ماده اولاً: تعدد جرایم غیرعمدی مانع اعمال جایگزین‌های حبس نیست، هر چند مجازات آنها بیش از شش ماه حبس باشد. ثانیاً، تعدد جرایم عمدی به‌طور مطلق مانع استفاده از مجازات‌های جایگزین نیست، بلکه بایستی حداقل مجازات یکی از آنها بیشتر از شش ماه حبس باشد.

### ۵- احکام قطعی صادره پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون

مطابق ماده ۷۳ ق. م. ا. ج.: «مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجرا نمی‌گردد.» ماده ۷۸ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله وزارت‌خانه‌های کشور و دادگستری، تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجرا می‌گردد.»

---

<sup>۱</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۶، مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول.

## ۸-۴- جایگزین های زندان در مرحله پیش از محاکمه

متهمی که وارد فرایند کیفری می شود تا زمانی که مجرمیت و مسوولیت کیفری او در یک دادگاه مستقل، بی طرف و به طور منصفانه به اثبات نرسد بی گناه فرض می شود و از آثار و مزایای فرض برپایت برخوردار می گردد. ان فرض هم در اسناد بین المللی متعدد مانند اعلامیه حقوق بشر (۱۳۴۸)، میثاق حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۶) و هم در اسناد منطقه ای مهم مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و هم در قوانین داخلی کشورها و نیز قوانین اساسی، به صراحت بیان شده است. یکی از مهم ترین آثار فرض برپایت، حق آزادی متهم قبل از محکومیت قطعی به حبس می باشد. لذا هیچ چیز سلب یا تحدید آزادی متهم را مشروع نمی سازد مگر این که فرد مرتکب عمل مجرمانه ای شود و این امر در دادگاه صالح به اثبات می رسد و دادگاه مذکور نیز مجازات سالب آزادی برای عمل ارتكابی او در نظر بگیرد.<sup>۱</sup>

با وجود این که اصل بر آزادی متهم است، در قوانین آیین دادرسی کشورها، امکان بازداشت موقت متهم در موارد ضروری و با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است. بازداشت موقت به معنای « سلب آزادی متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی » است. قابل ذکر است که به دلیل تعارض ذاتی بازداشت موقت با فرض برپایت و آزادی فردی، جرم شناسان و حقوق دانان کیفری و متعاقب آن سازمان های بین المللی و منطقه ای و دولت ها بر آن شدند که با وضع قواعد و مقررات لازم موارد توسل به چنین تدبیری را تعریف و محدود نمایند و مقامات قضایی را وادارند که از آن به عنوان آخرین چاره و برای کوتاه ترین دوره زمانی ممکن استفاده نمایند. در اجرای چنین سیاستی تلاش شده است تا راهکارهای جایگزین یافته شود و تا آنجا که ممکن است از بازداشت موقت استفاده نگردد و این جایگزین ها حتی الامکان از ابتدای تعقیب مورد استفاده قرار گیرند؛<sup>۲</sup> به بیان دیگر اصل بر آزادی است و از بازداشت موقت تنها به عنوان آخرین راه چاره باید بهره جست.

<sup>۱</sup> آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.

<sup>۲</sup> ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۸۹، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، انتشارات فکرسازان، چاپ اول.

## ۹-۴- جایگزین های پیش از محاکمه در حقوق ایران

ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به قاضی تحقیق اجازه می داد که یکی از قرارهای پنج گانه مذکور در آن ماده را صادر نماید. انواع تامین های مذکور عبارتند از:

۱-التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف؛

۲-التزام عدم خروج بت تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم؛

۳-اخذ کفیل، در صورتی که متهم تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول بده، بازپرس مکلف به ثبوت آن است؛

۴-اخذ وثیقه؛

۵-توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ مکرر.

تبصره: در مواردی که خروج متهم با اجازه بازرس یا دادستان باشد، در صورت عدم موافقت آنها متهم می تواند به دادگاه شهرستان شکایت کند و هرگاه دادگاه تقاضای متهم را موجه دانست می تواند اجازه خروج دهد.

در ماده ۱۳۲ قانون جدید آمده است: « به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تامین زسر را صادر نماید:

۱-التزام به حضور با قول شرف؛

۲-التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الكفاله؛

۳-اخذ کفیل یا وجه الكفاله؛

۴-اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول یا غیر منقول؛

بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر<sup>۱</sup>.

این قرارها به ترتیب تشدید می شوند که به استناد ماده ۱۳۴ این قانون با توجه به اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل، اسباب اتهام، احتمال فرار متهم، از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت مزاج سن و حیثیت او متناسب باشد<sup>۲</sup>.

لازم به ذکر است که قانون گذار جدید تامین دیگری را به موارد بالا اضافه کرده است. بر طبق ماده ۱۲۳ این قانون: « با توجه به اهمیت جرم، دادگاه می تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید کند».

## ۱۰-۴- جایگزین های کیفری حبس در مرحله رسیدگی و اجرای حکم

### ۱۰-۴-۱- روش های سنتی

#### ۱- آزادی مشروط

آزادی مشروط فرصت و مجالی است که فرد در حال حبس قبل از پایان دوره محکومیت از طرف دادگاهی که حکم به محکومیت او را صادر، و با رعایت شرایطی که قانون مشخص کرده است به او اعطا می شود. و اگر در طول آزادی با رعایت قوانینی که بر او مقرر شده است، همچنین از خود رفتار پسندیده و مطلوب نشان دهد که معلوم شود او در مدت محکومیت جزایی بر او مؤثر بوده آزادی او قطعی خواهد شد. در این صورت قانون آزادی مشروط توانسته است که مجرم را که جرمی مرتکب شده به کیفر اعمالش برساند و هم یکی از ویژگی های کیفر ارباب و ترس و تحقیر است، مورد اجرا درآورد و فردی که در مدت حبس اصلاح شده دیگر نیازی به ادامه مجازات او نیست و او می تواند در محیط اجتماعی بیشتر از محیط زندان رشد و پیشرفت کند و محکوم علیه آمادگی بیشتری برای بازگشت به جامعه و پذیرش در گروه را دارد پس

<sup>۱</sup> رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول.

<sup>۲</sup> همان

آزادی مشروط علاوه بر نفع فردی منافع اجتماعی را نیز در نظر دارد و یکی از ابزارهای فردی کردن مجازات است.<sup>۱</sup>

قانونگذار ایران به علت مفید و مؤثر بودن این سیستم کیفری، نهاد آزادی مشروط از را به « قانون آزادی مشروط زندانیان » قوانین جزایی فرانسه اقتباس و در سال ۱۳۳۷ تصویب رسانید که مشتمل بر ۱ ماده واحده و ۹ تبصره می باشد. که مطابق ماده واحده این قانون، شخصی که مرتکب جنحه، جنایتی شده است، با رعایت شرایط خاص، ممکن است از آزادی مشروط استفاده کند.<sup>۲</sup>

آزادی مشروط مقدم هی آزادی قطعی زندانی است. در این دوره محکوم علیه موقتاً از تحمل باقیمانده ی مدت مجازات حبس معاف م یگردد. اگر مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد این آثار جریان خواهد داشت و مجازات های تتمیمی مانند اقامت اجباری نیز همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

مدت آزادی مشروط، از تاریخ قطعیت صدور حکم آغاز می شود. بدیهی است که مدت آزاد مشروط، علی القاعده شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود. اما در قانون مجازات اسلامی قانونگذار در ماده ی ۴۰ مدت آزادی مشروط را به تشخیص دادگاه واگذار کرده و مدت آن نیز، نباید از ۱ سال کمتر و از ۵ سال زیادتر باشد.<sup>۳</sup>

از دیگر آثار آزادی مشروط می تواند این باشد که دادگاه نوعی نظارت بر رفتار فرد زندانی در طول دوره ی آزمایشی به عمل خواهد آورد. اگر دادگاه صادرکننده ی حکم محدودیتهایی را مانند معرفی نوب های زندانی آزاد شده به مراکز تعیین شده و امثال آن را پذیرفته باشد. خودبه خود نوعی نظارت بر رفتار زندانی در طول دوره آزمایشی به عمل خواهد آمد. با تقویت اقدامات حمایتی و تمهید سیاست نظارت در این دوره احتمال اینکه زندانی آزاد شده سربلند از این آزمایش بیرون آید. فزونی است.<sup>۴</sup>

اما بعد از آزادی کامل و قطعی زندانی محکومیت کیفری او کماکان باقی در سبج کیفری او محفوظ خواهد ماند. اگر بعد از آزادی مرتکب جرم دیگری شود در حکم تکرار جرم در مورد او اجرا خواهد شد.

<sup>۱</sup> زراعت، عباس، ۱۳۸۴، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۱۰۳، چ سوم، انتشارات تهران، ققنوس.

<sup>۲</sup> نوربها، رضا، ۱۳۸۴، زمینه ی حقوق جزای عمومی ص ۴۳۱، چ ۱۳، تهران، انتشارات گنج دانش.

<sup>۳</sup> ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۲، کلیات حقوق و جزای عمومی، ص ۵۰۷، چ ۱، انتشارات خورشید .

<sup>۴</sup> اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۵، حقوق و جزای عمومی، ص ۲۵۳، چ ۲، ۱۱، تهران، انتشارات میزان.



## ۲- تعلیق مراقبتی

تعلیق مجازات به عنوان یکی از عوامل تعدیل کننده محکومیت های کیفری، از جمله موضوعات مهم حقوق جزای عمومی است این تاسیس حقوقی در تاریخ حقوق کیفری نمودی است که در قرن نوزدهم شکل گرفته و نهادینه شده و در قرن بیستم راه کمال را پیموده است. مطالعه سوابق تاریخی تعلیق مجازات در نظامات کیفر نشان می دهد که فکر اندیشه علمی راجع به این نهاد بعد از اندیشه علمی راجع به این نهادینه شدن در قوانین مجازات، در دو مفهوم ابتدایی تعلیق ساده و مفهوم پیشرفته آن، تعلیق توأم با مراقبت مورد توجه صاحب نظران و قانونگذاران قرار گرفته است<sup>۱</sup>.

قاعده تعلیق مجازات در سیستم جزائی کشورمان برای نخستین بار در قانون مجازات عمومی ضمن مواد (۴۷ تا ۵۰) در خصوص مجرمین به جرایم جنحه ای پذیرفته شد. متعاقب آن در سال (۱۳۰۷) مقررات تعلیق اجرای مجازات مورد اصلاح قرار گرفت. در این قانون موارد مشمول تعلیق، بمراتب محدودتر شد سرانجام در سال (۱۳۴۶) مقرره خاصی تحت عنوان (قانون تعلیق اجرای مجازات) مشتمل بر (۱۸) ماده به تصویب رسید به موجب ماده (۱) این قانون برای محکومیت های حبس تادیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جنایتی باشد (چنانچه مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نباشد)؛ دادگاه می تواند با احراز شرایط عینی اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت، معلق کند. در ماده ۱۷ این قانون آمده بود که وزارت دادگستری مکلف است ظرف پنج سال پس از تصویب این قانون وسایل اعمال نظارت بر عملکرد مجرمینی که اجرای مجازات تعلیق دستوراتی برای آنها صادر شده فراهم کند و برای تحقق این منظور، تصویب آیین نامه خاصی پیش بینی شده بود. اما تصویب این آیین نامه سالها به تعویق افتاد تا این که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب آیین نامه امور زندانها در جلسه ۲۷۳ (مورخ ۲،۷، ۱۳۶۱) شورای عالی قضایی، وقت به تصویب رسید. اما در جریان تصویب قانون آزمایشی مجازات اسلامی در سال (۱۳۶۱) توسط کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، تعلیق اجرای مجازات از صورت قانون خاص خارج شد و در قالب ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۶۱)، پیش بینی شده بود و سرانجام

<sup>۱</sup> علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، حقوق جنائی، جلد دوم، ص ۳۶۷، سال چاپخانه بانک ملی.

به تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقررات ماده (۴۰) سابق فسخ گردید و مقررات تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر ضمن مواد ۲۵ تا ۳۷ این قانون با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است ناگفته نماند که در قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (مصوب ۱۳۶۵، ۳، ۲۵) در ماده ۲۲ این قانون تعلیق تعقیب کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا بدین شرح مورد توجه و تاکید قانونگذار قرار گرفته بود: (در کلیه اتهامات از درجه جنحه به استثنای جحه های باب دوم قانون مجازات عمومی هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید دادستان راساً می تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط معین در قانون تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره های ۱ و ۲ ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی، و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی، معلق نماید)<sup>۱</sup>. علاوه بر آن در سیستم جزائی فعلی، اعطای تعلیق به مجرم در قانون مجازات اسلامی رابطه مستقیمی با نوع جرم و مجازاتی رابطه مستقیمی با نوع جرم و مجازاتی که دادگاه مجرم را به آن محکوم کرده است دارد همچنین این ارفاق قانونی تنها شامل حال مجرمی خواهد شد که برای نخستین بار مرتکب جرمی شده باشد که دادگاه او را محکوم به مجازات تعزیری یا بازدارنده کرده باشد. اعم از این که حکم صادره ناشی از ارتکاب جرایم قابل تعزیر یا بازدارنده باشد و یا این که حکم به محکومیت تعزیری یا بازدارنده ناشی از ارتکاب جرایمی باشد که اصالتاً مجازات آنها در قانون قصاص عضو یا حد تعیین شده است اما با در نظر گرفتن شرایط مندرج در مواد قانونی مجرم را به شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه به او تعزیر با نظر حاکم موقوف کرده است مانند مقرر ماده ۲۹۱ در باب قصاص عضو، و ماده ۶۸ در باب زنا و نظایر آنها. از طرف دیگر انواع محکومیت های تعزیری و بازدارنده - اعم از حبس یا جزای نقدی یا شلاق - چنانچه به عنوان مجازات اصلی برای مجرم از طرف دادگاه به هر میزانی که باشد تعیین گرد قابل تعلیق خواهد بود مگر اینکه از جمله محکومیت هایی باشد که قانونگذار آن را به لحاظ حیثیت عمومی و مخاطرات ناشی از جرم تعلیق در قانون ممنوع نموده باشد. از طرف دیگر در حال حاضر محکومیت به حبس توأم با جزای نقدی قابل تعلیق نیست و همین طور اقدامات تامینی هم شامل تعلیق نخواهد شد در توجیه ممنوعیت تعلیق اقدامات تامینی می توان گفت نظر به اینکه اقدامات تامینی (مانند حکم به اعزام معتاد به مواد مخدر به محل ترک اعتیاد و بازپروری و یا اقدامات تربیتی در مورد صغار و نظایر اینها) اقدامات فوری لازم است و به تاخیر انداختن آنها به مصلحت مجرم و جامعه نیست و نمی توان اجرای آن را معلق نمود. و در نهایت مجازاتهای تکمیلی و تبعی ناشی از محکومیت های جزایی در جرایم قابل تعزیر مانند جرم کلاهبرداری،

---

<sup>۱</sup> صانعی، پرویز، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی جلد دوم، ص ۲۹۲، دانشگاههای سابق.

اختلاس و ارتشا، که به موجب انفصال موقت یا دائم مجرم از شغل دولتی می گردد و همین طور بستن موسسه یا محل کار یا ضبط اشیای ناشی از جرم مستقیماً قابل تعلیق نیست.<sup>۱</sup>

## ۲-۱۰-۴- روش های جدید

### ۱- حبس خانگی

مفهوم حبس در خانه، اصطلاحی است که بر محدودیت در رفت و آمد و خروج از منزل اشاره دارد. در اجرای این مجازات، آزادی ورود و خروج محکوم علیه از زندان محدود می شود و او ملزم می گردد در منزل خود باقی بماند. در این نوع مجازات، خانه محکوم علیه در حکم زندان بوده و حکم سلول را دارد. به منظور کنترل بیشتر و بهتر محکومان، از پیشرفت ها و فناوری های الکترونیکی استفاده شده است و در راستای آن، شیوه ای مفید و مؤثر با عنوان مراقبت الکترونیکی در سیاست کیفری، ابداع گردیده است. در این شیوه مجازات، دستگاه فرستنده کوچکی به مچ دست و مچ پای بزهدار، بسته می شود که امواج الکترونیکی را به شکل پیوسته ارسال می کند. طراحی این فرستنده به گونه ای است که هیچ مانعی در فعالیت های روزمره اشخاص ایجاد نمی کند.<sup>۲</sup>

این امواج از طریق گیرنده مخصوصی که در اختیار مأموران قرار می گیرد، قابل دریافت است. این دستگاه قابلیت اتصال به سیستم تلفن را دارد و زمانی که مأموران مراقب در زمان های مشخص شده بخواهند با شخص مورد نظر تماس حاصل کنند، دستگاه فرستنده به سیستم تلفن متصل شده و از این طریق حضور وی در خانه، تایید می شود. همچنین دستگاه های گیرنده به گونه ای طراحی شده اند که اگر کسی تلاش نماید دستگاه فرستنده را از محل نصبش در بدن بزهدار، جدا نماید، اخطار و علائم مخصوص را دریافت می کند و مأموران مراقب از این موضوع مطلع می شوند. شایان ذکر است که در حکم محکومیت کسانی که در قالب این روش در حال تحمل مجازات هستند، قید می شود که شخص محکوم یا اعضای خانواده اش ملزم هستند به تلفن

---

<sup>۱</sup> ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۵، حقوق جزای عمومی جلد چهارم، ص ۱۹۲، چاپ دوم، نشر داد.

<sup>۲</sup> Snow ,Penny, "Electronic Monitoring of Offender, International Review of Law, Vol.11,1997 pp,147,410,413.

مأموران مراقب، برابر برنامه تنظیمی و در اوقات مشخص، پاسخ دهند تا از حضور وی در منزل اطمینان کسب شود در ضمن برنامه و اوقات کار و تحصیل و یا برنامه معالجات و معاینات پزشکی محکوم علیه در اختیار مأموران مراقب، قرار می‌گیرد. لذا کلیه فعالیت های خارج از خانه الزاماً به تأیید مأموران مراقب خواهد رسید. بررسی حضور محکوم علیه در منزل منحصر به ایام مندرج در برنامه های تنظیمی است.<sup>۱</sup> با توجه به قابل اعتماد بودن تجهیزات الکترونیکی و اطمینان از عملکرد منظم و دقیق آنها، استفاده از این روش رو به توسعه است.<sup>۲</sup>

در سیاست کیفی کشور ایران نیز، اخیراً گرایش برخی دادرسان به این موضوع جلب شده است. از جمله برخی از شعبات دادگاه اطفال، اقدام به صدور آرای در زمینه اعمال کیفر حبس در خانه نموده‌اند.

## ۲-تعلیق مراقبتی فشرده

از آنجاکه هدف از نظارت به‌عنوان یک تدبیر اصلاحی اجتماعی به‌کارگیری تدابیر پشتیبان نسبت به مجرمان بیرون از محیط رسمی زندان یا مؤسسه های اصلاحی و تربیتی ست این نظارت می‌تواند به شکل های مختلفی انجام گیرد ، ممکن است ساده و بدون تحمیل شرایط فوق‌العاده باشد . از جمله آن‌که مجرم موظف باشد هر ماه خود را به پلیس یا سایر ارگان های رسمی مسئول معرفی کرده و گزارشی از حضور خویش در حوزه قضایی محل کار و غیره ارائه کند . در مقابل ممکن است مشدد یا فشرده باشد هم چنان‌که ممکن است موضوع نظارت آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی باشد.<sup>۳</sup>

برنامه‌های فشرده شیوه‌ای از نظارت است که مستلزم سطح بالایی از تماس مجرم با مأموران اصلاح و مراقبت و نیز اعضای جامعه است و به‌گونه‌ای که می‌دانیم هدف این نهاد تحمیل مجازاتی ست که از زندان

---

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> Department of Justice, " Bureau of Justice Statistic, Survey of State Prison Inmatee" , U.S.A Washington D.C Government Office,1993,p.3.

<sup>۳</sup> تدین، عباس، ۱۳۸۵، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلی کیپی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، جلد پنجم.

سبک‌تر و از تعلیق مراقبتی ساده شدیدتر باشد. در اغلب برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده به اجرای مطلق برنامه تأکید می‌شود. شیوه‌ی نظارت در این برنامه‌ها نظارت الکترونیکی را نیز دربرمی‌گیرد<sup>۱</sup>.

به‌طور دقیق نمی‌توان از جداکننده‌های شکل ساده‌ی تعلیق از شکل مشدد آن سخن گفت اما به‌طور کلی مؤلفه‌های اصلی نظارت فشرده عبارت‌اند از:

الف) تماس‌های پیاپی ماهانه میان مأموران اصلاح و مراقبت و مجرمان

ب) توسل به یک سلسله الزامات از جمله آموزش‌های شغلی یا حرفه‌ای و کار و خدمات عمومی و آزمایش‌های شغلی یا حرفه‌ای و کار و خدمات عمومی و آزمایش مواد مخدر یا درمان معتادان و در پاره‌ای از موارد محدودیت یا ممنوعیت در رفت‌وآمد<sup>۲</sup>.

تعلیق مراقبتی فشرده برای مجرمان در معرض خطری که زندان برای آنان نامناسب به نظر می‌رسد طرح‌ریزی شده است. این برنامه‌ها برای فراهم کردن بالاترین حد نظارت و کمک به محرم برای تعمیر رفتارشان (الگوهای منفی رفتار) در نظر گرفته می‌شود. رفتار محرم از رهگذر بازدید در منزل یا محل کار و شرکت در جلسه‌های مشاوره و تماس با اعضای خانواده و مشاوران و برخی موارد از رهگذر بازرسی و توقیف و ضبط اموال ناشی از ارتکاب جرم و بازداشت او مورد نظارت قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده امکان نظارت نزدیک بر مجرمان را به‌وسیله‌ی مأموران آموزش‌دیده و از رهگذر مشاوره‌های فردی برای مصرف مواد مخدر و الکل و آسیب‌های روانی و خشونت خانگی و نظارت برخشم و پرخاشگری نظارت و درمان مجرمان جنسی فراهم می‌کند<sup>۳</sup>.

مؤثر واقع شدن تعلیق مجازات و رسیدن به اهداف اصلاحی آن، نیازمند اعمال کنترل و نظارت بر فرد بزهکار است. این نظارت تا دو دهه قبل به‌صورت سنتی اعمال می‌شد اما با توجه به کثرت بزهکاران و پراکندگی آن‌ها و محدود بودن ساعات خدمتی مأموران و بالا بردن هزینه‌ها، مراقبت به‌وسیله عامل انسانی

<sup>۱</sup> کوشا، جعفر، ۱۳۸۱، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

<sup>۲</sup> تدین، عباس، ۱۳۸۵، پیشین.

محمدی نسل، غلام رضا، ۱۳۸۴، نظارت الکترونیکی بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول.

چندان موفقیت‌آمیز نبوده و در دو دهه اخیر، در برخی از کشورها، بر استفاده از ابزارهای الکترونیکی، تاکید شده است.

#### ۱۱-۴- مجازات های جایگزین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی

با بررسی های علمی و مطالعات جرم شناختی این نتیجه حاصل شد که مجرمین، ناتوان از همگرایی با هنجارهای جامعه هستند لذا یکی از اهداف مجازات های اجتماعی، کمک به سازگار شدن و جامعه پذیر شدن مجرمین به منظور ادغام اجتماعی و همنوایی با ارزش های جامعه‌ی است. سیاست کیفری قانونگذار که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است، حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین حبس یا مجازات های اجتماعی است. در هدف چنین رویکردی این است که بودن اعمال مجازات حبس، بتوان مجرمین را تحت نظر گرفت و رفتارهای آنها را به نفع منافع جامعه و ارتقای امنیت و توسعه فرهنگی - اجتماعی تغییر داد<sup>۱</sup>.

لازم به ذکر است که این طیف از اقدامات و تدابیر به مجرمان این امکان را می دهد تا با حضور در جامعه در برنامه هایی که برای یکپارچگی آنان در جامعه طرح ریزی شده اند شرکت کنند. در این راستا تخفیف مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، نظام آزادی مشروط، مجازات های جایگزین حبس، سیاست هایی است که با دو هدف حایت از جامعه و یکپارچگی و ادغام مجرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ لحاظ شده است.

#### ۱۱-۴-۱- تخفیف مجازات

یکی از راه های پیش بینی شده در قانون جدید مجازات اسلامی برای کاهش مجازات حبس و یا تبدیل آن به مجازاتی مناسب تر به حال مجرم، تخفیف مجازات است البته با این شرط که جهات تخفیف وجود داشته باشد. قانون گذار در این قانون در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، کاهش مجازات

---

<sup>۱</sup> قانون جدید مجازات اسلامی ابلاغی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی.

حبس را به میزان یک یا دو درجه پیش بینی کرده است.<sup>۱</sup> ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به شرح ذیل تقلیل داده یا تبدیل کند:

۱. حبس به میزان یک یا دو درجه؛

۲. مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

۳. انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

۴. سایر مجازات های تعزیری به میزان پنج تا پانزده سال.

همچنین دادگاه می تواند در رابطه با جرائم تعزیری درجه هفت و هشت یعنی حبس های کوتاه مدت ۹۱ روز تا ۶ ماه و یا حبس تا سه ماه در صورتی که مجرم را بدون اجرای مجازات اصلاح پذیر شناسایی کند، حکم به معافیت از کیفر صادر کند. ماده ۳۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر نماید».

## ۲-۱۱-۴- تعویق صدور حکم

یکی از تصمیمات پیش بینی شده در راستای اصلاح مجرمین تعویق صدور حکم می باشد که با تاکید بر رفع نیاز های مجرم نه شدت جرم اتخاذ می گردد. اجرای عدالت در طی سالیان متمادی با پندواندرز از تجربیات گذشته بالنده می شود. در مراحل اجرای عدالت در نظام کیفری به ویژه هنگام تعیین کیفر قاضی دادگاه نقشی تعیین کننده و ممتازی برای حصول به اهداف نظام کیفری ایفا می نماید. اعطای اختیار به دادگاه جهت تعیین کیفر از میان انتخاب های گوناگون کیفر، آزادی برای تعیین سیاست کیفری تلقی می شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۹۲، سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حبس زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، ج ۱، نشر میزان.

نظام تعویق صدور حکم ریشه در حقوق انگلستان دارد و قضات انگلیسی در زمان های دور چنانچه در صحت ادله تردید داشتند یا شرایط خاصی اقتضای کرد، صدور حکم را به تاخیر می انداختند تا درخواست عفو از پادشاه صورت گیرد و این نظام در طول زمان به تدریج تبدیل به نظام تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم شد.<sup>۱</sup>

همانگونه که بیان گردید یکی از اهداف مجازات حبس اصلاح مجرمان می باشد. اساس فلسفه قاعده تعویق صدور حکم، محکومیت مبتنی بر نظریه برچسب زنی است. که در واقع برچسب مجرمیت به افراد متهم الصاق نشود.<sup>۲</sup> به موجب قانون، دادگاه در همه جرایم این اختیار و صلاحیت را برای تعویق صدور حکم ندارد. ولی در حوزه جرایم تعزیری که بسیاری از جرایم به هر حال در این حوزه قرار می گیرند، دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت، صدور حکم را به تعویق اندازد.

تعویق صدور حکم به عنوان یکی از تدابیر اصلاحگرایانه مجرمان رابطه تنگاتنگی با جرم شناسی داشته و تمایل به حمایت از مجرمان و اصلاح رفتار آنها و اتخاذ تصمیمی مناسب با نیازهای جرم دارد. این نهاد برای اولین بار است که در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است و دارای سابقه قانون گذاری در ایران نمی باشد.

به نظر می رسد تعویق صدور حکم و قوانین مربوط به آن از حقوق فرانسه اتخاذ گردیده است و در کنار معافیت از مجازات پیش بینی شده است. نظر عده ای از حقوقدانان بر این است، که تعویق را نمی توان به عنوان جایگزین حبس محسوب نمود بلکه تعویق یک انصراف از مجازات محسوب می شود. به نظر می رسد در صورتی که ما مجازات جرمی را تعویق نکنیم مجبوریم که برای آن شخص حبس تعیین کنیم و در اینجاست که مشخص می گردد می توان تعویق مجازات را نیز جایگزین حبس دانست و از آن در راستای حبس زدایی استفاده نمود.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> زراعت، عباس، ۱۳۹۳، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، تهران، ققنونس.

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق جزای عمومی ج ۱ و ۲، نشر میزان.

<sup>۳</sup> سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.



طبیعی به نظر می‌رسد که خیلی از قضات در ابتدای اجرای تعویق مجازات آمادگی اجرای آنرا ندارند به همین دلیل ممکن است از اجرای آن در مواردی که قادر به استفاده از این نهاد می‌باشند استنکاف نمایند. بر طبق قانون جدید مجازات اسلامی، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده می‌تواند موجب تعویق صدور حکم به مدت شش ماه تا دو سال گردد. ماده ۳۹ قانون مجازات ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در جرتیم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸ دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی مه موجب ارتکاب جرم گردیده در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

۱- وجود جهات تخفیف؛

۲- پیش بینی اصلاح مرتکب؛

۳- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛

۴- فقدان سابقه کیفری موثر.

همچنین با استناد به ماده ۴۳ قانون مذکور، در تعویق مراقبتی دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی، او را به گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی تحصیلی یا ورزشی الزام نماید به طوری که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند!

---

۱ ماده ۴۳- در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او بهنحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌های خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

لازم به ذکر است قانون مجازات ۱۳۹۲ برای زمانی که مجرم در مدت تعویق مرتکب جرم گردد، تمهیداتی در نظر گرفته است و در ماده ۴۴ این قانون آمده است: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر میکند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند».

همچنین دادگاه پس از گذشت مدت تعویق و با ارزیابی وضعیت مجرم حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کنند<sup>۱</sup>.

### ۳-۱۱-۴- تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات یک وسیله ارفاقی است که دادگاه با رعایت شرایطی به مجرم اعطا می‌کند. در قانون مجازات اسلامی جدید، تعلیق مجازات تعریف نشده و بیشتر به موارد تعلیق ذکر شده است. اما به طور کلی تعلیق اجرای مجازات عبارت از روش قانونی تعدیل مجازات است که به موجب آن قاضی دادگاه با رعایت شرایطی می‌تواند اجرای مجازاتی را برای مدت معینی با هدف اصلاح و تربیت مجرم به تاخیر اندازد. به همین دلیل تعلیق اجرای مجازات یکی از راه‌های قانونی اعطای فرصت به مجرم برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت مجرم به زندگی عادی در جامعه است<sup>۲</sup>. قانون جدید مجازات اسلامی به

---

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

<sup>۱</sup> ماده ۴۵- پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

<sup>۲</sup> سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.

موضوع تعلیق در فصل ششم خود پرداخته است. البته در قانون مجازات اسلامی سابق، قاضی می‌توانست بر اساس مواد ۲۵ تا ۳۶ قانون مجازات اسلامی، تحت شرایطی اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را تعلیق کند. در ادامه دیدگاه قانون مجازات اسلامی جدید را بررسی کرده و تفاوت‌های آن را با قانون مجازات سابق ذکر خواهیم کرد.

بر اساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی جدید قاضی دادگاه در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند. البته لازم به ذکر است که قانون جدید در مواد بعدی خود استثناهایی را نیز ذکر کرده است که مشمول تعلیق اجرای مجازات نمی‌شود. مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات، همچنین جرایم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرایم علیه عفت عمومی تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا، قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان، تعزیر بدل از قصاص نفس و معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض و جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یک صد میلیون ریال قابل تعلیق نیست.

قانون مجازات اسلامی جدید همانند قانون سابق در ماده ۴۹ خود تعلیق اجرای مجازات را به دو نوع ساده و مراقبتی تقسیم کرده است. در تعلیق ساده متهم تعهد می‌کند که در مدت تعلیق جرمی انجام ندهد، اما در تعلیق مراقبتی علاوه بر رعایت شرایط تعلیق ساده باید دستورات دادگاه را نیز در مدت تعلیق انجام دهد.

از سوی دیگر در رابطه با تقاضای تعلیق باید گفت که در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی جدید، دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعلیق کند. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق کند.

در قانون سابق مجازات اسلامی نیز آمده بود که دادگاه پس از احراز شرایط تعلیق، ضمن حکم محکومیت قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر خواهد کرد که باید جهات و موجبات تعلیق و دستورهای را که محکوم علیه باید در مدت تعلیق از آن تبعیت کند، در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بین ۲ تا ۵ سال معین

کند. ضمناً آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه در حکم صریحاً قید و به محکوم علیه اعلام می‌شود. اما در صورتی که محکوم علیه فقط دستورات دادگاه را اجرا نکند و از آن سرپیچی کرده و عذر موجهی ارائه ندهد برحسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادرکننده حکم تعلیق برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه می‌شود و برای بار دوم قرار تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجراگذارده خواهد شد. افزایش مدت ممکن است موجب آن شود که از حداکثر ۵ سال مذکور در قانون تجاوز کند.

همچنین بر اساس ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی جدید، هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر، و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به‌طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود.<sup>۱</sup>

به طور کلی می‌توان تفاوت‌های تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات ۱۳۷۰ را با قانون جدید مجازات اسلامی به موارد ذیل تقسیم کرد:

۱- در قانون مجازات ۱۳۷۰ تعلیق در جرایم تعزیری و بازدارنده قابل اعمال بود اما در قانون جدید مجازات اسلامی در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ قابل اعمال است.

۲- مدت تعلیق در قانون سابق دو تا پنج سال است ولی در قانون جدید یک تا پنج سال مدنظر قرار گرفته است.

۳- در قانون جدید مجازات اسلامی آمده است که دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری پس از اجرای یک سوم از مجازات می‌توانند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعلیق کنند که این امر نوآوری قانون جدید بوده و در قانون مجازات ۱۳۷۰ سابقه ندارد.

---

<sup>۱</sup> زراعت، عباس، ۱۳۹۳، پیشین.

۴- در قانون مجازات اسلامی آمده است که محکوم علیه پس از اجرای یک سوم از مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی می‌تواند از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق اجرای مجازات را داشته باشد که این امر در قانون سابق وجود نداشت.

۵- محکومیت‌های قابل تعلیق در قانون مجازات ۱۳۷۰ سه مورد است اما در قانون مجازات اسلامی جدید محکومیت‌های قابل تعلیق بیشتر شده است.

۶- در قانون مجازات ۱۳۷۰ تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر می‌شد، ولی در قانون جدید تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت و یا پس از آن نیز حکم تعلیق می‌تواند صادر شود<sup>۱</sup>.

قابل ذکر است؛ رویکرد تعلیق اجرای مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و قاضی می‌تواند در جرایم تعزیری که حبس تا دو سال برای آنها پیش بینی شده مجازات حبس را برای یک تا پنج سال معلق نماید. صدور حکم تعلیق اجرای مجازات در جرایم علیه امنیت، جرایم قاچاق، جرایم سازمان یافته، جرایم اقتصادی و در برخی از جرایم مهم امکان پذیر نمی‌باشد.

#### ۴-۱۱-۴- نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی شیوه ای مناسب برای ارتقای مهارت های حرفه ای و تمهید اقداماتی برای تعلیم و آموزش و فعالیت های حرفه ای است. در این رویکرد، افراد مهارت های لازم برای حضور تاثیر گذار در اجتماع را فرا می گیرند و برای ورود به جامعه و شروع مجدد زندگی اجتماعی که پیش از این توانایی ادغام در هنجارهای آن را نداشته اند مهیا می گردند<sup>۲</sup>. ماده ۵۵ قانون مجازات ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می دارد: « نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که بر اساس آن محوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر آنها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی تاسیس می شود.

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، پیشین.

## ۵-۱۱-۴- نظام آزادی مشروط

توجه به وضعیت اخلاق و رفتار مجرمین در طول مدت تحمل حبس باعث گردیده در قانون مجازات اسلامی جدید به زندانیانی که اصلاح و تربیت آنان قبل از خاتمه محکومیت تحقق پیدا کرده، به او فرصت بازگشت به جامعه و استقرار زندگی خویش بطریق عادی داده شود. وقتی قرائن حاکی از آمادگی محکوم علیه زندانی برای بازگشت به جامعه و ادامه زندگی شرافتمندانه است باید موجبات این انطباق اجتماعی را فراهم ساخت تا از محیط جرم زای زندان و تماس با بزه کاران حرفه ای در امان و مصون بماند. هدف اصلی مجازات اصلاح و تربیت مجدد محکوم برای زندگی در اجتماع است. پس در صورتی که این هدف قبل از خاتمه مدت محکومیت تحقق یابد ادامه باز داشت زندانی خلاف عقل و منطق و متضمن خطراتی است که احتمالاً در صورت توقف بیشتر زندانی در محیط زندان پیش می آید.<sup>۱</sup> آزادی مشروط برای مدتی متهم را از عیوب اقامت در زندان دور می سازد. با تشویق محبوسین به رعایت نظم زندان، آرامش محیط آنان تسهیل می گردد و موجب احیای اخلاقی و آماده شدن محبوسین برای زندگانی در اجتماع می شود. آزادی مشروط به محبوس مجال می دهد که برای خود شغلی تهیه نماید تا پس از قطعی شدن آزادی به آن اشتغال ورزد. حقوقدانان، آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم شناخته و امیدوارند که تهدید اجرای مابقی مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکومان پدید آورد.<sup>۲</sup> شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲،۲،۱ و تفاوت های آن با ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی سابق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند.

الف: محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

---

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، پیشین.

ب: حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.

ج: به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

د: محکوم پیش از آن، از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای الف و ب این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تائید قاضی اجرای احکام می رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید. همچنین در ماده ۵۹ این قانون آمده است: مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می شود لیکن دادگاه می تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی تواند کمتر از یکسال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یکسال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. در ماده ۶۰ و ۶۱ قانون مذکور آمده: دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می کند.<sup>۱</sup> هر گاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می شود و در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقی مانده محکومیت نیز به اجرا در می آید، در غیر اینصورت آزادی او قطعی می شود.<sup>۲</sup> اولین تفاوت مهم این ماده با ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی سابق حذف قید ( برای بار اول به مجازات حبس محکوم شده باشد) است. پس کلیه محکومین به حبس که پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشند اگر چه دارای سوابق متعدد محکومیت به حبس باشند می توانند از نظام آزادی مشروط استفاده کنند. تفاوت دیگر آن تعیین میزان تحمل حبس برای حبس های ده سال و کمتر از آن و تعیین میزان تحمل حبس برای حبس های بیش از ده سال می باشد حال آنکه در ماده ۳۸ قانون

<sup>۱</sup> علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، پیشین.

<sup>۲</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ۱، ۲، ۹۲

مجازات اسلامی سابق برای تمام حبس ها شرط تحمل نصف مجازات تعیین شده بود . تفاوت بعدی ماده ۵۸ قانون مجازات جدید با ماده ۳۸ قانون مجازات سابق حذف جمله ( در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد ) است . و با حذف این بند به نظر می رسد قانونگذار با نظر ارفاقی بیشتری با محکومین برخورد کرده و با حذف این بند ، صدور حکم آزادی مشروط پیش نیازی تحت عنوان پرداخت جزای نقدی ( احکامی که حبس توأم با جزای نقدی دارند ) ندارد . دیگر تفاوت محسوس ، حذف لزوم تائید قاضی ناظر زندان در خصوص حسن اخلاق و رفتار و پیش بینی عدم ارتکاب جرم محکوم می باشد و این وظیفه به رئیس زندان و قاضی اجرای احکام واگذار شده است<sup>۱</sup>.

#### ۱۲-۴- چالش های به کار گیری مجازات های جایگزین حبس

اندیشه لزوم تعدیل مجازات ها با توجه به مجرمان مختلف، برای نخستین بار در سال ۱۷۶۴ مطرح شد و با مباحث تکمیلی همچون تشکیل پرونده ی شخصیت توسط مکتب دفاع اجتماعی نوین، به عنوان شیوه ای موثر در حقوق جزا تثبیت شد. مجرمی که تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست را پشت سر می گذارد، با توجه به بزه ارتکاب یافته به دادگاه صالح هدایت می شود تا دادگاه با بررسی عمل او کیفری که باید تحمل کند را تعیین نماید . ولی گاهی قاضی در صدور حکم با عللی برخورد می کند که تخفیف یا تشدید مجازات را در اجرای اصل لزوم تناسب میان جرم و مجازات و هم چنین اصل فردی کردن مجازات ضروری می داند<sup>۲</sup>.

برای شروع فرایند تعدیل و تبدیل مجازات، ابتدا باید مجازات مناسب تشخیص داده شود. همانطور که قبلاً گفته شد دادرس در مجازات های تعزیری و بازدارنده می تواند با احراز کیفیات مخففه، مجازات اصلی را به مجازات مناسب تر به حال متهم تبدیل نماید. حال جای این سوال است که قید تناسب توسط چه کسی احراز می شود و معیار تعیین مجازات مناسب برای مجرم چیست؟ اگر نظر متهم را معیار تشخیص مجازات مناسب قرار دهیم با این ایراد روبه رو می شویم که مجازات ها جهت تداوم نظم اجتماعی است و نمی توان انتخاب را در اختیار متهم گذاشت. با نگاه با این توضیح اضافی باید گفت از آن جا که هدف مجازات، درمان و

---

<sup>۱</sup>زراعت، عباس، پیشین.

<sup>۲</sup>شکری، رضا و قادر، سیروس، 1383، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، مهاجر، چاپ سوم .



اصلاح مجرم است، واگذاری انتخاب روش درمان مجرم و جاهت منطقی ندارد و سیستم عدالت کیفری چنین امری را که مجرم، خود قاضی عمل خود باشد، بر نمی تابد. این نظر نقش دستگاه قضا که نماد صیانت از نظم عمومی در برابر مجرمان است را نادیده می گیرد. پس بهتر است بگوییم تشخیص مجازات مناسب باید توسط دادرس صورت گیرد گفته شد محدوده ی انتخاب دادرس، تبدیل به شرایط بهتر برای متهم باشد و نمی تواند حق تبدیل را در مقام تشدید وضعیت به کار برد<sup>۱</sup>.

باید اذعان داشت پذیرش مطلق این نظر که دادرس به صرف سلیقه ی شخصی خود و بدون در نظر گرفتن سایر عوامل، اقدام به اصدار حکم نماید، با ایرادها و انتقاداتی روبه رو است؛ از جمله تناقض چنین نظری با اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. هم چنین این احتمال ولو به شکل محدود وجود دارد که تفویض چنین اختیار وسیعی به قاضی دستاویز اعمال غرض ورزی شود و حقوق متهم در معرض تضییع قرار گیرد. لذا در پاسخ به این سوال باید گفت تصمیم گیرنده ی نهایی در احراز مجازات مناسب، دادرس است. البته لازم به ذکر است که دادرس نیز باید داری ویژگی هایی باشد تا بتواند مجازات مناسب را تعیین نماید. قاضی دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری استان عموماً با جرایمی شدید و مجرمانی با حالت خطرناک مواجه می باشند که به دلیل آثار اجتماعی آن تبدیل مجازات باید با دقت صورت گیرد. شخصیت قاضی است که می تواند در تعیین مجازات بسیار مهم باشد و کم تر در بحث های کیفرشناسی به آن پرداخته شده است. در بحث تعیین مجازات مناسب نمی توان تنها به نقطه نظر حقوقی که دائماً انگیزه های عقلانی حقوق عمل انجام شده را در قضاوت ها و صدور احکام مجازات به عنوان انگیزه های واقعی، منحصر به فرد و قطعی تصمیمات تلقی می کند، اکتفا کرد. با اذعان به این که قاضی به اصول و قواعد حقوقی پای بند است، اما گاه عللی زمینه های اتخاذ تصمیم اشتباه را فراهم می سازد<sup>۲</sup>.

حتی برای قاضی این امکان وجود دارد که ماجرا را از زاویه های متفاوت بنگرد از جزئیات و تفصیلات خاصی صرف نظر کند و برای برخی جزئیات ارزش بیشتری قائل شود. در وهله ی اول، افکار و عقاید قاضی درباره ی مسائل اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی؛ در شیوه ی استنباطی قضایی وی تأثیرگذار است. عکس العمل طبیعی قاضی در برابر موقعیت های متاثر کننده ممکن است او را از مسیر حق منحرف سازد.

---

<sup>۱</sup> حسینی نیک، سیدعباس، 1391، لایحه ی جدید قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، چاپ سوم.

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر، 1381، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ دوازدهم.

گرایش های انسانی و دل سوزی نسبت به قربانیان جرم نیز می تواند قضاوت قاضی را تحت تاثیر قرار دهد. منش قاضی نیز که در شیوه ی تصمیم گیری دخیل است احساس می شود. هر قاضی بر حسب منش خود، ملایم یا قاطع و قوی یا ضعیف است. در این خصوص گفته شده است قضاوت هنری است که صرفاً با ارتقاء دانش، پیشرفت نمی کند. بلکه کم یا بیش به ویژگی و منش قاضی مرتبط بوده و تبیین کننده ی آن است.<sup>۱</sup>

بنابراین نظام تبدیل مجازات که با اختیاراتی به قضات اعطاء شده است، یکی از ابزارهای مهم اجرای اصل فردی کردن مجازات در حقوق کیفری است، اما با یک رویکرد انتقادی، دلایل متعددی برای ناکامی جایگزین ها در به انجام رساندن اهداف مورد نظر از این نهاد قابل ارائه است:

۱- روش به کارگیری جایگزین ها به روشنی مشخص نیست. هم چنین رویه ی قضایی در مورد این که کدام دسته از مجرمان و با چه میزان جرم بایستی مشمول این امر شوند، ذهنیت روشنی ندارد و هدایتی نیز صورت نگرفته است.

۲- قاضی باید حین تبدیل مجازات مجموعه ای از عوامل را در نظر بگیرد. با بررسی زوایای مختلف جرم و اهداف مجازات مقرر برای آن در قانون، سوابق و اوصاف را در ذهن خود « تبدیل مجازات » شخصیتی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب، پازل تکمیل نماید و تبدیل مجازات باید متناسب با میزان حالت خطرناکی مجرم و در جهت درمان وی باشد. هم چنین بر قاضی فرض است که فارغ از هر گونه غرض ورزی و اعمال سلیقه ی شخصی، اقدام به تبدیل مجازات اصلی به مجازاتی مناسب به حال مرتکب نماید.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> گورف، فرانسوا، 1382، روا شناسی قضایی، برگردان: محمدحسین سروری، تهران، نگاه، چاپ نخست، ص ۲۰۰.

<sup>۲</sup> دادستان، پریخ، 1382، وا شناسی جنایی، چاپ نخست، تهران، سمت.



## **فصل پنجم:**

### **نتیجه گیری و پیشنهادات**

## ۱-۵- نتیجه گیری

اگرچه از عمر زندان به شکل نوین آن بیش از دو قرن نمی‌گذارد و در طی این دو قرن زندان برای اصلاح مناسب‌تر مجرمان اشکال متفاوتی به خود دیده است و نظام‌های اجرائی گوناگون را تجربه کرده است، اما از حدود سه دهه پیش شمار بالای زندانیان، کمبود فضای زندان، هزینه رو به افزایش آن و میزان بالای تکرار جرم در زندانیان آزاد شده، جرم‌شناسان را به اندیشه کاهش توسل به مجازات حبس به عنوان حربه اصلی نظام عدالت کیفری سوق داد. با این گرایش جدید ضمانت اجراهایی ایجاد شدند که مجازات‌های جایگزین حبس نام گرفتند.

بنابراین مقنن در قانون جدید با امعان نظر به نیاز دستگاه عدالت کیفری به تحول و ایجاد تنوع در واکنش‌های اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن مزایای مفروض آن که کاهش هزینه‌های آن به معنای عام و رفع نارسایی‌های خاص محیط زندان که ناشی از تجمع بزه کاران اتفاقی و حرفه‌ای و تشکیل خرده فرهنگ می‌باشد و همچنین رعایت اصول پایه حقوق جزا و امکان بهره‌گیری از مجرم در جهت جبران خسارت مادی و معنوی که فرآیندی از عدالت ترمیمی می‌آید در جهت تدوین و وضع این تدابیر اهتمام ورزیده است که در قالب لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس قابل طرح می‌باشد.

پس اقتضای حال حاضر برای تدوین و بکارگیری تدابیر جایگزین حبس مستلزم تمهیدات تقنینی و قضایی خاص می‌باشد که تدبیر، شناخت، بسترسازی و ایجاد امکانات اجرایی از لحاظ ساختار مادی و آموزش‌های لازم از آن جمله می‌باشد و بخش قابل توجهی از اهداف سیاست حبس زدایی با توسل به ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در قوانین جزایی که در قالب اصول و مواد خاص پیش‌بینی شده، قابل تحصیل می‌باشد.

با درک این واقعیت که هدف از اجرای سیاست زندان زدایی تنها کاهش آمار محکومان و تخلیه زندان‌ها نیست، بلکه هدف، برقراری نظم، ایجاد امنیت خارجی، احساس امنیت درونی، تقلیل میزان جرم‌پذیری افراد و اصلاح ساختار رفتار می‌باشد و نه صرفاً تقلیل زندانی و جمعیت کیفری با تغییر مکانیکی مقررات و تدابیر و اشباع جامعه از بزه‌کاران و در حقیقت پاک کردن صورت مسئله به جای حل آن، بعد از اولین و محوری‌ترین اقدام یعنی آسیب‌شناسی براساس معیارهای علمی، براساس فلسفه وجودی قوای سه‌گانه در کشور ما و محدوده مقررات و ضوابط حاکم، مکانیسم‌های ذیل پیشنهاد و تأکید می‌گردند:

## ۲-۵-پیشنهادات

### ۱- راهکارهای عمومی کاهش جمعیت کیفری

با استفاده از سازوکارهای سنتی و علمی موجود، راهکارهای عمومی مختلفی جهت مقابله یا بحران تورم جمعیت کیفری وجود دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

#### الف) پیشگیری عمومی<sup>۱</sup>

اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل دوم و سوم در بحث حقوق ملت مبین ایجاد بسترهای ضروری و لازم جهت رشد و شکوفایی و سلامت جسم و روان و رفتار توسط قوای مقننه و مجریه است. بنابراین، اصلی ترین و محوری ترین وظیفه متوجه دولت است و قوه قضائیه و نهادهای وابسته در این امر تکلیف مستقیم ندارند. لذا اگر شرایط متعارف و مناسب برای مردم یک جامعه فراهم شود؛ پیدایش جرم به حداقل می رسد و نابهنجاریهای اجتماعی بروز نمی یابد.

#### ب) پیشگیری اختصاصی<sup>۲</sup>

این نوع پیشگیری مربوط به برخی افراد قبل یا بعد از ارتکاب جرم است. در این نوع پیشگیری قوای مجریه و قضائیه دوشادوش یکدیگر باید حرکت کنند و قوه مقننه با تصویب قوانین مورد نیاز بستر اقدامات را فراهم سازد. اقداماتی نظیر مبارزه با عوامل ایجاد جرم، مبارزه با پدیده اعتیاد، مبارزه با فحشاء، جمع آوری متکدیان و اطفال بی سرپرست، درمان و کنترل بیماران روانی و مجرمین خطرناک و حرفه ای، مجرمین بعدادت، حمایت از کودکان بی سرپرست و ایجاد مراکز نگهداری، به کارگماری و درمان روحی و روانی در قالب پیشگیری اختصاصی با هدف کاهش جمعیت کیفری قابل اجرا می باشد.

---

<sup>1</sup>common prevention

<sup>2</sup> special prevention

### ج) پیشگیری وضعی<sup>۱</sup>

با فرض اینکه بزهکار محاسبه گر است؛ باید ضمن تأمین حداقل نیازهای افراد در قالب میثاق ملی و قرارداد اجتماعی، فرصتها و موقعیتهای ارتکاب جرم را تضعیف نمود. و با توسعه اقدامات امنیت فیزیکی و با طراحی ساختمان ها و محله ها، گذاشتن شبگردها، ایجاد پلیس پیشگیری و غیره، ارتکاب جرم را برای مجرم پر هزینه و دشوار نموده و اقداماتی نظیر از بین بردن محل تجمع ها، کارتن خوابها، فاحشه‌ها، مراکز توزیع و مصرف مواد مخدر، اشرار و سابقه داران، گذاردن دور بین مداربسته، ایجاد گشتهای مرتب در پارکها و میادین و نظایر آنها، می تواند در این راستا فایده مند باشد.

### د) پیشگیری فرهنگی<sup>۲</sup>

در بعد پیشگیری فرهنگی، اتخاذ راهکارها و بکارگیری روشهایی نظیر آموزش برای اطفال و خانواده ها برای جلوگیری از بزهکاری و بزه دیده گی، واکسینه کردن آحاد اجتماع، آموزش مقررات و امثال آنها می تواند کارساز باشد.

### ه) پیشگیری کیفری<sup>۳</sup>

این روش همان شیوه سنتی استفاده از ترس و رعب ناشی از اجرای مجازات است که کماکان نیز توصیه می شود. امروزه برخی از کشورها مانند آمریکا براساس تفکرات جرمشناسانه مکاتب راست نو و نئوکلاسیک نوین، به کیفر محوری روی آورده اند. استفاده از اعدام، به غل و زنجیر بستن و غیره از این قبیل مجازاتها هستند.

---

<sup>1</sup> prevention

<sup>2</sup> cultural prevention

<sup>3</sup>criminal prevention

## ۲- اصلاح و دگرگونی سیاست جنایی<sup>۱</sup>

تغییر و اصلاح سیاست کیفری و هماهنگ کردن سه بعد تقنینی، قضایی و اجرایی در شرایط کنونی امری لازم و حیاتی می نماید، بنابراین پیشنهاد می شود:

اول؛ به جرم زدایی<sup>۲</sup> بسیاری از رفتارهای کوچک و کم اهمیت نظیر خرید و فروش کوپن، ولگردی و اعتیاد پردازیم.

دوم؛ مبادرت به قضا زدایی<sup>۳</sup> نموده و با ایجاد مراکز شبه قضایی به میانجی گری و داوری روی آوریم.

سوم؛ به کیفر زدایی<sup>۴</sup> پرداخته و در جهت استقرار نوعی نظام عدالت ترمیمی تلاش شود.

چهارم؛ تدابیر جایگزینی کیفر به معنای عام و جانشین های زندان در قالب کیفر زدایی و زندان زدایی نظیر

جریمه<sup>۵</sup>، خدمات عام المنفعه، تعلیق مراقبتی، حبس الکترونیکی<sup>۶</sup>، و غیره را برای مجرمین اتفافی و غیر عمدی

باید مورد استفاده قرار دارد.

پنجم؛ باید با توسعه ابزارهایی چون بیمه مسئولیت<sup>۷</sup>، بیمه وکالت، دیه، بیمه مهریه و غیره از ورود بی رویه

افراد به زندان جلوگیری بعمل آید.

ششم؛ آموزش همگانی<sup>۸</sup> مردم بصورت اجباری درآید.

هفتم؛ تسریع در دادرسی و مبارزه با اطاله دادرسی در سرلوحه اهداف نظام عدالت کیفری قرار گیرد.

---

<sup>1</sup> criminal policy reform

<sup>2</sup> decriminalization

<sup>3</sup> diversion

<sup>4</sup> depenalization

<sup>5</sup> fine

<sup>6</sup> electronic supervise

<sup>7</sup> liability insurance

<sup>8</sup>public education



هشتم؛ با استفاده از مقررات و پتانسیل های موجود در قوانین موضوعه به ویژه قانون مجازات اسلامی، قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و نظایر آن، استفاده و بهره گیری از مکانسیم های تأمینی و جایگزین نظیر نگهداری مجرمین بیکار<sup>۱</sup> و ولگرد<sup>۲</sup> در کارگاه های کشاورزی و صنعتی، ممنوعیت از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه معین، ممنوعیت اقامت در محل معین، اخراج بیگانگان از کشور، بستن موسسه، لغو پروانه کار، ضمانت احتیاطی، ضبط اشیای خطرناک، انتشار حکم، محرومیت از حق ابوت و قیمومیت و نظارت و نیز محرومیت از پاره ای از حقوق اجتماعی، در سرلوحه اهداف و برنامه های دستگاه عدالت کیفری قرار گیرد. همچنین باید از پتانسیل های موجود در قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲ (تخفیف مجازات)، ۲۵ (تعلیق مجازات)، ۳۸ (آزادی مشروط)، و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی در جایگزین های مجازات زندان به بهترین نحو ممکن استفاده نمود و یا با اختیار حاصله از برخی مواد قانونی به جزای نقدی بدل از حبس روی آورد.

بنابراین، می توان با تغییر سیاست تقنینی با لحاظ کلیه ابعاد جرمشناختی و واقعیت کشورها که بومی سازی و ملی کردن از ضروریات آن است؛ از مقدمات موجود استفاده نمود مشروط بر آنکه؛ اولاً؛ هدف اصلاح مجرمین باشد. ثانیاً؛ کم کردن زندانیان فقط از بعد کمی یعنی خالی شدن زندان و رها کردن مجرمان در سطح جامعه نباشد. ثالثاً؛ به حقوق اجتماعی مردم و احساس امنیت آنان، بویژه حقوق بزه دیدگان خللی وارد نیاید. رابعاً؛ این فعالیت ها در کنار سایر اقدامات پیشگیرانه و توأم با به چالش کشیدن قوای مجریه و مقننه و حل ریشه ای جرم و بزهکاری باشد و در یک کلام، منجر به افزایش امنیت اجتماعی، کاهش جرم، تقلیل جمعیت کیفری و جمعیت زندانهای کشور گردد.

---

<sup>1</sup> unemployed offenders

<sup>2</sup> vagrant offenders

### ۳- زندان زدایی از طریق زندان

در واقع حلقه مفقوده بحث زندان زدایی در چارچوب سازمان زندانهای کشور که متولی و متصدی اصلی زندان داری و زندان بانی و اجرای کیفر زندان است، مطرح می باشد.

لذا با عنایت به واقعیت های ذیل که:

-به طور متوسط هر یک ماه حداقل به اندازه ظرفیت یک زندان، ورودی جدید داریم.

-تعداد تکرار کنندگان جرم در میان زندانیان رقم معنی داری بین ۳۰ الی ۸۰٪ در برخی جرایم بویژه جرایم حرفه ای و به عادت را نشان می دهد.

-امکانات و روشهای موجود، بحث اصلاح و درمان را دچار مشکل نموده است.

-بسیاری از ورودیها - (قریب ۴۰٪) تحت قرارداد - خواه بازداشت موقت، خواه عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل.

-آلودگی جسمی، روحی و روانی و حتی اعتیاد در زندان مورد بحث و طرح است.

-به دلیل عدم امکانات کافی، اجرای برنامه های اصلاحی و درمانی چندان موفق نیست.

-به علت عدم امکان حمایت کافی بعد از خروج و جامعه پذیر نبودن زندانیان مرخص شده، احتمال مراجعت مجدد وجود دارد.

با عنایت به این واقعیت ها باید در اجرای رسالت قانونی و ساختاری خود تدابیری بیاندیشیم که صرفاً حول محور تعدیل کمی تعداد زندانیان با ابزارهای قانونی و اجرایی نباشد بلکه:

حالت نظم گریزی، مسئولیت ناپذیری، قانون گریزی را تبدیل به جامعه پذیری و مسئولیت پذیری نماید.

لذا زندان زدایی را از منظر جرم شناسی در مرحله اجرای کیفر مجموعه اقداماتی می دانیم که:

ماهیت و ذات مشکل را حل کند و نه شکل و صورت آن را.

به این منظور دو گروه تدابیر قابل تصور است:

الف) گروه اول

۱. بکارگیری نیروهای متخصص در تشکیل پرونده شخصیت<sup>۱</sup> و طبقه بندی علمی زندانیان<sup>۲</sup>.
۲. استمرار حضور نیروهای تخصصی اعم از پزشک، روانکاو، مددکار، جرم شناس و تماس با زندانیان و بررسی شرایط روحی آنها به طور ماهانه و ضبط در پرونده شخصیت.
۳. طبقه بندی زندانیان سابقه دار از زندانیان اتفاقی<sup>۳</sup>
۴. تعریف روش زندان داری براساس روشهای موجود تدریجی.
۵. ارزیابی عملکرد زندانیان و پاسخ زندانیان به روشهای موجود.
۶. ضرورت نظارت و مراقبت دقیق تر در مورد سلامت رفتار<sup>۴</sup>، بهداشت، بحث اعتیاد در بین زندانیان.
۷. تعیین هیأت بازرسی و ارزیابی علمی و رفتاری کارکنان و زندانیان و نتایج حاصله - در قوه قضائیه.
۸. تعیین دقیق آمار از مرتکبین جرایم متعدد، تکرار کنندگان جرم برای کلیه زندانها
۹. فعال کردن بحث نظارت قضات ناظر زندان بر اجرای درست احکام و تعامل بین ناظر زندان و ریاست و مسئولین زندان.
۱۰. انتخاب قضات ناظر<sup>۵</sup> از میان افراد دارای درجات علمی و تجربی.
۱۱. دایر کردن دایره معاضدت کانون وکلای<sup>۶</sup> برای ارائه خدمات معاضدتی به زندانیان فاقد بضاعت.
۱۲. همکاری بین مدیران زندان<sup>۷</sup> و مسئولین قضایی حوزه برای کمک به زندانیان اتفاقی فاقد سابقه جهت تقسیط، دیه، جریمه، آزادی مشروط، وام و ایجاد مراکز خارج از زندان برای افراد تحت قرار کفالت و وثیقه.

---

<sup>1</sup> personality case

<sup>2</sup> prisoners certification

<sup>3</sup> accidental offenders

<sup>4</sup> behavior healte

<sup>5</sup> official judges

<sup>6</sup> bar association

<sup>7</sup> prison managers

۱۳. تعامل سازنده و موثر با کانون وکلا و استفاده از وکلای بیشتر جهت دفاع معاضدتی و تسخیری از زندانیان فاقد امکانات.

۱۴. مذاکره با مبادی اجرایی برای به کارگیری تدریجی زندانیان از مراحل زندان نیمه باز و باز.  
(ب) گروه دوم:

امکاناتی که نیاز به زمان و قانون دارد:

۱. توسعه اختیارات روسای زندان در امر تشویق و تنبیه غیر کیفری و تقاضای تجدید نظر از احکام زندانیان، اعطای مرخصی، تخفیف مجازات با عنایت به عملکرد رفتاری زندانیان.

۲. ایجاد مراکز و مزارع کار برای مجرمین فاقد سابقه و اتفاقی

۳. ایجاد موسسات درمانی و آسایشگاههای روانی برای بزهکاران پرخاشگر و روان پریش و روان نژند و درو کردن آنها از زندانیان معمولی

۴. آموزش عملی قضات در زندانها برای شناخت شخصیت زندانیان، جرایم آنان و نوع روشها

۵. ایجاد امکانات فیزیکی و پرسنلی برای طبقه بندی مجرمین و لزوم جداسازی آنها.

بدیهی است تمامی این اقدامات برای کاهش تعداد زندانیان است اما نه برای اینکه زندان خالی شود، بلکه برای اینکه جرمی واقع نگردد. لذا وظیفه زندانبانی نوین در دنیا و کشور ما باید بر مبنای سیاست اصلاح، بازپروری، ارتقاء توان مندی زندانیان، جامعه پذیری، اجتناب از انتقام جویی و پیشبرد و ارتقاء امنیت اجتماعی طراحی و به معرض اجرا درآید.

مقامات قضایی برای ارائه یک استراتژی در خصوص جایگزین ها، باید قانون را مورد بازبینی قرار داده و مطمئن شوند که قانون به غیر از مواقع ضروری، رفتاری را جرم تلقی نکرده و جمعیت زندان را بی مورد افزایش نمی دهد. مقامات قضایی باید توجه کنند که یک چهارچوب قانونی برای جایگزین ها در هر سطح وجود داشته و شرایط لازم برای اجرای آن وجود دارد. قانون باید وجود جایگزین حبس را الزامی دانسته و حبس را به عنوان آخرین راه کار در نظر بگیرد. قانون گذاری جدید به تنهایی کامل نبوده و باید توسط سمینارها و برنامه های تربیتی که برای تسهیل اجرای آن طراحی شده اند، تکمیل شود. آن ها بایستی در ابتدا

قضات را هدف گرفته و سپس تمام کسانی را که در اجرای جایگزین های قانونی جدید مشارکت دارند، تحت پوشش قرار دهند.

## منابع:

قران کریم

قانون آیین دادرسی کیفری.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲.

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱.

۱. ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۸۹، پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، انتشارات فکرسازان، چاپ اول.
۲. ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۲، ص ۱۳۱، کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (ع).
۳. ابوترابیان، حسین ۱۳۶۳، تاریخچه زندان. تهران، نشر نو.
۴. احمدی ابهری، محمدعلی، ۱۳۷۷، اسلام و دفاع اجتماعی، قم، دفتر انتشارات، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۵. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، ج ۱، نشر میزان.
۶. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق جزای عمومی ج ۱ و ج ۲، نشر میزان.
۷. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ اول، ج ۲.
۸. اردبیلی، محمدعلی، جایگزین‌های کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۲، شماره ۱۱-۱۲.
۹. اسعدی نژاد، احمد رضا، ۱۳۹۲، رویکرد حبس زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، روزنامه اعتماد، شماره ۲۷۵۷.
۱۰. افراسیابی، محمد؛ ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ اول، نشر فردوسی.
۱۱. اکبری بوانی، عباس، ۱۳۹۱، لزوم حبس زدایی با نگاهی به آثار و تبهات زیانبار حبس بر زندانیان و جامعه، پایگاه حقوقی حق گستر، دیدار با مسئولان قوه قضائیه.
۱۲. آشوری، محمد، ۱۳۷۶. عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش، چ اول.
۱۳. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۱۴. آنسل، مارک، ۱۳۷۰، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
۱۵. آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم.

۱۶. بابایی، محمد علی، غلامی، میثم، ۱۳۹۱، مهم ترین جلوه های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهش نامه اندیشه های حقوقی، سال اول.
۱۷. باهری، محمد؛ داور، علی اکبر، ۱۳۸۰ ش. نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، مقارنه و تطبیق رضا شکری، تهران.
۱۸. بشارتی، محمد ابراهیم، ۱۳۹۰، جرم زدایی و قضازدایی از جرائم خاص، <http://www.alqaza.com>.
۱۹. بکاریا، سزار، ۱۳۸۰، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان.
۲۰. بولک، برنارد؛ ۱۳۷۲، کیفرشناسی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر مجد.
۲۱. پرادل، ژان، ۱۳۷۳، تاریخ اندیشه ای کیفری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول.
۲۲. پورقهرمانی بابک، مجازات های جایگزین حبس، مجله دادگستر سال سوم، ش 1.
۲۳. تدین، عباس، ۱۳۸۵، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلی کیپی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، جلد پنجم.
۲۴. جان گرایبی، علی، عوامل تقنینی تراکم جمعیت کیفری ایران، نگاهی تازه به حقوق کیفری، <http://ajgeraei.blogfa.com>
۲۵. جزایری، نعمت الله، ۱۴۰۴، کشف الاسرار، قم، موسسه دارالکتب الاسلامی، چاپ اول.
۲۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، 1381، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ دوازدهم.
۲۷. جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، چاپ اول.
۲۸. جو انفر، عباس، ۱۳۸۴، حبس زدایی، ضرورتی ناگزیر، ماهنامه اصلاح و تربیت.
۲۹. الجوزیه، ابن قیم، ۱۳۷۴، اعلام الموقعین، القاهرة، تامکتبه التجاره الکبری، ج 3.
۳۰. جیم، توماس؛ شارون، بویلفیلد، ۱۳۸۰، الغا گرایان، ترجمه محمد رضا گودرزی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۷.
۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۴، وسایل الشیعه، ج 18، تهران، انتشارات ناس.
۳۲. حسینی نیک، سیدعباس، 1391، لایحه ی جدید قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، چاپ سوم.
۳۳. الحصری، احمد، ۱۹۹۳، السیاسة الجزائیة فی فقه العقوبات الاسلامی المقارن، بیروت، دارالجليل.
۳۴. الخضری، محمد، ۱۳۸۷، تاریخ التشريع الاسلامی، منشورات دارالفطر.
۳۵. دادستان، پریخ، 1382، روانشناسی جنایی، چاپ نخست، تهران، سمت.
۳۶. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۶ ش. حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، تهران.

۳۷. داوریان دهکردی، ولی الله، ۱۳۸۶، کارشناس حقوق پی نوشت ۱ نشریه جایگزین های حبس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیت کشور شماره ۳.
۳۸. دباغی صدیقه، ۱۳۹۱، لایحه مجازات های جایگزین زندان، آرشیو نشریه مأوی.
۳۹. دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۹۲، سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حبس زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۴۰. دیوان فرخی یزدی. مکی حسین ۱۳۵۷. زندان و زندانی انتشارات امیر کبیر. تهران.
۴۱. رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول.
۴۲. رستگاری نیا، ژیلا، ۱۳۸۵، راهکارهای کاهش جمعیت کیفری»، سال پنجم، شماره ۵۷ و ۵۸.
۴۳. رهامی، محسن، ۱۳۸۱، اقدامات تأمینی و تربیتی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران.
۴۴. ریاحی، جواد، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان.
۴۵. زراعت، عباس، ۱۳۸۴، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۱۰۳، چ سوم، انتشارات تهران، ققنوس.
۴۶. زراعت، عباس، ۱۳۹۳، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، تهران، ققنوس.
۴۷. ژان پراول، میشل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴۸. سلطانفر، غلامرضا، ۱۳۸۳، تورم کیفری، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۹. سلیمی، عزیز بن عبدالسلام. ۱۴۱۹، قواعد الاحکام فی مصالح الانام. بیروت: موسسه الریات.
۵۰. سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
۵۱. شریف مرتضی، علی بن الحسین، ۱۳۷۶، انتصار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا.
۵۲. شکری، رضا و قادر، سیروس، ۱۳۸۳، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، مهاجر، چاپ سوم.
۵۳. صانعی، پرویز، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی جلد دوم، ص ۲۹۲، دانشگاههای سابق.
۵۴. صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
۵۵. صلاحی، جاوید، ۱۳۵۴، نقش قاضی در اجرای مجازاتها، مجله کانون وکلا، سال ۲۷، شماره ۱۳۱.
۵۶. طاهری جبلی، محسن، نگاهی دیگر به اصول تشدید کیفر در قانون مجازات اسلامی.



۵۷. طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۲، آزادی عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۵۸. طوسی (شیخ طوسی)، محمدبن حسن، ۱۴۱۰ ق، تهذیب الاحکام، چاپ دوم، بیروت، دارالتعارف، ج ۱۰، ح ۹۶۸.
۵۹. عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق، مسالک، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی.
۶۰. علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، حقوق جنائی، جلد دوم، چاپخانه بانک ملی.
۶۱. علی آبادی، علی حسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی.
۶۲. فتحی، بهنسی، احمد، ۱۴۱۲ ه ق، الموسعه الجنائیه فی الفقه الاسلامی، دارالنهضة العربیه، ج ۱.
۶۳. فتحی، حجت الله، ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی، فقه و حقوق، سال ششم، شماره ۲۱.
۶۴. فرج اللهی، رضا، ۱۳۸۹، شخصی کردن قضایی مجازات، ماهنامه دادرسی، شماره ۸۰، خرداد و تیر ۸۹.
۶۵. فرخی یزدی. مکی حسین ۱۳۵۷. زندان و زندانی تهران، انتشارات امیر کبیر.
۶۶. فوکو، میشل، ۱۳۷۸، مراقبت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران، نشر نی، ج ۲.
۶۷. کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۸۰، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، نشر انتشار، تهران.
۶۸. کلانتری، کیومرث، ۱۳۸۱، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، رساله تحصیلی دکتری گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶۹. کلینی، ابوجعفر، کافی، دارالحدیث لطباعه و النشر، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، فروع کافی، قم، انتشارات قدس، ج ۷، ح ۱، ۳ و ۲.
۷۱. کمالی، محمد جلال؛ کشکر، داود؛ حیدرلو، الیاس، ۱۳۹۳، تاثیر حبس و جایگزین آن، اداره کل زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان تهران، <http://www.tehranprisons.ir>.
۷۲. کوشا، جعفر، ۱۳۸۱، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۷۳. گرمارودی، هما؛ ۱۳۸۶، عوامل موثر بر کاهش جمعیت کیفری، از مجموعه مقالات همایش زندان زدایی دانشگاه شیراز، نشر میزان.
۷۴. گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، گزارش جرم زدایی اروپا، ترجمه‌ی واحد ترجمه‌ی مرکز مطالعات توسعه‌ی قضایی، انتشارات سلسبیل، چاپ اول.
۷۵. گزارش همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین زندان، مجله حقوقی دادگستری، ش 38.
۷۶. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ویرایش ال، چاپ دوازدهم.

۷۷. گودرزی بروجردی، محمد؛ ۱۳۸۳، مطالعه و عملیاتی سازی جایگزین های زندان، آرشیو دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندانها.
۷۸. گودرزی، بروجردی و دیگران، ۱۳۸۲، نارسایی های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی و رضوی.
۷۹. گودرزی، حمید، ۱۳۸۲، نارسایی های زندان، مجله تخصصی ذانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰-۹.
۸۰. گورف، فرانسوا، 1382، روانشناسی قضایی، برگردان: محمدحسین سروری، تهران، نگاه، چاپ نخست.
۸۱. لازرژ، کریستین، ۱۳۹۰، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم.
۸۲. لازرژ، کریستین؛ ۱۳۷۵، سیاست جنایی، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، نشر یلدا، چاپ اول.
۸۳. لوی برول، هانری و دیگران، ۱۳۷۱، حقوق جامعه شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی، نشر روش.
۸۴. مالک بن انس، المدونه الکبری، ج ۶، مصر، انتشارات سعادت، بی تا.
۸۵. الماوردی، علی بن محمد، ۱۳۸۳، الاحکام السلطانیه، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۸۶. محمد حسن بن باقر، صاحب جواهر، ۱۳۶۲، الحدود و التعزیرات؛ ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱.
۸۷. محمدی نسل، غلام رضا، ۱۳۸۴، نظارت الکترونیکی بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول.
۸۸. محمودی، جواد، ۱۳۸۹، قضا زدائی و جرم زدائی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، جمله تخصصی هیات و حقوق دانشگاه رضوی، سال ششم، شماره ۱۹.
۸۹. مطبوع، ناهید، ۱۳۹۰، بررسی ملاک حبس در فقه امامیه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و حقوق.
۹۰. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۷، المنجد عربی - فارسی، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی.
۹۱. ملک اسماعیلی، عزیزالله، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹۲. ملکوتی، نصیر، ۱۳۸۹، مجازات های اجتماعی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۹۳. منصور آبادی، عباس؛ ۱۳۸۶، زندان راه حل یا مشکل؟، از مجموعه مقالات همایش زندان زدایی دانشگاه شیراز، نشر میزان.

۹۴. مهرا، نسرین؛ ۱۳۷۷، درآمدی بر جرم زدائی، کیفر زدائی و قضازدائی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، شماره ۲۲-۲۱.
۹۵. میرشمس شهشهانی، مائده، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت زندان، انتشارات میزان، چاپ اول.
۹۶. میلکی، ایوب، ۱۳۸۳، بررسی کیفر شناختی مجازات شلاق، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۹۷. میلکی، ایوب، ۱۳۸۵، حبس زدایی خردگرا، خروج از بحران تورم کیفری، ماهنامه اصلاح و تربیت.
۹۸. میلکی، ایوب؛ ۱۳۸۴، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها، اصلاح و تربیت، سال ۴، شماره ۴۷.
۹۹. نجفی ابرندآبادی (علی حسین، ۱۳۷۷، هاشم بیگی (حمید)؛ دانشنامه جرم شناسی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، اول.
۱۰۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۶، مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول.
۱۰۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی ۲ (اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان)، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، 1382، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، آموزه‌های فقهی (الهیات و حقوق)، شماره ۹ و ۱۰.
۱۰۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ۱۳۸۶، مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول.
۱۰۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین ۱۳۸۲، پیشین؛ ویلیام، فرانک و دیگران، ۱۳۸۱، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷.
۱۰۵. نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۵، نشریه جایگزین های حبس، ستاد سیاست گذاری کاهش حبس، شماره اول.
۱۰۶. نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۱، جرم شناسی، نشر خط سوم، چاپ دوم.
۱۰۷. نجفی توانا، علی؛ ۱۳۸۵، نشریه جایگزین های حبس، ستاد سیاست گذاری کاهش حبس، شماره اول.
۱۰۸. نوروبها، رضا، 1384، زمینه ی حقوق جزای عمومی ص 431، چ 13، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰۹. نوروبها، رضا؛ ۱۳۷۸، سیاست جنایی سرگردان ایران، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵.
۱۱۰. نوروبها، رضا، ۱۳۷۵، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری.

۱۱۱. نیازپور، امیر حسن، (ب)، 1390، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱.
۱۱۲. وایت (راب) هینس (فیونا)، ۱۳۸۱، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر، چ اول.
۱۱۳. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۵، حقوق جزای عمومی جلد چهارم، ص ۱۹۲، چاپ دوم، نشر داد.
۱۱۴. ولیدی، محمد صالح، 1382، کلیات حقوق و جزای عمومی، ص 507، چ 1، انتشارات خورشید.
۱۱۵. ویلم فلور، ۱۳۶۶، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
۱۱۶. ویلیام، فرانک و دیگران، ۱۳۸۱، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷.
۱۱۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۱، سخنرانی افتتاحیه، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین حبس، انتشارات راه تربیت.
۱۱۸. هندی، علی المتقی ابن حسام الدین، ۱۳۶۴، کنز العمال، انتشارات دائرة المعارف العثمانیه، بعاصمه حیدر آباد، ق.ح ۱۳۴۰۹.
۱۱۹. یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۸۵، اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱.

1. Prison Inmatee", U.S.A Washington D.C Government Office, 1993.
2. duff.a.and garland.d.a reader on punishment, oxford press, 1994.
3. entham.j, principles of morals and legislation, oxford, 1982.
4. fletcher.g, basic concepts of criminal law, oxford press, 1990.
5. messner and etc, the penal system between pastan western eurpean penal system, London press, 1995.
6. Snow ,Penny, "Electronic Monintoring of Offender, International Review if Law, Vol.11, 1997 .
7. torny-michael, crime and punishment, oxford press, 1998.
8. United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures (The Tokyo Rules) www.un.ory.documents.ga.res, 45,a45r110-hm.
9. Williams.k.s, criminology, black stone, press limited, 1997.

## Abstract

Today prison punishment as one of the most important penalties is applied in most human societies, so prison should be examined meticulously by penologists and criminologist as an institute in which a criminal is convicted to pass his term. Despite the short prison term in western societies because of failing in fulfilling the desired purposes, the prisons have undergone several transformations and various methods of imprisoning have been invented and experienced. All these methods have claimed to reform and solve the crimes. However, today a prison is not seen as a reforming place, but it actually is a school for learning and repeating more crimes. According to the statistics, 29% of people have regularly committed crimes and so returned to prisons. So we realized that imprisoning does not help and reform a professional criminal, but other inexperienced and new prisoners may expose and be influenced by mischief and wrong deeds of prisoners with long service. Thus, Imprisonment substituting punishments are a new generation of the punishments which has introduced in punishment section following the issue of de-imprisonment and de-punishment at least in less important crimes in form of substituting punishments for imprisonment and independent from other punishments. Such punishments today are attempting to respond the criminals with different functionalities such as disabling function by which criminal policy makers are attempting to disable the criminals. Present research aims to investigate the issue of de-imprisonment in Islamic penal code approved in 2013. Independent variable is predicted as punishment code of de-imprisonment. This study applied the analytical-descriptive methods performed after collection of the data about regulations related to de-imprisonment in punishment code of 2013 and analyzes these regulations. The results of this study indicate that acceptance of substituting punishments for imprisonment in criminal policy on one hand is the legislation due to failure of at least unsuccessfulness of prison's reformation or treatment programs and on the other hand, inspired by new findings of criminal sciences in this regard. With enforcement of the Islamic penal code and application of 2013 substitution punishments for imprisonment by the tribunals and prediction of necessary mechanisms in this regard such as judicial culture, trained human source and coordination between judicial systems and other non-governmental organizations would be a great step toward betterment of judicial area in Iran and should lead to reduction of the cases in public prosecution offices and reduction of the population of the imprisonment criminals.

Keywords: imprisonment, de-imprisonment, imprisonment substituting punishments, legislative criminal policy

